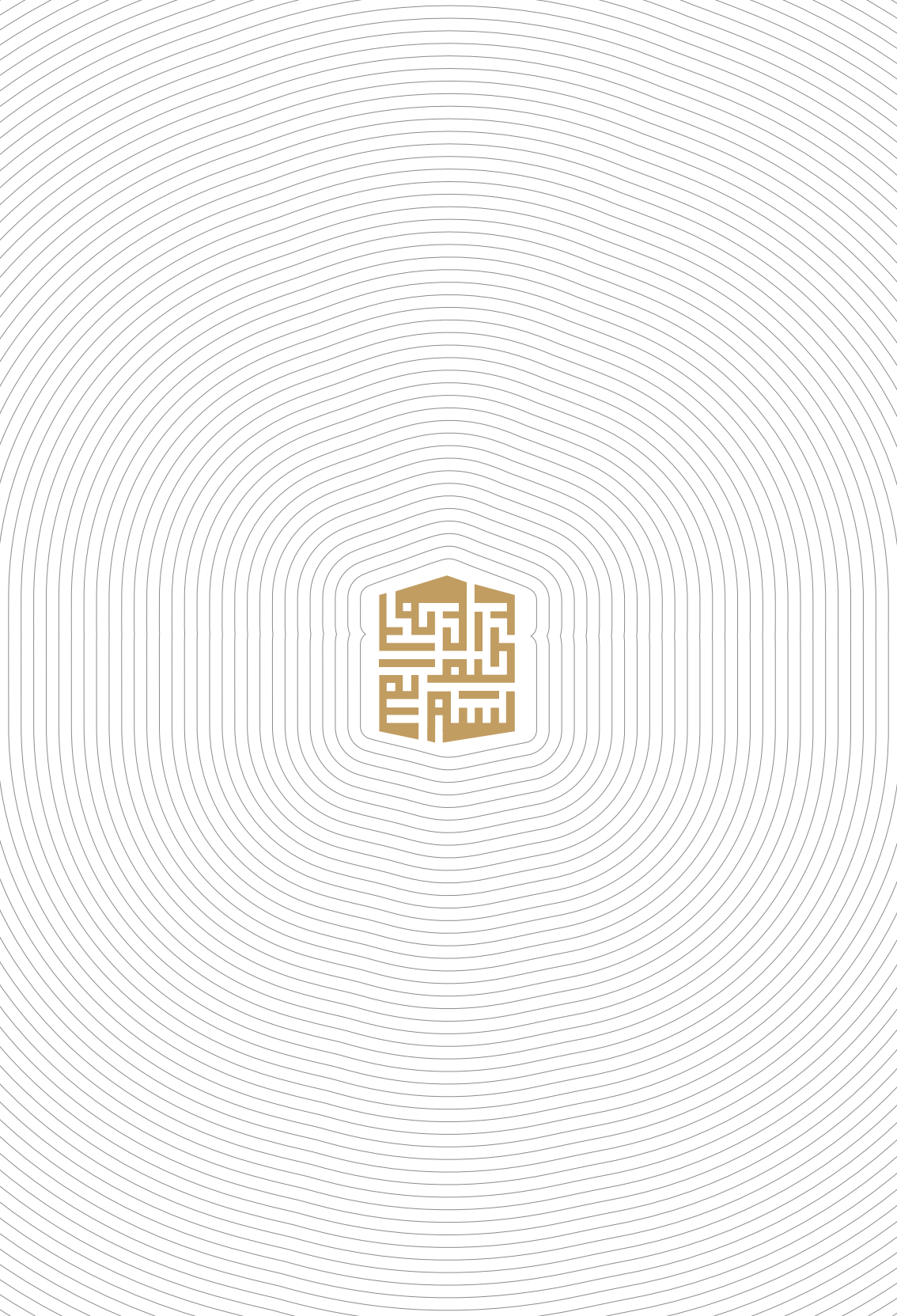




شناسنامه

نام کتاب: قرآن و نماز؛ تفسیر آیات برگزیده (سوره حمد، ماعون و توحید)
گردآوری و تدوین: علی محمد متوسلی
ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز
مدیریت هنری: محمدحسین مؤیدی (خانه ایده)
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۹
چاپ و صحافی: بوستان کتاب
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
مراکز پخش:

۱. تهران، میدان فلسطین، مقابل سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات ستاد اقامه نماز
تلفن: ۸۸۹۹۱۰۶۸ و ۸۸۹۰۰۵۹
 ۲. دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور
 ۳. خرید از طریق سایت namazstore.ir
 ۴. خرید فایل الکترونیکی از سایت های طاقچه و کتابچین
- شابك: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۲۲۳-۹

حقوق معنوی اثر متعلق به انتشارات ستاد اقامه نماز است.

فیپا

سرشناسه: قرائتی، محسن Qeraati, Mohsin. ۱۳۲۴-
عنوان قرارداد: تفسیر نور، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: قرآن و نماز؛ تفسیر آیات برگزیده آیات نماز، سوره حمد ماعون و توحید براساس تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی / گردآوری و تدوین علی محمد متوسلی؛ [برای] معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش واحد آموزش و پژوهش.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۹۴ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۲۲۳-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان دیگر: تفسیر آیات برگزیده آیات نماز، سوره حمد ماعون و توحید براساس تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی.
موضوع: قرآن، برگزیده ها -- ترجمه ها
موضوع: Qur'an. Selections -- Translations
موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع: Shi'ite hermeneutic -- Qur'an -- 20th century
موضوع: تفاسیر (سوره فاتحه)
موضوع: تفاسیر (سوره ماعون)
موضوع: تفاسیر (سوره توحید)
موضوع: نماز -- جنبه های قرآنی
موضوع: Qur'anic teaching -- Salat
شناسه افزوده: متوسلی، علی محمد، ۱۳۴۷-، گردآورنده
شناسه افزوده: Motevasseli, Ali Mohammad
شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز. معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش
شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز
رده بندی کنگره: BP۹۸
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۶۰۲۸۱



۱۱	تفسیر سوره حمد
۱۲	درس‌های تربیتی سوره حمد
۱۳	آیه ۱
۱۶	سیمای «بِسْمِ اللَّهِ»
۱۸	آیه ۲
۲۱	آیه ۳
۲۲	آیه ۴
۲۵	آیه ۵
۲۷	آیه ۶
۳۳	آیه ۷
۳۴	مغضوبین در قرآن
۳۶	ضالّین در قرآن
۳۸	اولین وظیفه متقین
۴۰	نماز جماعت
۴۱	استمداد از نماز
۴۳	پیمان الهی
۴۴	توشه آخرت
۴۵	مسجد و نمازگزاران
۴۷	سابقه کعبه
۴۹	پناهگاه در مشکلات

۵۱	نمونه نیکی
۵۳	مسئولیت ویژه
۵۵	راه سعادت و آرامش
۵۶	محراب عبادت
۵۹	وظیفه توانا و ناتوان
۶۰	توجه و طهارت
۶۳	اولویت نماز
۶۵	نماز شکسته
۶۶	اهمیت نماز جماعت
۶۹	تکلیف فرازمانی
۷۱	نماز منافقانه
۷۲	اندیشمندان و نماز
۷۴	طهارت شرط لازم
۷۸	شرط همراهی خدا
۸۰	نشانه ولایت
۸۳	تمسخر دشمنان
۸۵	شیطان مانع نماز
۸۶	ماموریت الهی
۸۷	محافظت از نماز
۸۸	نماز خالصانه

۸۹	نشانه اصلاح
۹۱	نشانه ایمان حقیقی
۹۴	نشانه توبه واقعی
۹۵	نشانه برادری
۹۶	آبادگران مسجد
۹۹	نماز مردود
۱۰۰	سفارش اهل ایمان
۱۰۲	نماز و شهرسازی
۱۰۳	اثرگذار اجتماعی
۱۰۴	نابودگریدی‌ها
۱۰۸	سرمایه قیامت
۱۰۹	دعای ابراهیم علیه السلام
۱۱۱	اهمیت نماز صبح
۱۱۲	نماز شب
۱۱۳	اهمیت نماز شب
۱۱۶	واجبی مستمر
۱۱۷	مسئولیت خانواده
۱۱۹	بی‌نمازان گمراه
۱۲۱	اولین دستور خدا
۱۲۲	مسئولیت و پشتکار

فهرست مطالب

۱۲۴	ماموریت پیشوایان
۱۲۶	نشانه بندگان مخلص
۱۲۷	اولین وظیفه حاکمان
۱۲۹	راه رستگاری
۱۳۰	سیمای اسلام
۱۳۳	رستگاری حتمی
۱۳۴	نشانه وارثان بهشت
۱۳۵	تاجران نمونه
۱۳۷	نماز همه موجودات
۱۳۸	عامل جلب رحمت
۱۳۹	نشانه مؤمنان
۱۴۱	بازدارنده از زشتی‌ها
۱۴۴	نماز و بازدارندگی از منکرات
۱۴۶	نشانه نیکوکاران
۱۴۷	سفارشی حکیمانه
۱۴۹	سیمایی از نماز
۱۵۳	تجارتی پایدار
۱۵۴	امتیازات تجارت با خدا
۱۵۶	نماز و مشورت
۱۵۸	اهمیت نماز جمعه

۱۵۹	جایگاه نماز جمعه
۱۶۲	مداومت بر نماز
۱۶۳	مراقبت ویژه
۱۶۵	جایگاه مسجد
۱۶۶	نکاتی چند پیرامون مسجد
۱۶۸	عقاب تارکان نماز
۱۶۹	رستگاری واقعی
۱۷۱	دشمنان نماز
۱۷۲	جاودانگی با نماز
۱۷۴	سپاسگزاری ویژه
۱۷۷	سوره ماعون
۱۷۹	نگاهی به مسئله ریا
۱۸۱	اخلاص
۱۸۴	سوره توحید
۱۸۵	آیه ۱
۱۸۵	آیه ۲
۱۸۸	آیه ۳
۱۹۰	آیه ۴
۱۹۱	آیه ۵
۱۹۲	نماز مطلوب از نگاه قرآن

قرآن و نماز

تفسیر آیات برگزیده

آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید

تفسیر سوره حمد

❖ سوره‌ی حمد که نام دیگرش «**فاتحة الكتاب**» است، هفت آیه دارد^۱ و تنها سوره‌ای است که بر هر مسلمانی واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند و در صورت ترک عمدی نماز او باطل است. **«لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»**^۲

بنا به روایت جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم ﷺ: این سوره بهترین سوره‌های قرآن است. و به نقل ابن عباس؛ سوره‌ی حمد اساس قرآن است. در حدیث نیز آمده است: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد، تعجب نکنید.^۳

از نامگذاری این سوره به «**فاتحة الكتاب**» توسط پیامبر اکرم ﷺ،^۴ معلوم می‌شود که تمام آیات قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع آوری شده و به صورت کتاب درآمده است و به امر ایشان این سوره در آغاز و شروع کتاب (قرآن) قرار گرفته است.

همچنین در حدیث ثقلین می‌خوانیم که پیامبر ﷺ فرمود: «**انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي**»^۵ من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، کتاب خدا و خاندانم. از این حدیث نیز معلوم می‌شود که آیات الهی در

۱. عدد هفت، عدد آسمان‌ها، ایام هفته، طواف، سعی بین صفا و مروه و پرتاب سنگ به شیطان نیز می‌باشد.

۲. مستدرک، ج ۴، ح ۴۳۶۵.

۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۵۷.

۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷.

۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۰.

زمان پیامبر ﷺ به صورت «**کتاب الله**» جمع آوری شده و به همین نام در میان مسلمانان معروف و مشهور بوده است.

آیات سوره‌ی مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره‌ی خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه‌ی راه اولیای خدا، ابراز علاقه واز گمراهان و غضب‌شدگان اعلام بیزاری و انزجار شده است.

سوره‌ی حمد. همانند خود قرآن مایه‌ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری‌های روحی.^۱

درسهای تربیتی سوره‌ی حمد

- قبل از تفسیر سوره حمد سیمایی از درسهای این سوره را ترسیم نموده و پس از آن به شرح آن می‌پردازیم؛
- ۱- انسان در تلاوت سوره‌ی حمد با «**بِسْمِ اللَّهِ**» از غیر خدا قطع امید می‌کند.
 - ۲- با «**رَبِّ الْعَالَمِينَ**» و «**مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**» احساس می‌کند که مربوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می‌گذارد.
 - ۳- با کلمه «**عَالَمِينَ**» میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می‌کند.
 - ۴- با «**الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**» خود را در سایه لطف او می‌داند.
 - ۵- با «**مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**» غفلتش از آینده زدوده می‌شود.
 - ۶- با گفتن «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» ریا و شهرت طلبی را زایل می‌کند.
 - ۷- با «**إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**» از ابرقدرت‌ها نمی‌هراسد.
 - ۸- از «**أَنْعَمْتَ**» می‌فهمد که نعمت‌ها به دست اوست.

۱. علامه امینی در تفسیر فاتحه‌الکتاب، روایات زیادی را در این باره نقل نموده است.

۹- با «اهْدِنَا» رهسپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می‌کند.
۱۰- در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می‌کند.

۱۱- با «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «لَا الضَّالِّينَ» بیزاری و برائت از باطل و اهل باطل را ابراز می‌دارد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.



• نکته‌ها

♦ در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است که کارهای مهم و باارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه‌ی آنهاست، شروع می‌کنند تا آن کار میمون و مبارك گردد و به انجام رسد. البته آنان براساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل می‌کنند.

♦ گاهی به نام بت‌ها و طاغوت‌ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، کار را شروع می‌کنند.

چنانکه در جنگ خندق، اولین کلنگ را رسول خدا ﷺ بر زمین زد.
♦ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سر آغاز کتاب الهی است. «بِسْمِ اللَّهِ» نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب‌های آسمانی بوده است. در سر لوحه‌ی کار و عمل همه‌ی انبیا «بِسْمِ اللَّهِ» قرار داشت. وقتی کشتی

حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح علیه السلام به یاران خود گفت: سوار شوید که «**بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا**»^۱ یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیه السلام نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله‌ی «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**»^۲ آغاز نمود. ♦ حضرت علی علیه السلام فرمود: «**بِسْمِ اللَّهِ**»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است.

همچنین آن حضرت به شخصی که جمله‌ی «**بِسْمِ اللَّهِ**» را می‌نوشت، فرمود: «جودها» آن را نیکو بنویس.^۳

♦ بر زبان آوردن «**بِسْمِ اللَّهِ**» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوارشدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدف‌دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

♦ در حدیث می‌خوانیم: «**بِسْمِ اللَّهِ**» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. و روایاتی در پاداش کسی که اولین بار «**بِسْمِ اللَّهِ**» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.^۴

• سؤال: چرا در شروع هر کاری «**بِسْمِ اللَّهِ**» سفارش شده است؟

پاسخ: «**بِسْمِ اللَّهِ**» آرم و نشانه‌ی مسلمانی است و باید همه کارهای او رنگ الهی داشته باشد.

۱. هود، ۴۱.

۲. نمل، ۳۰.

۳. کنز العمال، ح ۲۹۵۵۸.

۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

همان گونه که محصولات و کالاهای ساخت یک کارخانه، آرم و علامت آن کارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزئی باشد یا کلی. مثلاً یک کارخانه چینی سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می‌زند، خواه ظرف‌های بزرگ باشد یا ظرف‌های کوچک. یا اینکه پرچم هر کشوری هم بر فراز ادارات و مدارس و پادگان‌های آن کشور است و هم بر فراز کشتی‌های آن کشور در دریاها، و هم بر روی میز اداری کارمندان.

• سؤال: آیا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای مستقل است؟

پاسخ: به اعتقاد اهل بیت رسول الله ﷺ که صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهی مذاهب دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز عصمت و پاکی آنها به صراحت بیان شده است، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای مستقل و جزء قرآن است. فخر رازی در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده که «بِسْمِ اللَّهِ» جزء سوره است. آلوسی نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بِسْمِ اللَّهِ» جزء سوره شمرده شده است.^۱ برخی از افراد که بسم الله را جزء سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترک کرده‌اند، مورد اعتراض واقع شده‌اند. در مستدرک حاکم آمده است: روزی معاویه در نماز «بِسْمِ اللَّهِ» نگفت، مردم به او اعتراض کردند که «أَسْرَقْتَ أُمَّ نَسِيتَ»، آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟!^۲

امامان معصوم ﷺ اصرار داشتند که در نماز، «بِسْمِ اللَّهِ» را بلند بگویند. امام باقر عجلیه در مورد کسانی که «بِسْمِ اللَّهِ» را در نماز نمی‌خواندند و یا

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳.

جزء سوره نمی‌شمردند، می‌فرمود: «**سرقوا اکرم آیه**»^۱ بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقی در ضمن حدیثی آمده است: چرا بعضی «**بِسْمِ اللَّهِ**» را جزء سوره قرار نداده‌اند!^۲

شهید مطهری رحمته الله در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسایی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، ابن طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می‌کند که «**بِسْمِ اللَّهِ**» را جزء سوره می‌دانستند. در تفسیر قرطبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «**بِسْمِ اللَّهِ**» تاج سوره‌هاست. تنها در آغاز سوره براءت (سوره توبه) «**بِسْمِ اللَّهِ**» نیامده و این به فرموده حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که «**بِسْمِ اللَّهِ**» کلمه امان و رحمت است، و اعلام براءت از کفار و مشرکان، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست.^۳

سیمای «بِسْمِ اللَّهِ»

۱. «**بِسْمِ اللَّهِ**» نشانگر رنگ و صبغه‌ی الهی و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست. (امام رضا علیه السلام می‌فرماید: بسم‌الله یعنی نشان بندگی خدا را بر خود می‌نهم.)^۴

۲. «**بِسْمِ اللَّهِ**» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا با نام دیگران، نشانه‌ی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او. (نه فقط ذات او، بلکه نام او نیز از هر

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۰.

۲. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۰.

۳. تفسیر مجمع البیان و فخر رازی.

۴. تفسیر نور الثقلین.

- شریکی منزّه است؛ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» حتّی شروع کردن کار به نام خدا و پیامبر اکرم ﷺ نیز ممنوع است.^۱
۳. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز بقا و دوام است. زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است. «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»^۲
۴. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می‌ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می‌کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.
۵. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.
۶. «بِسْمِ اللَّهِ» گام اوّل در مسیر بندگی و عبودیت است.
۷. «بِسْمِ اللَّهِ» مایه فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.
۸. «بِسْمِ اللَّهِ» عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.
۹. «بِسْمِ اللَّهِ» ذکر خداست، یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده‌ام.
۱۰. «بِسْمِ اللَّهِ» بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها.
۱۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است.^۳

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۸۲.

۲. قصص، ۸۸.

۳. تفسیر راهنما.

پیام‌ها:

۱- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز سوره، رمز آن است که مطالب سوره، از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.

۲- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز کتاب آسمانی، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می‌شود. (شاید معنای اینکه می‌گویند: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم الله، و تمام بسم الله در حرف (باء) خلاصه می‌شود، این باشد که آفرینش هستی و هدایت آن، همه با استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با نام او آغاز گردید. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»)

۳- «بِسْمِ اللَّهِ» کلامی که سخن خداوند با مردم و سخن مردم با خدا، با آن شروع می‌شود.

۴- رحمت الهی همچون ذات اوابدی و همیشگی است. «اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

۵- بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است. (هم قالب «رحمن»، هم قالب «رحیم») «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

۶- شاید آوردن کلمه رحمان و رحیم در آغاز کتاب، نشانه این باشد که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است، همان گونه که اصل آفرینش و بعثت جلوه لطف و رحمت اوست. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.



نکته‌ها:

♦ «رب» به کسی گفته می‌شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد.

♦ خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبّر و پروردگار آن. پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده، هدایت می‌شود.

♦ علاوه بر سوره حمد، چهار سوره انعام، کهف، سبأ و فاطر نیز با جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آغاز گردیده، ولی فقط در سوره حمد بعد از آن «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده است.

♦ مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. انسان در برابر جمال و کمال و زیبایی، زبان به ستایش و در برابر نعمت و خدمت و احسان دیگران، زبان به تشکر می‌گشاید.

خداوند متعال به خاطر کمال و جمالش، شایسته‌ی ستایش و به خاطر احسان‌ها و نعمت‌هایش، لایق شکرگزاری است.

«الحمد لله»، بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند. البته حمد خداوند منافاتی با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خداوند و در خط و مسیر او باشد.

♦ خداوند، پروردگار همه‌ی آفریده‌هاست. «وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»^۱ آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست، پروردگارشان اوست. «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»^۲ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من الجمادات والحيوانات»؛

۱. انعام، ۱۶۴.

۲. شعراء، ۲۴.

او پروردگار جاندار و بی جان است. «لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» هم آفرینش از اوست و هم اداره‌ی آن، و او مربی و پرورش دهنده‌ی همه است.^۱

♦ مراد از «عالمین» یا فقط انسان‌ها هستند، مانند آیه ۷۰ سوره حجر که قوم لوط به حضرت لوط گفتند: «أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ» آیا ما تو را از ملاقات با مردم نهی نکردیم؟ و یا مراد همه‌ی عوالم هستی است. «عالم» به معنای مخلوقات و «عالمین» به معنای تمام مخلوقات نیز استعمال شده است. از این آیه فهمیده می‌شود که تمام هستی یک پروردگار دارد و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی از ملّت‌ها اعتقاد داشتند که برای هر نوع از پدیده‌ها خدایی است و آن را مدبّر و ربّ النوع آن می‌پنداشتند، باطل است.

۰: پیام‌ها:

- ۱- همه ستایش‌ها برای اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»^۲
- ۲- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- ۳- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- ۴- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
- ۵- رابطه‌ی خداوند با مخلوقات، رابطه‌ی دائمی و تنگاتنگ است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نقاش و بّنا هنر خود را عرضه می‌کند و می‌رود، ولی مرئی باید هر لحظه نظارت داشته باشد.)
- ۶- همه‌ی هستی، تحت تربیت خداوند یکتاست. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۲. تفسیر نورالثقلین.

۲. الف و لام در «الْحَمْدُ» به معنای تمام حمد و جنس ستایش است.

- ۷- امکان رشد و تربیت، در همه‌ی موجودات وجود دارد. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۸- خداوند هم انسان‌ها را با راهنمایی انبیا تربیت می‌کند، (تربیت تشریعی) و هم جمادات و نباتات و حیوانات را رشد و پرورش می‌دهد. (تربیت تکوینی) «رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۹- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می‌دهند که «آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱



الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

(خدایی که) بخشنده و مهربان است.



نکته‌ها:

- ✦ خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است، «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»^۲
و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است. «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۳
✦ همچنین پیامبر و کتاب او مایه رحمتند، «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۴ آفرینش و پرورش او براساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است.
✦ بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و دادن

۱. یونس، ۱۰.

۲. انعام، ۵۴.

۳. اعراف، ۱۵۶.

۴. انبیاء، ۱۰۷.

فرصت برای جبران اشتباهات، همه مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

• پیام‌ها:

- ۱- تدبیر و تربیت الهی، همراه محبت و رحمت است. (در کنار کلمه «رب»، کلمه «رحمن» آمده است.) «رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- ۲- همچنان که تعلیم نیازمند رحم و مهربانی است، «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» تربیت و تزکیه نیز باید بر اساس رحم و مهربانی باشد. «رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- ۳- رحمانیت خداوند، دلیل بر ستایش اوست. «الحمد لله... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»



مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
(خدایی که) مالک روز جزاست.



• نکته‌ها:

- ✦ مالکیت خداوند، حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت است، ولی مالکیت‌های اعتباری، از سلطه‌ی مالک خارج می‌شود و تحت سلطه‌ی واقعی او نیست. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
- ✦ با آنکه خداوند مالک حقیقی همه چیز در همه وقت است، ولی مالکیت او در روز قیامت و معاد جلوه‌ی دیگری دارد.
- ✦ در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب نسبت به کفار قطع می‌شوند.

«تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ»^۱

♦ نسبت ها و خویشاوندی ها نسبت به کفار از بین می رود. «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ»^۲
♦ برای کفار مال و ثروت و فرزندان، سودی ندارند. «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۳
♦ بستگان و نزدیکان نیز فایده ای نمی رسانند. «لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ»^۴
♦ نه زبان کفار، اجازه عذر تراشی دارد و نه فکر آنها، فرصت تدبیر. تنها راه چاره لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.

لفظ «دین» در معانی گوناگون به کار رفته است:

الف: مجموعه ی قوانین آسمانی. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۵

ب: عمل و اطاعت. «لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۶

ج: حساب و جزا. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

♦ «يَوْمِ الدِّينِ» در قرآن به معنای روز قیامت است که روز کیفر و پاداش می باشد. «يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ»^۷ می پرسند روز قیامت چه وقت است؟
قرآن در مقام معرفی این روز، می فرماید: «ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ. يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ سَبِيًّا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»^۸ (ای پیامبر!) نمی دانی روز دین چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای کسی کارآیی ندارد و آن روز تنها حکم و فرمان با خداست.

۱. بقره، ۱۶۶.

۲. مؤمنون، ۱۰۱.

۳. شعراء، ۸۸.

۴. ممتحنه، ۳.

۵. آل عمران، ۱۹.

۶. زمر، ۳.

۷. ذاریات، ۱۲.

۸. انفطار، ۱۸-۱۹.

♦ «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» نوعی انذار و هشدار است، ولی با قرار گرفتن در کنار آیه‌ی «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشند. نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ»^۱ به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام، ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است.

همچنین در آیه دیگر خود را چنین معرفی می‌کند: «قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ»^۲ خداوند پذیرنده‌ی توبه مردمان و عقوبت کننده‌ی شدید گناهکاران است.

♦ در اولین سوره‌ی قرآن، مالکیت خداوند عنوان شده است، «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» و در آخرین سوره، ملکیت او. «مَلِكِ النَّاسِ»

۰: پیام‌ها:

۱- خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که «الله» است، به خاطر احسان و تربیت او که «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است و به خاطر قدرت و هیبت او که «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» است.

۲- قیامت، پرتوی از ربوبیت اوست. «رَبِّ الْعَالَمِينَ ... مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ»

۳- قیامت، جلوه‌ای از رحمت خداوند است. «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ»

۱. حجر، ۴۹-۵۰.

۲. غافر، ۳.



إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾

(خدایا) تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم.



:: نکته ها:

✦ انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زور و زور دیگران. در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می گوید: خدایا! نه فقط من که همه ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم.

✦ خدایا! من کسی جز تو را ندارم «إِيَّاكَ» ولی تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی عبد و بنده ی تو هستند. «إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا»^۱ در آسمان ها و زمین هیچ چیزی نیست مگر این که بنده و فرمان بردار خداوند رحمان هستند.

✦ جمله «نَعْبُدُ» هم اشاره به این دارد که نماز به جماعت خوانده شود

و هم بیانگر این است که مسلمانان همگی برادر و در یک خط هستند.

✦ مراحل پرواز معنوی، عبارت است از: ثنا، ارتباط و سپس دعا. بنابراین اول سوره‌ی حمد ثناست، آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ارتباط و آیات بعد، دعا می‌باشد.

✦ گفتگو با محبوب واقعی شیرین است، شاید به خاطر همین کلمه «إِيَّاكَ» تکرار شد.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. «نَعْبُدُ، نَسْتَعِينُ»
- ۲- بندگی، تنها در برابر خداوند رواست نه دیگران. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۳- گر چه عبادت از ماست، ولی در عبادت کردن نیز نیازمند کمک او هستیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در جای دیگر می‌خوانیم: «وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۱ اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی‌یافتیم.
- ۴- «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی نه جبر است و نه تفویض. چون می‌گوییم: «نَعْبُدُ» پس دارای اختیار هستیم و نه مجبور. و چون می‌گوییم: «نَسْتَعِينُ» پس نیاز به او داریم و امور به ما تفویض نشده است.
- ۵- شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دست‌یابی به توحید و یکتاپرستی است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۶- از آداب دعا و پرستش این است که انسان خود را مطرح نکند و خود را در حضور خداوند احساس کند. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...»
- ۷- توجّه به معاد، یکی از انگیزه‌های عبادت است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ»



اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خدوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما.



نکته‌ها:

♦ در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلَقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۱ بیانگر این نوع از هدایت است.

ب: هدایت تشریعی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

♦ کلمه «صراط» که بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده نام پلی بر روی دوزخ است که در روز قیامت همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه‌ی شخصیت انسان است.

♦ راههای غیر الهی متعددی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

♦ راه خواسته‌ها و توقعات‌های خود.

♦ راه انتظارات و هوس‌های مردم.

♦ راه وسوسه‌های شیطان.

♦ راه طاغوت‌ها.

♦ راه نیاکان و پیشینیان.

♦ راه خدا و اولیای خدا.

♦ انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راهها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده‌اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

♦ راه مستقیم، راه خداست. «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱

♦ راه مستقیم، راه انبیاست. «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲

♦ راه مستقیم، راه بندگی خداست. «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳

♦ راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. «مَنْ يَعْصِرْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۴

♦ راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.^۵

♦ راه مستقیم، کتاب خداوند است.^۶

۱. هود، ۵۶.

۲. یس، ۳ - ۴.

۳. یس، ۶۱.

۴. آل عمران، ۱۰۱.

۵. بنا بر اینکه الف و لام در «الصِّرَاط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.

۶. روایتی در تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۵۸.

♦ راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^۱

♦ انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد. در راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، در هر نماز از خداوند طلب می‌کند، حتی رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

♦ انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

♦ راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»^۲ کسی که می‌گوید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ...»^۳ مراحل از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.

♦ راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیهم‌السلام می‌فرماید: «اليمين والشمال مضلة والطريق الوسطى هي الجادة»^۳ انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط،

۱. روایتی در تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

۱. محمد، ۱۷.

۳. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳.

چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می‌داند و دیگری حتّی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می‌بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می‌داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می‌انگارد.

♦ در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد. یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حقّ را فدای خلق می‌کند. اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفی می‌کند. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱ در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^۲ یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال

۱. انعام، ۱۶۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۲۰.

و میانه روی سفارش کرده‌اند.^۱ جالب آنکه ابلیس گفته در همین صراطِ مستقیم به کمین می‌نشیند. «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^۲

♦ در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

♦ «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»^۳ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

♦ «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ»^۴ در انفاق، نه

دست بر گردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.

♦ «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۵ مومنان، به

هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو هستند.

♦ «لَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»^۶ نماز را نه بلند

بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.

♦ نسبت به والدین احسان کن؛ «وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۷ اما اگر تو را از راه خدا

بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. «إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي... فَلَا تُطِعْهُمَا»^۸

♦ پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»^۹ و هم خانواده خویش

۱. در این باره می‌توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.

۲. اعراف، ۱۶.

۳. اعراف، ۳۱.

۴. اسراء، ۲۹.

۵. فرقان، ۶۷.

۶. اسراء، ۱۱۰.

۷. بقره، ۸۳.

۸. لقمان، ۱۵.

۹. مریم، ۵۱.

را دعوت می‌کند. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»^۱

♦ اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» *

و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. «آتُوا الزَّكَاةَ»^۲

♦ نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ «شُهِدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى

أَنفُسِكُمْ»^۳ و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ»^۴

♦ مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و هم جاذبه دارند. «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۵

♦ هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «آمَنُوا» و هم عمل صالح. «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۶

♦ هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا

صَبْرًا»^۷ و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. «عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ»^۸

شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

♦ روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید در

قربانگاه با خون آشنا شود.

♦ اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «النَّاسُ مَسْلُوقُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ»^۹ ولی اجازه ضرر

زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ»^{۱۰}

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجّه کند و جوانب دیگر را

۱. مریم، ۱۵.

۲. بقره، ۴۳.

۳. نساء، ۱۳۵.

۴. مائده، ۸.

۵. فتح، ۹.

۶. بقره، ۲۵.

۷. بقره، ۲۵۰.

۸. انفال، ۶۵.

۹. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.

۱۰. کافی، ج ۵، ص ۲۸.

—: ♦ آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید — ۳۳ ♦ —

فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه روی و راه مستقیم را سفارش می کند.

♦♦ پیام ها:

۱- همه ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا!

ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته ی یکتاپرستان است.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ... اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۳- برای دستیابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ»

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الْحَمْدُ لِلَّهِ... اهْدِنَا»

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «إِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»



صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

(خدایا! ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی،

(هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان!



♦♦ نکته ها:

✦ این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می کند که مورد نعمت الهی

واقع شده اند که در آیه ای دیگران آنان عبارتند از: انبیا، صدیقین، شهدا

وصالحین. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»^۱ توجّه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد.

♦ بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا دارد که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد. زیرا بنی‌اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجابت گرفتار غضب شدند. قرآن، مردم را به سه دسته تقسیم می‌نماید: کسانی که مورد نعمت هدایت قرار گرفته و ثابت قدم ماندند، غضب‌شدگان و گمراهان.

♦ مراد از نعمت در «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، نعمت هدایت است. زیرا در آیه‌ی قبل سخن از هدایت بود. علاوه بر آنکه نعمت‌های مادی را کفار و منحرفین و دیگران نیز دارند.

♦ هدایت‌شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

مغضوبین در قرآن

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی‌اسرائیل، به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند. در آیات متعدّدی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب‌شدگان و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- ♦ منافقان و مشرکان و بدگمانان به خداوند.^۱
 - ♦ کافران به آیات الهی و قاتلان انبیاء الهی.^۲
 - ♦ اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند.^۳
 - ♦ فراریان از جهاد.^۴
 - ♦ پذیرندگان و جایگزین کنندگان کفر با ایمان.^۵
 - ♦ پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه‌ی با دشمنان خدا.^۶
- بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند؛ «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۷ لکن بعد از این فضیلت و برتری، به خاطر رفتار خودشان، دچار قهر و غضب خداوند شدند. «وَبَاؤُاْ بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ»^۸ این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بوده است؛ دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ»^۹ و تجار و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام خواری و رفاه طلبی روی آوردند، «أَخَذَهُمُ الرِّبَا»^{۱۰} و عامه مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و ورود به سرزمین مقدس، سر باز زدند. «فَادْهَبَ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا

۱. نساء، ۱۱۶ و فتح، ۶.

۲. بقره، ۶۱.

۳. آل عمران، ۱۱۰-۱۱۲.

۴. انفال، ۱۶.

۵. بقره، ۱۰۸ و نحل، ۱۰۶.

۶. ممتحنه، ۱.

۱. بقره، ۴۷.

۸. بقره، ۶۱.

۹. نساء، ۴۶.

۱۰. نساء، ۱۶۱.

هَاهُنَا قَاعِدُونَ^۱» به خاطر این انحرافات، خدا آنان را از اوج عزّت و فضیلت، به نهایت ذلّت و سرافکنندگی مبتلا ساخت.

ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حقّ، و همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حقّ را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلوّ و افراط کرده و یا از هوی و هوس خود و یا دیگران پیروی می‌کنند. **«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ^۲»** انسان در این سوره، عشق و علاقه و توّلای خود را به انبیا و شهدا و صالحان و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ نیز برائت و دوری می‌جوید و این مصداق توّلای و تبزّی است.

ضالّین در قرآن

«ضالّت» که حدود دویست مرتبه این واژه با مشتقاتش در قرآن آمده است. گاهی در مورد تحیّر، **«وَوَجَدَكَ ضَالًّا^۳»** و گاهی به معنای ضایع شدن است، **«أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ^۴»** ولی اکثراً به معنای گمراهی و همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: **«ضَلَالٍ مُبِينٍ»**، **«ضَلَالٍ بَعِيدٍ»**، **«ضَلَالٍ كَبِيرٍ»** به چشم می‌خورد. در قرآن افرادی به عنوان گمراه معرّفی شده‌اند، از جمله: کسانی که ایمان

۱. مائده، ۲۴.

۲. مائده، ۷۷.

۳. ضحی، ۷.

۴. محمّد، ۱.

خود را به کفر تبدیل کردند،^۱ مشرکان،^۲ کفار،^۳ عصیان‌گران،^۴ مسلمانانی که کفار را سرپرست و دوست خود گرفتند،^۵ کسانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می‌کنند، آنان که حق را کتمان می‌کنند و کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.

در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف.

گمراهان خود بستر وزمینه‌ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند.

بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: ۱. هوسها، ۲. بت‌ها، ۳. گناهان،^۶ ۴. پذیرش ولایت باطل،^۷ ۵. جهل و نادانی.^۸

پیام‌ها:

- ۱- انسان در تربیت، نیازمند الگو می‌باشد. انبیا، شهدا، صدّیقین و صالحان، نمونه‌های زیبای انسانیت‌اند. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»
- ۲- آنچه از خداوند به انسان می‌رسد، نعمت است. قهر و غضب را خود به وجود می‌آوریم. «أَنْعَمْتَ، الْمَعْصُوبِ عَلَيْهِمْ» درباره نعمت «أَنْعَمْتَ» بکار

۱. «مَنْ يَتَّبِدِلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» بقره، ۱۰۸.

۲. «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ» نساء، ۱۱۶.

۳. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ» نساء، ۱۳۶.

۴. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» احزاب، ۳۶.

۵. «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» ممتحنه، ۱.

۶. «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» جائیه، ۲۳.

۷. «جَعَلُوا اللَّهَ أَنْدَاداً» ابراهیم، ۳۰.

۸. «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» بقره، ۲۶.

۹. «أَنَّهُ مِنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ» حج، ۴.

۱۰. «وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ» بقره، ۱۹۸.

رفته، ولی در مورد عذاب، نفرمود: «غضبت» تو غضب کردی.
 ۳- ابراز تنفر از مغضوبان و گمراهان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می‌کند. «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» قرآن سفارش کرده است: «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^۱ هرگز سرپرستی گروه غضب شدگان الهی را نپذیرید.

اولین وظیفه متقین

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۲﴾
 (متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (بقره، ۲)

نکته‌ها:

❖ قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می‌کند: عالم غیب^۲ و عالم شهود. متقین به کل هستی ایمان دارند، ولی دیگران تنها آنچه را قبول می‌کنند که برایشان محسوس باشد.
 ❖ آنها حتی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی‌بینند، به او ایمان نمی‌آورند. چنانکه برخی به حضرت موسی گفتند: (لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ

۱. ممتحنه، ۱۳.

۲. غیب به خدا، فرشتگان، معاد و حضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است.

حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً^۱ ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر آنکه خداوند را آشکارا مشاهده کنیم.

✦ چنین افرادی راه شناخت را منحصر به محسوسات می‌دانند و می‌خواهند همه چیز را از طریق حواس درک کنند.

✦ متّین نسبت به جهان غیب ایمان دارند، که برتر از علم و فراتر از آن است. در درون ایمان، عشق، علاقه، تعظیم، تقدیس و ارتباط نهفته است، ولی در علم، این مسائل نیست.

• پیام‌ها:

۱- ایمان، از عمل جدا نیست. در کنار ایمان به غیب، وظایف و تکالیف عملی مؤمن به خصوص نماز بازگوشده است. «يُؤْمِنُونَ... يَقِيمُونَ... يَنْفِقُونَ»
۲- پس از اصل ایمان، اقامه‌ی نماز و انفاق از مهم‌ترین اعمال است. «يُؤْمِنُونَ... يَقِيمُونَ... يَنْفِقُونَ» (در جامعه‌ی الهی که حرکت و سیر الی الله دارد، اضطراب‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی و کمبودهای معنوی، با نماز تقویت و درمان می‌یابد و خلأهای اقتصادی و نابسامانی‌های ناشی از آن، با انفاق مرتفع می‌گردد.)

۳- برگزاری نماز، باید مستمر باشد نه موسمی و مقطعی. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (فعل مضارع بر استمرار و دوام دلالت دارد.)

نماز جماعت



وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ

و نماز را بپادارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع

نمایید. (بقره، ۴۳)



پیام‌ها:

۱- بعد از دعوت به ایمان، دعوت به عمل صالح به خصوص نماز است.

«آمَنُوا... أَقِيمُوا»

۲- نماز و زکات، در آئین یهود نیز بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۳- رابطه با خدا، از طریق نماز و کمک به خلق خدا، از طریق زکات و

همراهی با دیگران، یک مثلث مقدس است. «أَقِيمُوا، آتُوا، ارْكَعُوا»

۴- شاید بتوان گفت اصل فرمان نماز، با جماعت است. اساس دین بر

حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه نشینی است. «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»

استمداد از نماز



وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾

واز صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (بقره، ۴۵)

نکته‌ها:

✦ مخاطب آیه همه‌ی مردم هستند. در روایات می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام هرگاه مسئله‌ی مهمی برایشان رخ می‌داد به نماز می‌ایستادند و این آیه را تلاوت می‌کردند.

✦ در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، که صبر بر سه نوع است: ۱. صبر در برابر مصیبت. ۲. صبر در برابر معصیت. ۳. صبر در برابر عبادت.^۱ بنابراین آنچه در روایات آمده که مراد از صبر در این آیه روزه است، اشاره به یکی از مصادیق صبر دارد.

✦ نماز برای رسول الله صلی الله علیه و آله و امثال او نور چشم است^۲ و لکن برای بعضی‌ها که خشوع ندارند، همچون باری سنگین است.

✦ خشوع، مربوط به قلب و روح و خضوع، مربوط به اعضای بدن است. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی‌نهایت خدا می‌اندازد و غیر او را

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

هر چه باشد کوچک جلوه می‌دهد. مهر او را در دل زیاد می‌کند، روحیه‌ی توکل را تقویت می‌کند و انسان را از وابستگی‌های مادی می‌رهاند. همه‌ی این آثار، انسان را در برابر مشکلات مقاوم می‌سازد.

✿ صبر و مقاومت، کلید تمام عبادات است. فرشتگان به اهل بهشت سلام می‌کنند، اما نه به خاطر عبادت و نماز و حج و زکات آنان، بلکه به خاطر مقاومت و پایداری آنها؛ «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»^۱ چون اگر مقاومت نباشد، نماز و جهاد و حج و زکات نیز وجود نخواهد داشت. حتی شرط رسیدن به مقام هدایت و رهبری الهی، صبر است؛ «جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا»^۲

✿ گرچه آیه درباره نماز است، ولی در موارد مشابه می‌توان از آیات قرآن استمداد کرد.

• پیام‌ها:

۱- صبر و نماز، دو اهرم نیرومند در برابر مشکلات است. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

۲- هر چه در آستان خدا اظهار عجز و بندگی بیشتر کنیم، امدادهای او را بیشتر دریافت کرده و بر مشکلات پیروز خواهیم شد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

۳- استعانت از خداوند در آیه‌ی «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» منافاتی با استعانت از آنچه به دستور اوست، ندارد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»

۴- سنگین بودن نماز، گاهی نشانه‌ی تکبر در برابر خداست. «لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

۱. رعد، ۲۴.

۲. سجده، ۲۴.

پیمان الهی

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

و (بیاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خدای یگانه
را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان
کنید و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را بر پای دارید
و زکات بدهید. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی،
سر پیچی کردید و روی گردان شدید. (بقره، ۸۳)

:: نکته‌ها:

اصول همه ادیان یکی است. چون همه‌ی این میثاق‌ها، در اسلام نیز هست.
ادای حقوق، دارای مراتب و مراحل است. اول حق خداوند، سپس والدین،
سپس خویشاوندان، سپس یتیمان که کمبود محبت دارند و آنگاه مساکین
که کمبود مادیات دارند.

:: پیام‌ها:

۱- خداوند از طریق عقل، فطرت و وحی، از مردم پیمان می‌گیرد. «أَخَذْنَا مِيثَاقَ»

۲- توحید، سرلوحه‌ی مکتب انبیاست. و بعد از آن کارهای نیک قرار گرفته است. «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

۳- نماز و رابطه با خداوند، از زکات و رابطه با فقرا جدا نیست. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۴- نماز و زکات در ادیان دیگر نیز بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۵- اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتام و مساکین، همراه با دستور پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم، و پیاداشتن نماز، نشانه‌ی جامعیت اسلام است.

۶- تمام احکام اعتقادی، اخلاقی و فقهی، میثاق و عهد خدا با انسان است. بعد از «میثاق» سخن از عقیده توحیدی، احسان به والدین، نماز و زکات آمده است.

توشه آخرت

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَحْدُثْهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

و نماز را بر پا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر چیزی که برای خود از پیش می‌فرستید، آنرا نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست. (بقره، ۱۱۰)

• نکته‌ها:

♦ به دنبال آیات قبل (آیه ۱۰۴) خطاب به مؤمنان، این آیه حامل

دستور به اقامه نماز و پرداخت زکات است. در زمانی که مسلمانان در تیررس انواع کینه و حسادت‌ها بودند و مأمور به عفو و اغماض شده‌اند، لازم است رابطه‌ی خودشان را با خداوند از طریق اقامه نماز، و پیوند با محرومان جامعه را از طریق زکات، تقویت کنند.

پیام‌ها:

- ۱- یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد. معمولاً دستور به نماز همراه با زکات در قرآن آمده است. «أَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»
- ۲- ایمان به نظارت الهی و پاداش در قیامت، قوی‌ترین انگیزه عمل صالح (نماز و انفاق) می‌باشد. «مَا تَقْدِمُوا... حَاجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

مسجد و نمازگزاران



وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ
عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ. (۱۲۵)

و (به یادآور) هنگامی که خانه (کعبه) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (و گفتیم): از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه را برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید. (بقره، ۱۲۵)



• نکته‌ها:

♦ کلمه «مَثَابَة» از ریشه «ثَوْب» به معنای بازگشت به حالت اول است. کعبه محلّ بازگشت و میعادگاه همه مردم است، میعادگاهی امن و مقدّس. مقام ابراهیم جایگاهی است با فاصله تقریبی ۱۳ متر از کعبه، که بر حاجیان لازم است بعد از طواف خانه خدا، پشت آن دو رکعت نماز بگزارند و در آنجا سنگی قرار دارد که حضرت ابراهیم برای بالا بردن دیوارهای کعبه، بر روی آن ایستاده است و آن سنگ فعلاً در محفظه‌ای نگهداری می‌شود.

♦ مراد از «عهد» در این آیه دستور الهی است. «عهدنا» یعنی دستور دادیم. ♦ خداوند جسم نیست تا نیازمند خانه باشد. کلمه‌ی «بَيْتِي» در این آیه همانند «شهر الله» درباره ماه رمضان است که به منظور کرامت بخشیدن به مکان یا زمانی خاصّ، خداوند آنرا به خود منسوب می‌کند. و در عظمت کعبه همین بس که گاهی می‌فرماید: «بَيْتِي» خانه من. گاهی می‌فرماید: «رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ» خدای این خانه.

• پیام‌ها:

۱- کعبه قبله گاه مسلمانان، میعادگاه همه مردم است. «جَعَلْنَا

الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ»

۳- کسی که در راه خداوند حاضر شود خود و همسر و فرزندش را تسلیم نماید، باید تمام سرها در جای پای او برای خداوند به خاک برسد. «مُصَلِّي»

۴- چون خانه از خداست؛ «بَيْتِي» خادم آن نیز باید از اولیای او باشد. «طَهَّرَ بَيْتِي»

۵- زائران بیت الله را همین کرامت بس که ابراهیم و اسماعیل، مسئول

طهارت و پاکی آن بیت برای آنها بوده‌اند. «طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ ...»

- ۶- عبادت با طهارت، پیوند دارد. «طَهِّرَا... وَالرُّكْعَ السُّجُودَ»
 ۷- عبادت و نماز به قدری مهم است که حتی ابراهیم و اسماعیل برای
 انجام مراسم آن مأمور پاکسازی می شوند. «طَهِّرَا بَيْتِي... الرُّكْعَ السُّجُودَ»
 ۸- مسجد مسلمانان باید پاکیزه و رغبت انگیز باشد. «طَهِّرَا... الرُّكْعَ السُّجُودَ»

سابقه کعبه

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾

و (بیاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا
 می برد (و می گفتند): پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانای. (بقره، ۱۲۷)

:: نکته ها:

♦ از آیات و روایات متعدد استفاده می شود که خانه کعبه، از زمان حضرت
 آدم بوده و حضرت ابراهیم علیه السلام آن را تجدید بنا نموده است. چنان که آن
 حضرت در موقع اسکان همسر و فرزندش در سرزمین مکه می گوید: «رَبَّنَا إِنِّي
 أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»^۱ خداوندا بعضی از خاندانم
 را در این سرزمین خشک و بدون زراعت، در کنار خانه تو سکونت دادم.
 بنابراین در زمان شیر خوارگی حضرت اسماعیل علیه السلام نیز اثری از کعبه

وجود داشته است. و در جای دیگر^۱ نیز از کعبه به عنوان اولین خانه مردم یاد شده است. در آیه مورد بحث نیز سخن از بالا بردن پایه‌های خانه به دست ابراهیم علیه السلام است و این تعبیر می‌رساند که اساس کعبه، قبلاً وجود داشته و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام آن را بالا برده‌اند. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «خداوند تمام مردم را از زمان حضرت آدم تا ابد، با همین کعبه و سنگ‌های آن آزمایش می‌نماید».^۲

در حدیث می‌خوانیم: ابراهیم بتّایی می‌کرد و اسماعیل سنگ به دست پدر می‌داد. و شاید به سبب همین تفاوت، میان نام آن دو بزرگوار فاصله گذاشته است. «يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»

۰: پیام‌ها:

۱- بانیان کارهای نیک را فراموش نکنیم. «إِذْ يَرْفَعُ» «إِذْ» یعنی گذشته را یاد کن.

۲- در مسیر اهداف الهی، کار بتّایی و کارگری نیز عبادت است. لذا از خداوند قبولی آن را می‌خواهند. «يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ» («رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»)

۳- کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیّت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. «رَبَّنَا تَقَبَّلْ»

۱. آل عمران، ۹۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه (قاصه) ۱۹۲.

پناهگاه در مشکلات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی) از صبر و
نماز کمک بگیرید، همانا خدا با صابران است. (بقره، ۱۵۳)

نکته‌ها:

✦ مشابه این کلام الهی را در همین سوره^۱ خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می‌فرمود: در برابر ناملایمات و سختی‌ها، از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

✦ اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می‌شود. و انسان مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجّه می‌خواند، به معراج می‌رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتّی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

♦ انسان، یا در نعمت بسر می‌برد که باید به آیه قبل عمل کند؛
«فَاذْكُرُونِي، اَشْكُرْوا لِي» و یا در سختی که باید به این آیه عمل کند؛
«اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»

♦ خداوند می‌فرماید: خدا با صابران است و نمی‌فرماید: با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد.^۱
در روایات می‌خوانیم: هرگاه کار سختی برای حضرت علی (ع) پیش می‌آمد حضرت دو رکعت نماز می‌خواند.^۲ این سیره را نیز بسیاری از بزرگان و دانشمندان و شهدا و صالحان مانند بوعلی سینا و طهرانی مقدم نیز عمل می‌کردند.

صبر و پایداری، مادر همه‌ی کمالات است؛^۳

♦ صبر در جنگ، مایه شجاعت است.

♦ صبر در برابر گناه، وسیله تقواست.

♦ صبر از دنیا، نشانه زهد است.

♦ صبر در شهوت، سبب عفت است.

♦ صبر در عبادت و نماز، موجب طاعت و بندگی، و صبر و خودداری از ورود به کارهای شبه‌دار، مایه‌ی ورع است.

♦ پیام‌ها:

۱- ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد، کاربرد بیشتری خواهد داشت.^۴ «الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ...»

۱. تفسیر روح المعانی.

۲. تفسیر صافی.

۳. تفسیر اطیب البیان.

۴. تفسیر راهنما.

- ۲- نماز اهرم است، بار نیست. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»
۳- با صبر و اقامه نماز به هنگام گرفتاری و مشکلات، حمایت های الهی را جلب کنیم. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
۴- اگرچه خداوند با هرکس و در هر جایی حضور دارد؛ «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۱ و لكن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری رسانی خداوند به صابران اهل نماز است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

نمونه نیکی

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را بر پای دارد و زکات را بپردازد، و آنان که

چون پیمان بندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی‌ها، محرومیت‌ها، بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکارانند. (بقره، ۱۷۷)



• نکته‌ها:

- ♦ کلمه «بِرّ» به معنای نیکی است، ولی به هرکس که خیلی نیکوکار باشد، می‌گویند او «بِرّ» است، یعنی وجودش یکپارچه نیکی است.
- ♦ «بأساء» از «بؤس» به معنای فقر و سختی است که از بیرون به انسان تحمیل می‌شود. «ضرّاء»، درد و بیماری است که از درون به انسان فشار می‌آورد. و «حِینَ الْبَاسِ» زمان جنگ و جهاد است.
- ♦ این آیه جامع‌ترین آیه قرآن است. زیرا اصول مهم اعتقادی، عملی و اخلاقی (پانزده صفت) در آن مطرح گردیده است.
- ♦ در تفسیر المیزان از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: هر کس به این آیه عمل کند، ایمانش کامل است.
- ♦ بعد از ماجرای تغییر قبله (آیه ۱۴۴ سوره بقره)، سخن روز، پیرامون قبله و تغییر آن بود که این آیه می‌فرماید: چرا به جای محتوای دین که ایمان به خدا و قیامت و انجام کارهای نیک مانند انفاق و نماز است، به سراغ بحث‌های جدلی رفته‌اید.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از وظایف انبیا و کتب آسمانی، تغییر فرهنگ و باورهای غلط مردم است. «لَيْسَ الْبِرَّ... وَلَكِنَّ الْبِرَّ» (یکی از راهکارهای عملی فرهنگ سازی جامعه، توجه به نماز و انفاق است)
- ۲- ارتباط با خدا در کنار ارتباط با مردم و تعاون اجتماعی در حوادث و گرفتاری‌ها مطرح است. «أَمِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَأَقَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»
- ۳- نشانه‌ی صداقت و تقوای الهی، عمل به وظایف دینی و عبادی و تعهدات اجتماعی است. «وَجِئْنَا بِالنَّاسِ ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» ایمان و نماز و زکات، بدون شرکت در جهاد کامل نمی‌شود. آری مدعیان ایمان بسیاریند، ولی مؤمنان واقعی صادق که به تمام محتوای دین عمل کنند، گروهی بیش نیستند.

مسئولیت ویژه

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾

برانجام همه‌ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و

برای خدا خاضعانه بپاییزید. (بقره، ۲۳۸)

نکته‌ها:

♦ درباره مراد از نماز وسطی، چند نظریه است، ولی با توجه به شأن

نزول آیه که گروهی بخاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی‌کردند و با توجه به روایات و تفاسیر، مراد همان نماز ظهر است.

♦ حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد؛ حفظ مال از دست برد دزد است، حفظ بدن از میکرب است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص، حسد و تکبر است، و حفظ فرزند از دوست بد می‌باشد. اما حفظ نماز به چیست؟ حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح بجا آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.

♦ در حدیثی می‌خوانیم: نماز به گروهی می‌گوید: مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند و به گروهی می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند.^۱

۰: پیام‌ها:

- ۱- اقامه نماز باید مداوم باشد. «حَافِظُوا»
- ۲- همه‌ی مردم مسئول حفظ نمازند. «حَافِظُوا»
- ۳- توجه به برگزاری نماز به جماعت و حضور در نماز جماعت. ممکن است آیه دلالت کند بر اینکه نماز را به جماعت برپا کنید. «حَافِظُوا، قُومُوا»
- ۴- هرکجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت بخصوص درباره نماز احساس می‌شود، هشدار بیشتری لازم است. «وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى»
- ۵- اقامه‌ی نماز، به توجه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»
- ۶- انسان نباید وصله‌ی ناهم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره هستی می‌فرماید: «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ»^۲ پس اگر ما با نماز در برابر خداوند خضوع نکنیم، وصله ناهم‌رنگ هستی خواهیم بود. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. روم، ۲۶.

۷- ارزش نماز به خضوع آن است. « قَوْمُوا لِلَّهِ قَانَتِينَ »

راه سعادت و آرامش

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز بر پا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (بقره، ۲۷۷)

نکته‌ها:

این آیه، در برابر رباخواران که «کفارِ اثمی» هستند، سیمای مؤمنان را ترسیم می‌کند که عمل صالح انجام داده و نماز را بر پای می‌دارند و زکات پرداخت می‌کنند. تا اشاره به این باشد که زمینه‌ی برچیده شدن ربا در جامعه، توجّه به ایمان و عمل صالح و احیای نماز و زکات است.

پیام‌ها:

- ۱- اسلام در کنار مسائل عبادی و فردی، به مسائل اقتصادی و مردمی نیز توجّه دارد. نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»
- ۲- در میان کارهای شایسته، نماز و زکات حساب ویژه‌ای دارند. «عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح)
۳- تشویق نیکوکاران اهل نماز، یک اصل تربیتی است. «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»

۴- پروردگار، به مؤمنانی که اهل عمل صالح که از طریق نماز، با خداوند مرتبط می‌باشند و با پرداخت زکات با مردم پیوند دارند، نظرویره‌ای دارد. کلمه «رَبِّهِمْ» اشاره به لطف خاص اوست.

۵- توجه به وعده‌های الهی، انگیزه بخش عمل صالح و توجه به نماز است. «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (هوشمند کسی است که در محاسبات، تنها به موجودی که در دست دارد ننگرد، بلکه به ذخیره‌هایی که نزد خداوند دارد توجه داشته باشد.)

۶- امنیّت و آرامش واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح بخصوص اقامه نماز و پرداخت زکات است. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (عوامل آرامش)

— ♦ — محراب عبادت — ♦ —

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا
بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿۳۹﴾

پس درحالی که زکریّا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق

کننده (حقانیت) کلمه الله (حضرت مسیح) است و سید و سرور و
خویشتر دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است. (آل عمران، ۳۹)



نکته‌ها:

✦ حضرت یحیی، شش ماه از حضرت عیسی بزرگ‌تر بود و چون در میان مردم به زهد و پارسایی معروف بود، ایمان او به پسرخاله‌اش حضرت عیسی، اثر عمیقی در توجّه مردم به مسیح گذاشت. جالب آنکه عیسی و «یحیی» هر دو به معنای «زنده ماندن» است.

✦ بعضی «حُصُور» را به معنای ترک ازدواج حضرت یحیی به خاطر مسافرت‌های زیاد دانسته‌اند، ولی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «عَفَّتْ یحیی باعث شد تا ازدواج نکند و از زنان کنار بگیرد»^۱.

✦ در تاریخ و تفاسیر آمده است که «حَنّه» و «أُشیاع» دو خواهر بودند که اولی همسر «عمران»^۳ از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل بود و دومی همسر حضرت «زکریا» بود و هر دوی آنان عقیم و نازا بودند.

«حنه» که سالهای سال فرزنددار نشده بود، روزی پرنده‌ای را دید که به جوجه‌های خود غذا می‌دهد، آتش عشق فرزند را در دل او شعله‌ور ساخت و از صمیم دل از خدا تقاضای فرزندى کرد. چیزی نگذشت که دعایش مستجاب شد و باردار شد. خداوند به عمران وحی کرده بود که پسری

۱. تفسیر مجمع البیان.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۳. براساس روایات «عمران» نیز پیامبر بوده و ایشان غیر از عمران پدر حضرت موسی بوده و میان آنها ۱۸۰۰ سال فاصله است.

پر برکت که می‌تواند بیماران غیر قابل علاج را درمان کند و مردگان را به فرمان خدا حیات بخشد به او خواهد داد که به عنوان پیامبر به سوی بنی اسرائیل فرستاده می‌شود.

او این جریان را با همسرش ”حنه“ در میان گذاشت و او تصور کرد فرزندی که در شکم دارد، همان پسر است، و به همین دلیل نذر کرد که پسرش را خدمتگزار خانه خدا ”بیت المقدس“ نماید، بی خبر از این که فرزند در رحم او، ”مریم“ است که در آینده مادر آن فرزند می‌باشد.

به هنگام تولد وقتی مشاهده کرد که فرزندش دختر است، نگران شد که نذرش را چگونه ادا کند! زیرا خدمتکاران بیت المقدس از میان پسران انتخاب می‌شدند و سابقه نداشت دختری به این عنوان انتخاب گردد.

سالیان درازی گذشت و مریم بزرگ و بزرگتر شد و جزو خادمان بیت المقدس به سرپرستی حضرت زکریا انتخاب شد. در عبادت و نیایش به حدی رسید که هنگام مناجات با خدا، مانده و غذاهای بهشتی برایش حاضر می‌شد.

هنگامی که حضرت زکریا کمالات مریم را دید، از خدا خواست که او هم صاحب فرزندی پاک و با تقوا شود، با اینکه سالیان درازی از عمر او و همسرش گذشته بود. خداوند دعایش را به اجابت رساند و فرشتگان پسری به نام یحیی را به او مژده دادند.

حضرت یحیی به دنیا آمد و پس از شش ماه حضرت عیسی متولد شد. وقتی حضرت عیسی به پیامبری رسید، حضرت یحیی نخستین کسی بود که نبوت او را تصدیق کرد و به سوی او دعوت نمود.

♦♦ پیام‌ها:

- ۱- نماز، در ادیان پیشین نیز بوده است. «يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»
- ۲- محراب و جایگاه عبادت، از قداست خاصی برخوردار است. محل نزول مائده آسمانی؛ «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» استجابت دعا. «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ... فِي الْمِحْرَابِ»
- ۳- نماز، زمینه‌ی نزول و عنایت فرشتگان است. «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»

♦♦ وظیفه توانا و ناتوان ♦♦

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند (و از عمق جان می‌گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی‌هدف نیافریده‌ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار. (آل عمران، ۱۹۱)



♦♦ نکته‌ها:

♦ از این آیه دستور چگونگی اقامه نماز در حال بیماری و ناتوانی استفاده شده است. به فرموده امام باقر (علیه السلام)، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد

مريض، نشسته و افراد عاجز و ناتوان، به پهلوی خوابیده، به جا آورند.^۱

پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»
- ۲- اهل ایمان و ذکر و نماز باید اهل تعقل و تفکر باشند. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ... وَيَتَفَكَّرُونَ» ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند.
- ۳- آنچه سبب رشد و قرب الهی است، ذکر و فکر مستمر است نه مقطعی و موسمی. «يَذْكُرُونَ» و «يَتَفَكَّرُونَ» فعل مضارع‌اند که نشان استمرار است.
- ۴- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان و آنگاه دعا و مناجات. «يَتَفَكَّرُونَ... رَبَّنَا... فَقِنَا»

توجه و طهارت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید،

۱. تفسیر برهان، ذیل آیه.

تا آنکه بدانید چه می‌گویید. و نیز در حال جنابت نزدیک (مکان) نماز (مسجد) نشوید، مگر به طور عبوری (و بی توقّف) تا اینکه غسل کنید. و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از جای گودی (کنایه از قضای حاجت) آمد، یا (پس از ازدواج) تماسی (و آمیزش جنسی) با زنان داشتید و (در این موارد) آب نیافتید، پس بر زمین (و خاک) پاک و دلپسندی تیمّم کنید، (دو کف دست بر خاک زنید) آنگاه صورت و دست‌هایتان را مسح کنید، همانا خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (نساء، ۴۳)



♦ نکته‌ها:

♦ ممکن است «صلاة» در اینجا به دو معنی آمده باشد؛ یکی به معنی خود “نماز” و دیگر به معنی “محل نماز”. زیرا دو حکم مختلف در آیه فوق بیان شده، یکی خودداری از نماز در حال مستی و دیگری خودداری از ورود به مساجد در حال جنابت.^۱

♦ «غائط» یعنی مکان گود. چون در قدیم گودال‌هایی برای دستشویی فراهم می‌کردند، غائط کنایه از دستشویی رفتن است.

♦ امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «لَا مَسْمُومٌ» آمیزش جنسی است، و خداوند این گونه آن را پوشانده است.^۲

♦ این آیه در مسیر تحریم تدریجی شراب، از نماز در حال مستی نهی کرده است. براساس آیه نماز خواندن در هر حالی که انسان از هوشیاری کامل

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۳.

برخوردار نباشد، ممنوع است، خواه حالت مستی باشد یا خواب‌آلودگی. در روایات نیز از نماز خواندن در حالت خواب‌آلودگی و کسالت و سنگینی نهی شده است.^۱ چنانکه آیات دیگر نماز خواندن از روی کسالت را نشانه منافق دانسته است.^۲

♦ همچنین در آیه برای کسانی که بیمارند یا آب برای آنان ضرر دارد یا آبی در دسترس ندارند، حکم تیمم بیان شده است. سپس چگونگی تیمم کردن را بیان فرموده است: ابتدا دستان خود را بر خاکی تمیز بزنید، آنگاه صورت و دستهای خود را مسح کنید.

♦: پیام‌ها:

۱- مقام نماز به حدّی رفیع است که مست و شرابخوار حتی نباید به آن نزدیک شود. «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»

۲- در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجّه و شعور لازم است. «حَتَّى تَعْلَمُوا»

۳- عبادات ناآگاهانه، از ارزش بالایی برخوردار نیست، گرچه تکلیف را ساقط می‌کند. «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»

۴- در مسجد، نباید با حالت جنابت وارد شد. «وَلَا جُنْبًا...»

۵- احکام الهی ترخیص دارد، ولی تعطیل ندارد. اگر برای طهارت و وضوی نماز آب نبود، باید تیمم کرد. «فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»

۶- شرط ارتباط با خدا از طریق نماز، طهارت و پاکی است، وضو یا تیمم. «فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۷۱.

۲. نساء، ۱۴۲ و توبه، ۵۴.

۷- تخفیف احکام (تیمم در نبود آب)، نمودی از رحمت و مغفرت الهی است. «فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا... عَفْوَ غُفُورًا»

اولویت نماز



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾

ایا نمی‌نگری کسانی را که (پیش از هجرت) به آنان گفته شد (اکنون) دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید. لیکن چون جهاد (در مدینه) بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان از مردم (مشرک مکه) چنان می‌ترسیدند که گویا از خدای ترسند، بلکه بیش از خدا (می‌ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا سرآمدی نزدیک (مرگ طبیعی) مهلت ندادی؟ بگو: برخورداری دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است، و به اندازِ رشته میان هسته خرما، به شما ستم نخواهد شد. (نساء ۷۷)



:: نکته ها:

♦ در صدر اسلام و دوران سخت مکه، برخی مسلمانان شعار می‌دادند و از

پیامبر اسلام اجازه‌ی جنگ و جهاد با مشرکان را می‌خواستند. پیامبر ﷺ که آن هنگام مأمور به جنگ نبود، اجازه نمی‌داد و آنان را به صبر و راز و نیاز با خدا بخصوص نماز توصیه می‌کرد. ولی پس از هجرت که فرمان جهاد صادر شد، جمعی از همان شعاردهندگان جهاد طلب، با اعتراض و بهانه جویی و قدرتمند دانستن کفار، به شدت ترسیده و نافرمانی کردند. ♦ «خَشِيَّة» به ترسی گفته می‌شود که برخاسته از عظمت و بزرگی دانستن طرف مقابل باشد.

♦ امام صادق (ع) فرمود: مراد از «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ»، «كَفُّوا السِّنْتَكَم» است، گویا شعارهای تو خالی می‌دادند که آیه نازل شد، دست بردارید.^۱

۰: پیام‌ها:

۱- از رسول خدا و فرمان خدا جلو نیفتید و در امور دینی و عبادی، اظهار سلیقه‌ی شخصی نکنید. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ»

۲- با نماز که یاد خداست، آرامش درونی کسب کنید و با زکات، خلاهای اقتصادی را پر کنید. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۳- مسائل عبادی اسلام با مسائل اقتصادی آن بهم پیوسته است. «الصَّلَاةَ، الزَّكَاةَ»

۴- در میان عبادات، نماز و زکات جایگاه ویژه دارد. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۵- نماز بر زکات مقدم است. (هر کجا نامی از این دو است، اول نام نماز است)

۶- فرمان نماز و زکات قبل از جهاد صادر و تشریع شده است. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...»

۱. تفسیر نور الثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۱۱۴.

۷- خودسازی، مقدّم بر جامعه‌سازی است، آنکه اهل نماز و زکات نباشد، اهل اخلاص و ایثار نخواهد بود. «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

نماز شکسته

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿١٠١﴾
وهرگاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند. (نساء، ۱۰۱)

نکته‌ها:

♦ این آیه حکم نماز مسافر را بیان می‌کند. «ضرب فی الارض» کنایه از سفر است، چون مسافر هنگام سفر، زمین را زیر پای خود می‌کوبد.^۱
♦ در قرآن، گاهی به جای «وجوب» تعبیر «مانعی ندارد» به کار رفته، که این آیه یکی از آن موارد است. گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقمند بودند که قصر و کوتاه کردن آن را گناه می‌پنداشتند.
♦ نماز قصر، مخصوص موارد ترس از دشمن نیست. ولی چون معمولاً در سفرها، بیم و نگرانی هست، یا اینکه چون قانون نماز قصر، ابتدا در موارد ترس

۱. مفردات راغب، ماده «ضرب».

بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته، قید «إِنْ خِفْتُمْ» آمده است.
♦ تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است. و مراد از کوتاه کردن نماز، دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.^۱

♦ پیام‌ها:

- ۱- واقع بینی و انعطاف پذیری حتی در چگونگی نماز، یک اصل در قوانین الهی است. «تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ...»
- ۲- در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید. سیاست و دیانت، عبادت و فطانت از هم جدا نیست. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ»
- ۳- در مواردی یقین لازم نیست. احتمال توطئه و خطر برای تصمیم و تغییر برنامه های دینی و عبادی کافی است. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ»
- ۴- حتی به هنگام احتمال خطر، اقامه نماز واجب است و نباید ترک شود. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ...»

♦ اهمیت نماز جماعت ♦

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا
أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا
فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ
عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

۱. به رساله مرجع تقلید خود مراجعه فرمایید.

إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا
حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٧﴾

(ای پیامبر!) هرگاه (در سفرهای جهادی) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز بر پا داشتی، پس گروهی از آنان با تو (به نماز) بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند، پس چون سجده کردند (قیام نمایند و رکعت دوم را فردای انجام داده پس بروند و) پشت سر شما (نگهبان) باشند، و گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند (از رکعت دوم) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند، کافران دوست دارند که شما از سلاح و تجهیزات خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید، گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و (فقط) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خلدوند برای کافران عذابی خوارکننده فراهم کرده است. (نساء، ۱۰۲)



:: نکته ها:

🌸 در سال ششم هجری، پیامبر با گروهی از مسلمانان به سوی مکه عزیمت کردند. در منطقه‌ی حدیبیه، با خالد بن ولید و دویست نفر همراهان او مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت، سنگر گرفته بودند. پس از اذانِ بلال و برپایی نماز جماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یکباره حمله کند. آیه نازل شد و از توطئه خبر داد.

خالد پس از دیدن این معجزه، مسلمان شد.^۱

۱. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه.

✽ در این نمازجماعت (نماز خوف)، گروه اول پس از پایان رکعت اول، برخاسته بقیه نماز را خود تمام می‌کنند و امام جماعت صبر می‌کند تا گروه دیگر به رکعت دوم برسند و با سلاح، به نماز جماعت بپیوندند.

۰: پیام‌ها:

۱- نماز، حتی در صحنه‌ی جنگ و جهاد تعطیل نمی‌شود و رزمنده، بی‌نماز نداریم. «فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»

۲- در اهمیت نماز جماعت همین بس که در جبهه‌ی جنگ با دشمن، حتی با یک رکعت هم برپا می‌شود. «وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا»
۳- در هنگام پیش آمدن دو وظیفه (جهاد و نماز)، نباید یکی فدای دیگری شود. «فَلْتَقُمْ ... وَلِيَأْخُذُوا»

۴- در همه حال، هوشیاری لازم است، حتی نماز نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند. «وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»

۵- رهبر و امام جماعت، محور وحدت و عبادت است. «كُنْتَ فِيهِمْ ...
فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ»

۶- تقسیم کار، تعاون و شریک کردن دیگران در کارهای خیر، حتی در حساس‌ترین موارد، از عوامل الفت جامعه است. در این آیه، دو رکعت نمازجماعت میان دو گروه تقسیم شده، تا تبعیضی پیش نیاید و همه در خیر شریک باشند. «وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى ...»

۷- فرمان‌های الهی به تناسب شرایط، متغیر و متفاوت است. (این آیه مربوط به نماز خوف و نمازجماعت در برابر دشمن است). «فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ»

۸- نماز جماعت در جبهه، نشان عشق به هدف و خدا و رهبر و پایبندی

به ارزشهاست. «إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ»

۹- در جبهه باید جابه جایی نیروها در فاصله‌ی یک رکعت نماز، امکان پذیر بوده باشد. «وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا»

۱۰- هر چه مدت نماز در جبهه بیشتر شود، فرصت دشمن برای حمله افزایش می‌یابد. پس باید حفاظت بیشتری داشت. در رکعت اول، داشتن اسلحه کافی است ولی در رکعت دوم، هم اسلحه و هم ابزار دفاع. «وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ... وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ»

۱۱- از آرزوها و ترفندهای دشمن، آگاه باشید. «وَدَّ الَّذِينَ» حتی نماز و عبادت شما، مانع هوشیاری و وسیله‌ی غفلت از دشمن نشود. «تَعْمَلُونَ»

تکلیف فرازمانی

فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿۱۰۳﴾

پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در (همه) حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید (و حالت خوف تمام شد) نماز را (بصورت کامل) برپا دارید. همانا، نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است. (نساء، ۱۰۳)

• نکته‌ها:

♦ کلمه «قیاماً» جمع «قائم» یعنی ایستاده و «قُعوداً» جمع «قاعد» یعنی نشسته و «جُنُوب» جمع «جَنِب» به معنای پهلوی و کنایه از خوابیده و دراز کش است.

♦ همچنین کلمه‌ی «کِتَاباً» به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه‌ی «مَوْقُوت» به معنای کاری با وقت معین است. البته امام باقر علیه السلام «مَوْقُوتاً» را به معنی مفروض و واجب دانسته‌اند.^۱

♦ حضرت علی علیه السلام درباره‌ی آیه «فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» فرمودند: یعنی شخص سالم ایستاده، مریض نشسته و کسی که نشسته نمی‌تواند، خوابیده نماز بخواند.^۲

• پیام‌ها:

- ۱- کمبودهای نماز خوف، با یاد خدا و تعقیبات نماز جبران می‌شود. «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ»
- ۲- نماز و یاد خدا در هر حال لازم است، در جبهه‌ی جنگ یا بستر بیماری، سلامتی و بیماری، ایستاده نشسته یا خوابیده. «قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ»
- ۳- نماز خوف، یک استثناست. پس از برطرف شدن حالت اضطرار و شرایط ویژه، نماز باید به صورت عادی خوانده شود. «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۴- نماز، از واجبات قطعی الهی در همه‌ی عصرها و برای همه‌ی نسل‌ها است. «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً»
- ۵- هر نماز، در وقت مخصوص خودش واجب است. «مَوْقُوتاً»، پس به اوقات نماز و نماز اول وقت اهمیت بدهیم.

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۸۸.

نماز منافقانه

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند. و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

(نساء، ۱۴۲)

:: نکته ها:

♦ منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد، در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد.

♦ امام رضا علیه السلام می فرماید: چون خداوند، جزای خدعه آنان را می دهد، به این کیفر الهی، خدعه گفته می شود.^۱

♦ نماز مطلوب، عاشقانه، خالصانه و دائمی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه.

آنان که نماز را به آخر وقت می اندازند و فشرده می خوانند، نماز منافقان را انجام می دهند.^۱

♦ قرآن نسبت به مؤمنان جمله‌ی «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» را به کار می برد، ولی درباره‌ی منافقان جمله‌ی «قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ» و تفاوت میان «أَقَامُوا» و «قَامُوا» تفاوت میان برپاداشتن و به پا خاستن است.

• پیام‌ها:

- ۱- فریبکاری، بی نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه‌های نفاق است. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ، يُرَاؤُنَ، لَا يَذْكُرُونَ»
- ۲- نفاق و فریبکاری در نماز، بی پاسخ و بدون کیفر نمی ماند. «وَهُوَ خَادِعُهُمْ»
- ۳- نماز منافقان، ریاکاری است که نه روحیه و نشاط دارد، نه انگیزه و نه مقدار، نه کیفیت و نه کمیت. «كَسَالَى، يُرَاؤُنَ، قَلِيلًا»

—: ♦ اندیشمندان و نماز ♦ —:



لَكِنَّ الرَّاكِبِينَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

ولی راسخان در علم از یهود و مؤمنان، به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان دارند. و به ویژه بر پا دارندگان نماز، و اداکنندگان زکات، و ایمان

۱. تفسیر دز المنثور، ذیل آیه.

آوردگان به خدا و قیامتند. بزودی آنان را پاداش بزرگی خواهیم داد. (نساء، ۱۶۲)



:: نکته ها:

♦ در قرآن مجید در دو مورد، تعبیر «**الراسخون فی العلم**» بکار رفته و از آنان تجلیل شده است یکی در اینجا و دیگری در سوره آل عمران آیه ۷.

♦ حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه^۱ از راسخان در علم ستایش می کند. آنان که به عجز علمی خود نسبت به علومی که مخصوص خداست اعتراف دارند و از تعمق در چیزی که ضرورتی ندارد دست باز می دارند.

♦ در حدیث آمده است: آنکه زکات نمی پردازد، نمازش قبول نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله نمازگزارانی را که زکات نپرداخته بودند، از مسجد بیرون می کرد. به فرموده ی قرآن، نمازگزار واقعی بخیل نیست. «**إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصْلِيْنَ**»^۲

:: پیام ها:

- ۱- دانشی ارزشمند است که ریشه در جان داشته باشد و انسان را به کمالات و نماز و زکات سوق دهد. «**الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ... الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ...**»
- ۲- با آنکه نماز و زکات در همه ادیان بوده، ولی به خاطر اهمیت آن دو جداگانه ذکر شده است. «**بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ...**»
- ۳- نماز از زکات جدا نیست و اهل نماز باید اهل انفاق های مالی هم باشند. «**الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ**»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۲. معارج، ۲۱ - ۲۲.

۴- نماز جایگاه مخصوص دارد. (همه‌ی جملات آیه با واو و نون آمده «الرَّاسِخُونَ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْتُونَ»، ولی درباره نماز به جای «مَقِيمُونَ» کلمه‌ی «الْمُقِيمِينَ» بکار رفته که در زبان عربی، نشانه‌ی برجستگی آن است.)

طهارت شرط لازم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید و اگر جُنُب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محلّ گودی (محل قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و آمیزش جنسی کردید) و آب (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بردستانتان مانده) مسح کنید، خلوند نمی‌خواهد که شما را در تنگی قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما

کامل سازد، شاید شما شکرگزار باشید. (مأئده، ۶)



نکته‌ها:

✦ در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء، به موضوع غسل و تیمم اشاره شد، در اینجا علاوه بر آن دو، به مسأله‌ی وضو هم اشاره شده است.

✦ واژه‌ی «قیام»، هرگاه با حرف «الی» همراه شود، به معنای اراده کردن است. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی هرگاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید.

✦ کلمه‌ی «جنب»، به زن و مرد، مفرد و جمع، بطور یکسان اطلاق می‌شود.

✦ مراد از فرمان «فَاطْهَرُوا» انجام غسل است. به قرینه این‌که در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء به جای «فَاطْهَرُوا»، «تَغْتَسِلُوا» فرموده است.

✦ قید «إِلَى الْمَرَاغِبِ»، برای بیان محدوده‌ی شستن است، نه جهت شستن. از آنجا که کلمه‌ی «یَد» در زبان عربی، هم به دست، از انگشتان تا مچ و هم به دست، از انگشتان تا آرنج و هم به دست، از انگشتان تا کتف، اطلاق می‌شود این آیه می‌فرماید: در وضو، دست تا آرنج را بشویید، نه کمتر و نه بیشتر.

✦ در تیمم، روح بندگی نهفته است؛ چون دست به خاک پاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.

✦ «صَعِيد» از «صَعُود» به معنای زمین بلند است. امام صادق (ع) در تفسیر «صَعِيداً طَيِّباً» فرمودند: زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود.^۱

آری، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می‌شود، برای تیمم مناسب نیست، زیرا شرط تیمم، خاک پاک است.

♦ در حدیث می‌خوانیم: «**لَا صَلَاةَ إِلَّا بَطْهَرٍ**»^۱، نماز جز با طهارت (وضو یا غسل یا تیمم) صحیح نیست.

♦ در حدیث می‌خوانیم: «**أَبْدَأْ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ**»^۲ از همانجا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز کرده است. همان گونه که در قرآن ابتدا شستن صورت، بعد دست‌ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است، ترتیب وضو نیز همین گونه است.

♦ از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می‌شود؟ فرمودند: «**لِمَكَانِ الْبَاءِ**» به خاطر حرف «باء» در کلمه‌ی «**بِرُّؤُسِكُمْ**» زیرا معنای آن قسمتی از سر است و اگر آیه «**وَامْسَحُوا رُؤُسَكُمْ**» بود در آن صورت باید همه‌ی سر را مسح می‌کردیم.^۳

♦ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «**مَرَادُكَ مِنَ الْإِسْتِغْسَاءِ**»، آمیزش جنسی است؛ ولی خدا آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد؛ لذا آن گونه که شما نام می‌برید، نام نبرده است».^۴

♦ امام رضا (علیه السلام) درباره‌ی فلسفه‌ی وضو می‌فرماید:

♦ «**يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ**»، زمینه پاکی هنگام ایستادن در برابر خداست.

♦ «**مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ**»، نشانه‌ی بندگی و اطاعت است.

♦ «**نَقِيًّا مِنَ الْإِنْسَانِ وَالنَّجَاسَةِ**»، عامل دوری از آلودگی‌ها و نجاست است.

۱. تهذیب، ج ۱، ص ۴۹.

۲. تفسیر نور الثقلین.

۳. کافی، ج ۳، ص ۳۰.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۵۵.

- ♦ «ذهب الكسل و طرد النعاس»، مایه دوری از کسالت و خواب‌آلودگی است.
- ♦ «وتزكية الفؤاد للقيام»، آماده سازی و رشد روحی برای نماز است.^۱

:: پیام‌ها:

۱- نظافت و طهارت بخصوص برای نماز، لازمه‌ی ایمان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... فَأَغْسِلُوا ... فَأَطْهَرُوا»

۲- طهارت، شرط نماز است. همچنان که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۲ ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. «فَأَغْسِلُوا»

۳- آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا»

۴- شرایط و مقدمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»

۵- باید برای پیدا کردن آب وضو و غسل تلاش کرد، اگر پیدا نشد، آنگاه

نوبت به تیمم می‌رسد. («فَلَمْ تَجِدُوا» در جایی است که انسان تلاش کند ولی

نیابد.) البته در احکام دین، حرج و دشواری نیست. «مَا يُرِيدُ اللَّهُ ... مِنْ حَرْجٍ»

۶- با آب یا خاک آلوده، نمی‌توان با خدای پاک، ارتباط برقرار کرد.

«صَعِيداً طَيِّباً»

۷- هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با

خداوند است. «لِيُطَهِّرَكُمْ»

۸- برپایی نماز و انجام تکلیف، نعمتی برای انسان «لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ»

و یکی از مصادیق شکر خداوند است. «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

۱. وسائل، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲. واقعه، ۷۹.

شرط همراهی خدا

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾

به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، واز میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به پیامبران ایمان آورده و یاری شان کنید و به خدا و منی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می پوشانم و شما را به باغ های وارد می کنم که نهراها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است. (مائده، ۱۲)

نکته ها:

♦ «عَزَّرْتُمُوهُمْ» از «عَزَّرَ»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است. «سَوَاءَ السَّبِيلِ»، به وسط راه می گویند که انحراف از آن، سقوط را به همراه دارد.

♦ نقبای بنی اسرائیل، وزرای حضرت موسی علیه السلام و سرپرستان دوازده طایفه از آنان بودند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: خلفای پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.^۱ مخالفان راه اهل بیت،

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۸.

بسیار کوشیدند که این عدد را بر خلفای راشدین، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند، با اینکه با هیچ کدام جور نمی آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که دهها حدیث از زبان پیامبر خدا ﷺ که نام این دوازده تن را در بردارد، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می خورد که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است.

♦ پیامها:

۱- نماز، زکات، یاری انبیا و انفاق، پیمان الهی و در برنامه های ادیان الهی قبل نیز بوده است. «مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَئِيلَ...»

۲- همراهی خداوند با ما چند شرط دارد: نماز، زکات، ایمان، نصرت انبیا، انفاق. «إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ...»

۳- انجام همه ی واجبات کارساز است، گرچه انجام هریک دارای فایده است و البته نماز در رأس آنان است. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ... وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ»

۴- کمک به خلق خدا که کمک به خداوند است، در کنار نماز آمده است. «أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ» به جای «أَقْرَضْتُمُ النَّاسَ»

۵- نماز و زکات و انفاق، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. «أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ»

۶- بهشت را به «بها» دهند، نه به بهانه. اگر نماز، زکات، ایمان، امداد و انفاق بود، بهشت هم هست. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ... لَأَدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ»

۷- بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آنگاه به بهشت رفت و نماز و زکات و قرض الحسنه، از پاک کننده های می باشد. «لَا كُفْرَانَ... لَأَدْخِلَنَّكُمْ»

۸- راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و نماز و عمل صالح است. «آمَنْتُمْ... وَ»

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ... وَأَقْرَضْتُمْ... لَا كُفْرَانَ

۹- هرکس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است. «فَمَنْ كَفَرَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (اقامه نماز، کمک به نیازمندان، ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان‌ها، راه میانه‌ای است که نافرمانان آن را گم کرده‌اند).

نشانه ولایت

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾

ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند. (مائده، ۵۵)

نکته‌ها:

♦ در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.

♦ ماجرای فوق را ده نفر از بزرگان اصحاب پیامبر نقل کرده‌اند و شیعه و

سنّی در این شأن نزول، توافق دارند.^۱

♦ عمار یاسر می‌گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ».^۲

♦ پیامبر اکرم ﷺ در غدیرخم، برای بیان مقام حضرت علی ﷺ این آیه

را تلاوت فرمود.^۳

♦ امام علی ﷺ نیز برای حَقّانیت خویش، بارها این آیه را می‌خواند.^۴

ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان

فوق را نقل می‌کرد.^۵

♦ کلمه‌ی «ولی» در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و

یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می‌کنند.

در فرهنگ قرآن، به صدقه مستحبّی هم «زکات» گفته می‌شود.

♦ امام صادق ﷺ فرمودند: منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا...»، علی ﷺ و اولاد او: تا

روز قیامت هستند. پس هرکس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی

مثل اوست، آنان در حال رکوع صدقه می‌دهند.^۶

♦ مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می‌کند که بر

اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه

داده‌اند که این عمل با جمع بودن کلمات «يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، رَاكِعُونَ»

سازگارتر است.

۱. الغدير، ج ۲، ص ۵۲، احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۰۰ و كنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱.

۲. تفسير الميزان.

۳. تفسير صافي.

۴. تفسير الميزان.

۵. تفسير مجمع البيان.

۶. کافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

♦ امام باقر علیه السلام فرمود: «خلوند پیامبرش را دستور داد که ولایت علی علیه السلام را مطرح کند و این آیه را نازل کرد».^۱

♦ بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام، اوصاف و افعال آن حضرت را برشمرده است)

♦ ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است. در حدیث صحیحی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر کند و احکام ما را بشناسد، بنگرید. پس به حکومت او راضی باشید که من او را بر شما حاکم قرار دادم.» (فاتی قد جعلته علیکم حاکماً)^۲

۰: پیام‌ها:

۱- اسلام، هم دین ولایت است و هم دین برائت. هم جاذبه دارد و هم دافعه. آیات قبل، از پذیرش ولایت یهود و نصارا نهی کرد، این آیه می‌فرماید: خدا و رسول و کسی را که در رکوع انگشتش داد، ولی خود قرار دهید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...»

۲- از این که به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده، ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، شعاع ولایت الهی است. «وَلِيُّكُمُ»

۳- در قرآن معمولاً نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است؛ ولی در این آیه، هر دو به هم آمیخته‌اند. (دادن زکات در حال نماز) «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

۴- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. «إِنَّمَا

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۶۷.

- وَلْيُكْمِرَ اللَّهُ...» («إِنَّمَا»، نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است)
- ۵- برای توجّه به محرومان، نماز هم مانع نیست. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آری، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد).
- ۶- هرگونه ولایت، حکومت و سرپرستی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد، باطل است. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» (کلمه «إِنَّمَا» علامت حصر است)
- ۷- توجّه به خلق برای خدا در حال نماز، با اقامه نماز منافات ندارد. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
- ۸- کسی که نسبت به فقرا حتی در حال نماز بی تفاوت باشد، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»
- ۹- کارهای جزئی (مثل انفاق انگشتر) نماز را باطل نمی‌کند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

— ♦ تمسخر دشمنان ♦ —

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾

و هرگاه که شما (به وسیله‌ی اذان، مردم را) به نماز فرا می‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی‌اندیشند. (مأثده، ۵۸)

• نکته‌ها:

♦ در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از یهود و بعضی از مسیحیان، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، آنان را مسخره و استهزا می‌کردند.^۱

• پیام‌ها:

- ۱- از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (وشعائر دینی) را مسخره می‌کنند، بپرهیزید. «لَا تَتَّخِذُوا... وَإِذَا نَادَيْتُمْ...»
- ۲- نماز، چهره و مظهر دین است. (در آیه‌ی قبل، استهزای دین مطرح شد و در این آیه استهزای نماز، یعنی نماز سیمای دین است) «اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا... وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا»
- ۳- برای نماز، باید ندا سر داد تا همه جمع شوند. «نَادَيْتُمْ» (نماز باید علنی باشد)
- ۴- در جامعه‌ی اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ کس نباید مانع آن گردد. «نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»
- ۵- تمسخر و بی‌تفاوتی به منادیان نماز در جامعه، نشانه بی‌عقلی و بی‌خردی است. «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»

شیطان مانع نماز



إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾

همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه
ببفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا
دست برمی‌دارید؟ (مائده، ۹۱)



نکته‌ها:

✦ با آن که طبق آماری که ارائه می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم،
تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و ... ناشی از شراب است، اما
قرآن در این آیه در بیان فلسفه‌ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی
ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از
نماز و یاد خدا.

✦ این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قماربازی را بازداشتن از یاد خدا و
نماز دانسته است، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی
مثل: تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده
و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هرچه ما را

از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار، ناپسند است، گرچه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.

۰: پیام‌ها:

- ۱- هر کس و هر چیز که عامل کینه و عداوت و بازدارندگی از یاد خدا و نماز در میان مردم شود، شیطانی و مطرود است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ...»
- ۲- قمار و شراب و ترک نماز، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ... فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»
- ۳- نماز برترین سببل یاد خداست. (با این که نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»
- ۴- با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی و بی توجهی به یاد خدا و نماز می شود، باید مبارزه کرد. «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

مأموریت الهی

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُواهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾

و (به ما امر شده که) نماز بر پا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید. (انعام، ۷۲)

نکته‌ها:

✿ پس از آنکه با سؤال وجدان‌ها را تحریک کرد و شرک را غیر منطقی و نوعی عقب‌گرد و ارتجاع اعتقادی و مایه‌ی سرگردانی و تحیر دانست، در این آیه، از میان همه‌ی وظایف به «نماز»، و از میان همه‌ی عقائد به «معاد» اشاره کرد تا بیانگر اهمیت آنها باشد.

پیام‌ها:

- ۱- برپایی نماز، همراه با پرهیزکاری هم تکلیف الهی و هم کارساز است.
«أَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ»
- ۲- ایمان به معاد و رستاخیز، عامل توجه به نماز و پیدایش تقوا در انسان است. «وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»

محافظت از نماز

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹۲﴾
و (البته) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد و همانها بر نمازهای خود محافظت دارند. (انعام، ۹۲)

پیام‌ها:

- ۱- روشن‌ترین مظهر ایمان به قیامت و قرآن باوری، نماز و توجه ویژه به

آن است. «يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ... عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»
۲- ایمان به آخرت، از عوامل مراقبت بر نماز است. «يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»

نماز خالصانه

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾
بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خدایم، پروردگار
جهانیان است. (انعام، ۱۶۲)

نکته‌ها:

- ✦ روایت شده که رسول اکرم ﷺ در آستانه‌ی هر نماز این آیات را می‌خواند.^۱
- ✦ نماز، هسته‌ی مرکزی در درون عبادات است. (مرگ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک، و نُسُک بر نماز).

پیام‌ها:

- ۱- در برابر راههای انحرافی و منحرفان، راه و روش و هدف خود بخصوص اهتمام به نماز را با صراحت و افتخار اعلام کنیم. «قُلْ»

۱. تفسیر قرطبی، ذیل آیه.

۲- با آنکه نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. «صَلَاتِي وَنُسْكِ»

۳- انسان‌های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریعی خود (نماز و نُسک) را فقط برای خداوند عالَمیان می‌دانند. «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسْكِ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»

۴- آنگونه که در نماز قصد قربت می‌کنیم، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می‌توان قصد قربت کرد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ ...»

نشانه اصلاح

وَالَّذِينَ يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾
و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می‌جویند و نماز را به پا داشته‌اند،
(بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاح‌گران را تباہ نخواهیم کرد. (اعراف، ۱۷۰)

نکته‌ها:

✦ در روایات آمده است: این آیه بیانگر ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان آنان می‌باشد.^۱

✦ قرآن، همواره در کنار اکثریت مفسد، اقلیت صالح را هم مطرح می‌کند. (در آیه‌ی قبل انتقاد و در این آیه، ستایش است)

۱. تفسیر اثنی عشری.

♦ «الْكِتَابُ»، شامل همه‌ی کتاب‌های آسمانی می‌شود و مفهوم آیه اختصاص به پیروان دین خاص و یا کتاب خاصی ندارد، ولی با توجه به آیات گذشته، شاید مراد تورات باشد.

♦ در این آیه از گروهی که به کتاب آسمانی تمسک می‌کنند تقدیر شده، اما در جای دیگر کسانی را که کتاب در اختیارشان است، ولی به آن تمسک نمی‌کنند، به الاغی تشبیه کرده که بار کتاب حمل می‌کند. «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْإِنْسَانِ الَّذِي حُمِّلَ أَثْقَالًا»^۱

♦ «مصلح»، هم به کسی که در صدد اصلاح خویش است و هم به کسی که در تلاش برای اصلاح جامعه است، گفته می‌شود.

♦ با این که نماز، جزو محتوای کتاب آسمانی است، ولی به دلیل اهمیت آن، به طور جداگانه ذکر شده است، زیرا نماز ستون دین است و اقامه‌ی دین بستگی به آن دارد. چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «الصلاة عمود الدين»^۲ و یا در جای دیگر فرمودند: هر چیزی دارای صورتی است و سیمای دین شما نماز است، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید. «ووجه دينكم الصلاة فلا يشين احدكم وجه دينه»^۳

• پیام‌ها:

۱- تلاوت، حفظ، چاپ و نشر کتاب آسمانی، کافی نیست، بلکه باید به آن عمل کرد تا نجات بخش باشد. «يُمَسِّكُونَ» (چنانکه عمل به نسخه‌ی پزشک، تنها راه درمان است.) و همه آن بدون نماز نتیجه بخش نیست.

۱. جمعه، ۵.

۲. تفسیر اثنی عشری؛ التهذيب، ج ۲، ص ۲۳۷.

۳. تفسیر فرقان؛ کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

«يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۲- در ادیان و کتاب‌های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۳- افراد بی نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی‌توانند مصلح کامل باشند.

«يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... الْمُصْلِحِينَ»

۴- دین (بخصوص قرآن و نماز) علاوه بر آثار اخروی، در اصلاح زندگی

دنوی نیز نقش دارد. «الْمُصْلِحِينَ»

۵- اقامه‌ی نماز، وسیله اصلاح جامعه است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ، الْمُصْلِحِينَ» (اقامه

یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شئون زندگی، نه صرف خواندن نماز)

۶- اصلاح واقعی، دو شرط دارد: تمسک کردن به قانون الهی و رابطه‌ی

استوار داشتن با خدا از طریق اقامه‌ی نماز. (تمام آیه)

نشانه ایمان حقیقی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ

إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

آنان که نماز را بر پامی دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، (به محرومان)

انفاق می‌کنند. آنان همان مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان نزد پروردگارشان

درجات و آمرزش و روزی سخاوتمندانه و نیکو است. (انفال، ۲-۴)

• نکته‌ها:

♦ «وجل»، به حالت اضطراب و خوف و ترس انسان گفته می‌شود که گاهی به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم انجام وظایف است و گاهی به خاطر درک عظمت مقام و هیبت الهی است. لذا در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۱، تنها بندگان عالم و آگاه، از خداوند خشیت دارند.^۲

♦ خداوند در اینجا می‌فرماید: «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ»، یاد خداوند دل‌های مؤمنان را مضطرب می‌کند، ولی در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳، با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. این دو با هم منافاتی ندارد، زیرا در یک جا ترس از عظمت خداوند و در جای دیگر اطمینان داشتن به خداوند است.^۴ همچون کودکی که از والدین خود، هم می‌ترسد و هم به آنان دلگرم است.

• پیام‌ها:

۱- آنکه با شنیدن ندای اذان و آیات الهی بی تفاوت باشد، باید در کمال ایمان خود شک کند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ

۲- یادآوردی و تذکر به یاد خدا از سوی هرکس که باشد، در مؤمن اثر می‌گذارد.

«إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ»

۳- ایمان، مراتب و درجاتی دارد و با توجه به یاد خدا و نماز و بی توجهی به آن، قابل افزایش و کاهش است. «زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا»

۴- نشانه‌ی ایمان کامل آن است که دل مؤمن با یاد خدا خشیت پیدا

۱. فاطر، ۲۸.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۳. رعد، ۲۸.

۴. نظیر آیه ۲۳ سوره زمر.

کند، «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ»، با تلاوت و یادآوری آیات الهی، بر ایمانش افزوده شود، «زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» و توکل بر خدا کرده، «يَتَوَكَّلُونَ» نماز را به پا دارد، «يُقِيمُونَ» و به دیگران نیز کمک برساند. «يُنْفِقُونَ»

۵- نماز و انفاق شخص مؤمن مقطعی نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است. «يُقِيمُونَ ... يَنْفِقُونَ»

۶- نشانه ایمان، ارتباط با خدا با اقامه نماز و ارتباط با مردم با کمک به نیازمندان است. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»

۷- ایمان آنگاه کامل است که همراه با خوف الهی، توکل، نماز و انفاق باشد. آری، ایمان به شعار نیست، به عمل است. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»

۸- رمز دریافت درجات ناشناخته و بسیار مهم الهی، نماز و انفاق است. «يُقِيمُونَ ... يَنْفِقُونَ، لَهُمْ دَرَجَاتٌ» («دَرَجَاتٌ»، نکره آمده است) یک عمر،

برای گرفتن درجه دنیوی می‌کوشیم، ولی از درجات الهی غافلیم!

۹- حتی مؤمنان حقیقی اهل نماز و انفاق نیز در معرض لغزش بوده و نیازمند مغفرت و تفضل الهی می‌باشند. «الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ ... مَغْفِرَةٌ»

۱۰- رزق و روزی دائمی، بی‌منت، وسیع و خالص، در سایه نماز و انفاق است. «رِزْقٌ كَرِيمٌ»

۱۱- تنها ایمان حقیقی در سایه استمرار به نماز و انفاق، زمینه‌ی رسیدن انسان به جایگاه ویژه و دریافت مغفرت و نعمت‌های ویژه‌ی خداوند است.

نشانه توبه واقعی



فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَ
أَخْصِرُوهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾

پس چون ماههای حرام سپری شود، مشرکان (پیمان شکن) را هر زمان و
هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه
جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند
و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا
خلوند، آمرزنده و مهربان است. (توبه، ۵)



نکته‌ها:

❖ کافرانی که ۱۳ سال پیامبر ﷺ و مسلمانان را در مکه آزار دادند و
پس از هجرت نیز ۹ سال از هیچ توطئه‌ای فرو گذار نکردند، اکنون نیز
به پیمان و مهلتی که داده بودند وفادار نماندند، بنابراین پس از طی
همه مراحل دعوت، استدلال و پیمان بستن، اگر باز هم توطئه و دشمنی
کردند، برای سرکوبشان از همه‌ی شیوه‌ها استفاده کنید. چون انحراف
فکری و سقوط عقل و انسانیت، قابل تحمّل نیست.

❖ مراد از ماههای حرام، چند ماهی است که متعهد شده بودند دست از

دشمنی علنی بردارند و منظور چهار ماه حرام معروف نیست.

♦ کلمه‌ی «حَيْثُ» هم در مورد زمان بکار می‌رود و هم در مورد مکان، یعنی هر جا و هر زمان.^۱

♦ امام باقر علیه السلام فرمودند: راه توبه از شرک، ایمان آوردن است.^۲

♦ پیام‌ها:

۱- توبه از شرک، ایمان است و نشانه‌ی توبه‌ی واقعی، نماز و زکات است.

«تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ...» از توبه‌ی بی‌عمل، فریب نخوریم.

۲- نماز، در رأس عبادت‌ها و مصونیت بخش است. به کسی که به شعائر دینی (نماز و زکات) احترام می‌گذارد، تعرّض نکنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ... فَحَلَّوْا سَبِيلَهُمْ»

— ♦ نشانه برادری ♦ —



فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾

اگر (مشرکان) توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (ومی‌اندیشند)، به تفصیل بیان می‌کنیم. (توبه. ۱۱)



۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۲. کافی، ج ۵، ص ۱۰.

• نکته‌ها:

✽ خداوند در آیات قبل فرمود: اگر مشرکان توبه کرده و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر متعرض آنان نشوید، «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» در این آیه می‌فرماید: نه تنها مزاحمشان نشوید، بلکه گذشته‌ها را فراموش کرده، برادرانه با آنان رفتار کنید.

• پیام‌ها:

۱- توبه واقعی، همراه با عمل و جبران مافات بخصوص نماز است. «تَابُوا وَأَقَامُوا...»

۲- شرط ورود به دایره‌ی اخوت دینی، نماز و زکات است. «فَإِنْ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» آنان که تارک نماز و زکاتند، برادران دینی ما نیستند.

۳- با نادام و توّاب اهل نماز و زکات، برخوردی برادرانه داشته باشید. «فَإِنْ تَابُوا ... فَإِخْوَانُكُمْ»

۴- آنان که تا دیروز، واجب القتل بودند، در سایه‌ی توبه و نماز و زکات، حقوق اجتماعی برابر با مسلمانان می‌یابند و جنگ با آنان حرام می‌شود. «فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»



إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾

مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند. (توبه، ۱۸)



نکته‌ها:

♦ مراد از آباد ساختن مساجد هم آبادی ساختمان و تاسیسات فیزیکی آن است و هم اجتماع و شرکت در آن. البته عمران مساجد مخصوص مسلمانان است و نباید هدایا و کمک‌های مشرکان بلکه تمام فرق غیر اسلامی را برای ساختمان مساجد خود بپذیرند، زیرا کلمه “انما”، عمران مساجد را مخصوص مسلمانان می‌سازد.

♦ به گفته‌ی مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمت، نظافت و فرش کردن، روشنایی، تدریس و تبلیغ می‌شود.

♦ در باره اهمیت بنای مسجد و اداره مسجد، احادیث فراوانی آمده است، از جمله رسول خدا ﷺ فرمودند:

— کسی که مسجدی بنا کند هر چند بسیار کوچک (به اندازه لانه مرغی) باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد کرد.^۱

— کسی که چراغی در مسجدی برافروزد، فرشتگان و حاملان عرش الهی ما دام که نور آن چراغ در مسجد می‌تابد برای او استغفار می‌کنند.^۲

البته آنچه بیشتر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است و

۱. وسائل الشیعه، ابواب احکام مساجد.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آن باشند. ♦ باید مسجد مرکزی برای جوانان با ایمان و کانونی برای فعال‌ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکاره و بی حال و خواب آلوده‌ها! ۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: «اِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ» ۲ همین که دیدید کسی پیوسته به مسجد رفت و آمد می‌کند، به ایمان او گواهی دهید.

در احادیث برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوان ذکر شده است، از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفید، ارشاد و دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی. ۳ ♦ مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و خدایی و مورد تکریم. وگرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیشنمازان، افراد بی سواد و ترسو و خادمان نیز وارفتگان بی حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.

♦ پیام‌ها:

۱- تولیت و تعمیر مسجد شرایطی دارد:

الف: از جهت اعتقادی، ایمان به مبدأ و معاد. «أَمِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»
ب: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات. «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ»

۱. تفسیر دز المنثور، ذیل آیه.

۲. تفسیر دز المنثور، ذیل آیه.

۳. تفسیر دز المنثور، ذیل آیه.

ج: از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری. «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (اگر متولی مسجد، شجاع باشد، مسجد نیز کانون حرکت‌های ضدّ ظلم خواهد بود)
 ۲- وظیفه‌ی بانیان و متولیان و تعمیرکنندگان و اهل مسجد، رسیدگی به محرومان است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ... آتَى الزَّكَاةَ»

۳- ایمان از عمل جدا نیست، «آمَنَ ... وَأَقَامَ» نماز از زکات جدا نیست، «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ» و مسجد از انقلاب و مبارزه با ظالم جدا نیست. «مَسَاجِدَ اللَّهِ... وَلَمْ يَخْشَ»

۴- با وجود ایمان، عمل صالح، نماز، زکات و شجاعت، باز هم مغرور نشویم، هنوز خطر انحراف وجود دارد. «فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

♦ ♦ نماز مردود ♦ ♦

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٢﴾

و چیزی منافعشان را از پذیرفته شدن انفاقشان منع نکرد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز از روی کسالت و بی‌حالی به جا نمی‌آوردند و جز از روی کراهت و بی‌میلی انفاق نمی‌کنند. (توبه، ۵۴)



♦ ♦ نکته‌ها: ♦ ♦

♦ علت واقعی پذیرفته نشدن انفاق منافقان این است که انفاقشان از روی

کراهت است، نه علاقه. ارزش دهنده به کارها، نیت و نشاط و عشق است. آری انگیزه مهم است، نه حرکات فیزیکی! در داستان یوسف، زلیخا تمام درها را با دست خود بست و از یوسف کام خواست. اما یوسف علیه السلام به سوی در فرار کرد و زلیخا هم به دنبال او می‌دوید. در این صحنه یوسف و زلیخا از نظر ظاهر و حرکات فیزیکی، هردو می‌دویدند، اما انگیزه‌ی یکی فرار از گناه و انگیزه‌ی دیگری گناه کردن بود. و این است معنای نقش نیت و انگیزه در اعمال انسان.

۰: پیام‌ها:

۱- با کفر، کسالت و کراهت، اعمال خیر بخصوص نماز پذیرفته نیست.

«مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تَقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ...»

۲- از نشانه‌های نفاق، نماز با کسالت، «کُسَالی» و انفاق با کراهت است. «کارهون»

۳- هدف اسلام از انفاق و نماز، رشد انتخابی و معنوی است، نه تنها سیر کردن شکم یا حرکت ظاهری. زیرا با کمک منافقین شکم‌هایی سیر می‌شود، یا به ظاهر نماز و تکلیفی ادا می‌شود، اما رشد معنوی برای کمک کننده حاصل نمی‌شود. «كَفَرُوا بِاللَّهِ ... وَهُمْ كَارِهُونَ»



وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ

سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

مردان و زنان با ایمان، بار و یاورو اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات (بدی‌ها) نهی می‌کنند، نماز برپای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است. (توبه، ۷۱)



:: نکته‌ها:

✽ در روایت می‌خوانیم: چون امر به معروف و نهی از منکر، زمینه ساز و عامل برپایی واجبات دیگر است، از این رو در آیه، قبل از نماز و زکات آمده است.^۱

:: پیام‌ها:

۱- مردان و زنان مؤمن، در اصلاح و اداره جامعه اسلامی مسئولیت داشته و نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و نسبت به واجباتی مثل نماز بی تفاوت نیستند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ... وَيَنْهَوْنَ»

۲- توجّه به زندگی محرومان و تأمین اجتماعی فقرا، در کنار نماز و مسائل عبادی دیگر است. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ...»

۳- امر به معروف و نهی از منکر، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. «يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ»

يُفِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ» (فعل مضارع رمز استمرار است)

۴- کسانی که دیگران را به کارهای خوب دعوت می‌کنند و از بدی‌ها نهی می‌کنند، و دعوت کنندگان یه نماز باید خود اهل عمل باشند. «يَأْمُرُونَ، يُفِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ»

۵- اعمال انسان بخصوص نماز و پرداخت زکات، زمینه‌ساز رحمت الهی است و در این جهت فرقی میان زن و مرد نیست. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ... يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُفِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ، سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» (رحمت الهی شامل هر گونه خیر و برکت و سعادت دنیوی و اخروی است)

نماز و شهرسازی

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَصُرْتُمْ أَبْصَارًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾

و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا روبه قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست). (یونس، ۸۷)

• نکته‌ها:

♦ «قِبْلَةً»، هم به معنای مقابل و رو بروی هم است و هم به معنای جهت کعبه، یعنی خانه‌سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا

قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه‌هایتان برقرار سازید. مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام.

♦: پیام‌ها:

- ۱- مسئولان و رهبران دینی باید به مسائل مادی و رفاهی بخصوص مسکن و شهرسازی، و اقامه نماز توجه ویژه داشته باشند. «أَوْحَيْنَا... تَبَوَّءَ الْقَوْمُ مَكْمًا»
- ۲- معماری خانه و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و به گونه‌ای باشد که انجام مراسم مذهبی و اقامه‌ی نماز در آن عملی باشد. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۳- توجه به نماز در رأس برنامه پیامبران و زمینه آزادی و رهایی از طاغوت‌ها بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»

اثرگذار اجتماعی

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا

مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾

(اما مردم شهر مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می‌خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این چه توقعی است که از ما داری؟) (هود، ۸۷)



• پیام‌ها:

- ۱- نماز، در ادیان گذشته نیز بوده و همواره مخالفانی داشته است. «أَصْلَاتُكَ»
- ۲- نماز، بارزترین نمود آئین حضرت شعیب بوده است. «أَصْلَاتُكَ»
- ۳- نماز واقعی، انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر آنها وامی‌دارد. «أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ»
- ۴- پرستش امری مقبول و مورد نیاز بشر است که چگونگی آن توسط پیامبران الهی ﷺ بیان شده و همواره دستخوش تغییر و انحراف بوده است. «يَعْبُدُ آبَاؤُنَا»
- ۵- دین و دینداری و اهل نماز بودن، نه از سیاست جداست و نه از اقتصاد و بهره‌برداری اقتصادی. «أَصْلَاتُكَ ... نَتْرُكَ ... فِي أَمْوَالِنَا»
- ۶- نماز واقعی هم در معنویات هم در مادیات اثرگذار است و نوع مصرف را هدفمند می‌کند.
- ۷- تجلیل و ستایش مخالفان از ما و نماز ما، حقیقی نیست؛ گاهی برای باج دادن و سکوت و نگفتن حق است و گاه برای تمسخر و استهزا. «لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ

ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٢﴾

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب بپادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر. و پایدار باش، که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (هود، ۱۱۴)



:: نکته‌ها:

♦ «زُف» (در قالب جمع) به معنی نزدیکی است، به اوایل شب که نزدیک به روز است گفته می‌شود و اشاره به نماز عشا می‌باشد.^۱
♦ در آیه اوقات نماز صبح و مغرب و عشا بیان شده است و البته در مقام بیان تمام نمازهای روزانه نیست.

♦ این دو آیه، به دو دستور از مهم‌ترین دستورات اسلامی یعنی اقامه نماز و صبر و پشتکار که در واقع روح ایمان و پایه اسلام است، فرمان داده است.
♦ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که شخصی از طریق طاغوت درآمدهایی را بدست آورده و با امید به آیهی «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» به فقرا کمک می‌کند و به حج می‌رود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ الْخَطِيئَةَ لَا تَكْفُرُ الْخَطِيئَةَ» گناه را نمی‌توان با گناه پوشاند.^۲ بنابراین آنچه را بدست آورده مال مردم است و تصرف در مال مردم به هر شکل حرام است.

♦ حضرت علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها سؤال فرمودند: آیا

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر کنز الدقائق، ذیل آیه.

می دانید امیدبخش ترین آیه ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه ای را عنوان کرد:

بعضی گفتند: آیه ی «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ»^۱؛ خداوند جز شرک، گناهان دیگر را می بخشد.

بعض گفتند: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲؛ هر کس خلافکار و ظالم باشد ولی استغفار کند، خداوند را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

عده ای اظهار داشتند آیه ی «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»^۳؛ ای بندگان من که در حق خود اسراف کرده اید! از رحمت خدا مأیوس نشوید، زیرا او همه ی گناهان را می بخشد. تعدادی هم نظر به این آیه داشتند: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»^۴؛ کسانی که اگر کار زشتی انجام دادند و به خودشان ظلم کردند، یاد خداوند می کنند و برای گناهان خویش استغفار می نمایند، و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد.

بعد از اینکه حضرت نظرات آنان را شنید، فرمودند: از حبیبم رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: امیدبخش ترین آیه در قرآن، همین آیه (۱۱۴) است.

سپس پیامبر ﷺ ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد،

۱. نساء، ۴۸.

۲. نساء، ۱۱۰.

۳. زمر، ۵۳.

۴. آل عمران، ۱۳۴.

گناهایش ریخته می‌شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می‌شود. یا علی! مثال اقامه کننده‌ی نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند.^۱

✽ در روایات متعدد برای اقامه نماز و نماز جماعت آثار و برکات فراوانی بخصوص درباره عفو و بخشش و آمرزش گناهان بیان شده است.^۲

پیام‌ها:

- ۱- رهبر و مسئولان باید الگوی مردم در توجه به نماز و اوقات نماز باشد. «أَقِمِ...»
- ۲- نماز را باید با شرایط و آداب کامل بجای آورد. در کلمه‌ی «اقامه»، معنای کمال و تمام نهفته است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
- ۳- نماز، قوّت قلب مؤمنان است. چون در آیات گذشته، فرمان به استقامت و عدم اعتماد به ظالمان مطرح شد و این امور نیاز به روحیه‌ی بالا دارد، لذا در این آیه، خداوند امر به تقویت روح با اهرم نماز می‌فرماید.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

- ۴- نمازها را باید در وقت مشخص شده انجام داد. «طَرَفِي النَّهَارِ... زُلْفَا»
- ۵- نماز، روشن‌ترین نمونه‌ی کار نیک است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ...»
- ۶- اعمال انسان در یکدیگر تأثیر دارند و نماز از بین برنده بدی‌ها می‌باشد. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»
- ۷- دستور به نماز، روشن‌ترین پند خداوند است و البته همه افراد از آن بهره‌مند نمی‌شوند. «ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (نماز، ذکر الهی است)
- ۸- اقامه نماز، پشتکار و حوصله می‌خواهد. (لذا به دنبال فرمان نماز، در

۱. تفسیر مجمع البیان و کنز الدقائق.

۲. تفسیر مجمع البیان و نمونه.

آیه بعد فرمان صبر آمده است) «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَاصْبِرْ» چنانچه در مورد نماز خانواده نیز چنین سفارش شده است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۱

سرمایه قیامت

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٍ ﴿٣١﴾

(ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده اند، بگو: نماز را بر پا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه ای. (ابراهیم، ۳۱)

نکته ها:

✦ انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته اند: انفاق علنی مربوط به انفاق های واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحب مثل صدقه است.

✦ با این که هر یک از انفاق آشکار و پنهان آثاری دارند، ولی شاید بتوان گفت، انفاق پنهان بهتر است، چون در این آیه «سِرًّا» بر «عَلَانِيَةً» مقدم

شده است.

♦ پیام‌ها:

۱- برای فرمان دادن بخصوص دعوت به نماز، به مخاطب خود شخصیت دهید. «قُلْ لِعِبَادِي» (بندگی خدا بالاترین مدال افتخار مؤمنان است.)

۲- ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. «آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا»

۳- اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومان، در کنار هم شرط قبولی یکدیگرند. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» البته مورد انفاق، تنها مال نیست، از هر چه داریم (چه علم و ثروت، چه آبرو و قدرت) باید انفاق کنیم. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

۴- از بهترین راههای استفاده از فرصت‌های دنیوی، ارتباط با خدا (نماز) و توجه به نیازمندان (انفاق) است. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا... مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ...»

۵- اگر دنبال تجارت مفید در دنیا و آخرت هستید، با ایمان و اقامه نماز و انفاق با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد و ستدی نیست. «يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ»

۶- بهترین سرمایه و دوست انسان در قیامت، علاوه بر ایمان، نماز و انفاق است نه پول و پارتی.





رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. (ابراهیم، ۴۰)



• نکته‌ها:

✦ حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند هفت دعا و درخواست دارد که علاوه بر درخواست امنیت مکه، دور ماندن از بت پرستی، توجّه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او، بهره‌مند شدن ذریه‌ی او از ثمرات و آمزش برای خود و والدین و همه‌ی مؤمنان و قبولی دعاها، مهمترین درخواست و محور دعاهايش توفیق اقامه نماز برای خود و فرزندان است که دو مرتبه تکرار شده است.

✦ چنانکه حضرت یعقوب علیه السلام نیز نگران نماز و عبادت فرزندانش پس از خود بود و پرسید: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي» پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ آنان پاسخ گفتند: «نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ» ما پروردگار تو و پروردگار پدرانت ابراهیم و اسماعیل را می‌پرستیم.

• پیام‌ها:

- ۱- برای اقامه‌ی نماز خودمان و تربیت نمازی فرزندانمان، دعا کنیم و از خداوند استمداد کنیم. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»
- ۲- با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به

جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام‌نمای دین است.
«مُقِيمَ الصَّلَاةِ»

۳- اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود «مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱ من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

۴- مهم‌تر از اقامه نماز و دعا، قبولی آن نزد خداوند است. «رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»

♦ اهمیت نماز صبح ♦



أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ
كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به مغرب) تا تاریکی شب بپادار، و قرآن سپیده‌دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است. (اسراء، ۷۸)



♦ نکته‌ها:

♦ «ذلوك»، هنگام زوال و میل خورشید از وسط آسمان رو به مغرب

است، اشاره به نماز ظهر و عصر، و «غسق» یعنی فراگیر شدن تاریکی، «غسق اللیل» اشاره به نماز مغرب و عشا دارد. «قرآن» به معنی چیزی است که قرائت می‌شود و «قرآن الفجر» اشاره به نماز صبح است. ♦ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اولین نمازی که واجب شد نماز ظهر بود و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند. در روایت دیگری آمده است: اگر نماز صبح در اوّل فجر اقامه شود، فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می‌کنند.^۱ و «مشهود» بودن نماز صبح نیز ممکن است به همین معنا باشد.^۲ یعنی هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می‌دهند.

◦ پیام‌ها:

- ۱- برنامه‌های دینی بخصوص نماز، زمان‌بندی طبیعی دارد، تا قابل فهم و درک همه کس در همه جا و همیشه باشد. «لِدُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»
- ۲- نماز تنها عبادتی است که در قرآن به نام «قرآن» توصیف شده است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»
- ۳- قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ» لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نماز بدون قرآن، نماز نیست. «لا صلاة الا بقرآن»^۳
- ۴- در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه‌ای دارد. «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»



۱. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۲. کنز العمال، ح ۱۹۶۹۸.

۳. تفسیر المیزان، ذیل آیه.



وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً ﴿٧٩﴾

و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این وظیفه‌ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد. (اسراء، ۷۹)



:: نکته‌ها:

♦ «هجود»، به معنای خوابیدن است و «تهجد»، به معنای برطرف کردن خواب با عبادت می‌باشد.

♦ نماز شب از نمازهای بسیار با فضیلت است و در سوره‌های مزمل و مدثر آمده است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»

اهمیت نماز شب

در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می‌شود:

♦ تمام انبیا نماز شب داشتند. نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنائی قبر است. نماز شب، در اخلاق، رزق، برطرف شدن اندوه، ادای دین و نورچشم مؤثر است.^۱

♦ نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است.^۲

♦ امام صادق (ع) می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که

۱. سفینة البحار.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.^۲

❖ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شرف مؤمن، نماز شب است و عزّتش، آزار واذیّت نکردن مردم.

❖ ابوذر کنار کعبه مردم را نصیحت می‌کرد که برای وحشت و تنهایی قبر، در دل شب دو رکعت نماز بخوانید.

❖ درمانده کسی است که از نماز شب محروم باشد.

❖ بهترین شما کسی است که اطعام کند، سلام را آشکارا بدهد و هنگامی که مردم در خوابند، نماز بخواند.

سه چیز بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب بود و بر دیگران مستحب: نماز شب، مسواک و سحرخیزی.^۳

در کلمه‌ی «مَقَاماً» عظمت نهفته است (به خاطر تنوین) و در روایات آمده که «مقام محمود» همان شفاعت است.^۴

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: گناهان و اعمال و رفتار بد انسان، موجب محرومیت اواز نماز شب می‌شود.^۵

خداوند به تمام قطعات زمان سوگند یاد کرده است. مثلاً: «وَالْفَجْرِ»^۶، «وَو

۱. سجده، ۱۷.

۲. تفسیر مجمع البیان.

۳. تفسیر فرقان.

۴. تفسیر نور الثقلین.

۵. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۵.

۶. فجر، ۱.

الصُّبْحِ»^۱، «وَالنَّهَارِ»^۲، «وَالْعَصْرِ» اما به سحر سه بار سوگند یاد شده است: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ»^۳، «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ»^۴، «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ»^۵ یعنی سوگند به شب هنگام تمام شدنش. و در باره ی استغفار در سحر دو آیه آمده است: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۶، «الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۷

♦: پیام ها:

- ۱- نماز شب بر پیامبر اسلام واجب بود. «فَتَهَجَّدَ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ» آری مقام رهبری، مستلزم تکالیف سنگین تری است.
- ۲- دل شب بهترین زمان برای عبادت است. «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ»
- ۳- مقامات پسندیده معنوی، در سایه ی عبادت و عبودیت پیدا می شود. «فَتَهَجَّدْ... مَقَاماً مَّحْمُوداً» البته ما با عبادت های خویش، حق بر خدا نداریم که طلب کنیم، هرچه هست، امید است و فضل او. «عَسَى»
- ۵- نماز شب به تنهایی کافی نیست، کمالات دیگری نیز لازم است. «عَسَى»
- ۶- تا کسی خود گامی به سوی کمال برندارد و تهجد و عبادتی نداشته باشد، خداوند او را به مقامی نمی رساند. «فَتَهَجَّدْ... يَبْعَثَكَ رَبُّكَ» مقامی ارزشمند است که نزد خدا پسندیده باشد، وگرنه شهرت های پوچ، ارزشمند و ماندگار نیست. آری دود به هوا و بالا می رود، ولی روسیاه است.
- ۷- از آثار تهجد و نماز شب، دریافت مقام شفاعت از خداوند است.

۱. مدثر، ۳۴.

۲. شمس، ۳.

۳. فجر، ۴.

۴. تکوین، ۱۷.

۵. مدثر، ۳۳.

۶. ذاریات، ۱۸.

۷. آل عمران، ۱۷.

خداوند، خودش شفاعت را برای اولیا پسندیده است، نه آنکه اولیای الهی نسبت به بندگان از خدا مهربان تر باشند. «يَبْعَثُ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»

واجبی مستمر

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٢١﴾
و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به
نماز و زکات سفارش کرده است. (مریم، ۲۱)

نکته‌ها:

♦ چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و با ثبات باشد؛ حضرت عیسی علیه السلام هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور امام زمان علیه السلام زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن حضرت بودند، پیروزند. «وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

♦ سرچشمه‌ی خیرات و برکات، نیت‌ها، اهداف، حالات و خصلت‌های درونی است. لذا بعضی انسان‌ها هر جا که باشند مبارکند. «جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر جا که باشند گرفتار خصلت‌های ناروای خویش‌اند و خیرشان به دیگران نمی‌رسد.

— ♦ آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید — ۱۱۷ ♦ —

عیسی علیه السلام با کلمه «بِوَالِدِي»، به پاکدامنی مادر و نداشتن پدر اشاره کرد.
«وَبَرًّا بِوَالِدِي» و نفرمود: «بِوَالِدِي».

پیام‌ها:

۱- ستایش از خود و نماز و انفاق خود، اگر برای فخرفروشی نباشد مانعی ندارد. «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

۲- ارزش‌های معنوی همچون نماز و انفاق، فوق زمان و مکان است. «أَيْنَ مَا كُنْتُ... مَا دُمْتُ حَيًّا»

۳- نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» پیامبران به واسطه ارتباط با خدا با نماز در کنار کمک به نیازمندان سرچشمه‌ی خیر و برکت و آثار ابدی بوده‌اند. (شاید بتوان شرط مبارک بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)

۴- رابطه با خدا (انجام نماز)، از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست. «بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

۵- نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست «مَا دُمْتُ حَيًّا»

مسئولیت خانواده

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (مریم، ۵۵)



• نکته‌ها:

🌟 مقام رضوان و رضایت، بزرگ‌ترین خواسته و هدف انبیا است. «وَجَعَلَهُ رَبِّ رَضِيًّا»^۱، «وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»^۲ در حدیث می‌خوانیم: چون اهل بهشت در بهشت مستقر شوند، خطاب می‌رسد آیا حاجت دیگری دارید؟ می‌گویند: «رَبَّنَا رِضَاكَ» پروردگارا! رضای تو هدف ماست.^۲

• پیام‌ها:

- ۱- پیامبران عليه‌السلام، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت تربیت عبادی خانواده را هم دارند. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ» (از میان مسائل تربیتی، نماز نقش بسیار مهمی دارد که مقدم بر هر چیزی آمده است).
- ۲- سفارش به نماز و زکات، از وظایف پدر خانواده است. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» (با اینکه سفارش به نماز در خانواده‌ها کم و بیش هست، اما سفارش به زکات نیست).
- ۳- امر به نماز و زکات، از مصادیق امر به معروف است. «وَكَانَ يَأْمُرُ»
- ۴- نماز و زکات، در ادیان دیگر هم بوده و سابقه‌ای بس طولانی دارند. «وَكَانَ يَأْمُرُ...»
- ۵- نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست. (عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست). «بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ»

۱. مریم، ۶.

۲. تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه.

۶- در امر به معروف و توصیه به نماز، باید از نزدیکان شروع کنیم. «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»

۷- ارشاد و توصیه به نماز باید دائمی باشد، نه مقطعی و گذرا. «وَكَانَ يَأْمُرُ...»

بی نمازان گمراه

خَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ
عَذَابًا

آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. (مریم، ۵۹)

نکته‌ها:

♦ «خَلَّفَ»، فرزند صالح را گویند و «خَلْفٌ» فرزند ناصالح است.
♦ کلمه‌ی «غی» در مقابل رشد است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۲

۱. بقره، ۲۵۶.

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲.

✦ در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد.^۱

اگر این سخن در اوایل سال اوّل هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین (علیه السلام) و سال به قدرت رسیدن یزید است.

۰: پیام‌ها:

۱- گاهی فرزندان و نسل آینده، زحمت‌های پدران صالح اهل نماز را تباه می‌کنند. (گاهی از خوبان، نسل نااهل بی‌نماز پیدا می‌شود) «خَلَفَ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۲- نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره‌ی نسلی به نسل دیگر، ضایع کردن نماز آنان را نشان می‌دهد) «خَلَفَ .. أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۳- نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۴- کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می‌خورد. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۵- بی‌نماز و رونق یافتن شهوات، غیّ و گمراهی است. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ... يَلْقَوْنَ غَيًّا»

۶- کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است. «يَلْقَوْنَ غَيًّا» (رشد واقعی در سایه‌ی معنویت است)

اولین دستور خدا



﴿۱۴﴾

إِنِّى أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِى وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِى

همانا منم الله، جز من خدای نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را بپادا رتابه

یاد من باشی. (طه، ۱۴)



∴ پیام‌ها:

۱- در نظام الهی، شناخت، اساس عمل و عبادت است. «إِنِّى أَنَا اللَّهُ-

فَاعْبُدْنِى»

۲- شناخت اصول دین، بر انجام فروع دین مانند نماز مقدّم است. «لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِى» توحید نظری مقدّم بر توحید عملی است.

۳- عبادت باید خالصانه باشد. ارزش عبادت به میزان خلوص آن

است. «فَاعْبُدْنِى»

۴- توحید در رأس همه عقاید و نماز در رأس همه عبادات است. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

فَاعْبُدْنِى وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»

۵- نماز، اولین دستور کار و برنامه‌ی عملی انبیاست. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۶- نماز، در ادیان دیگر (حضرت موسی عليه السلام) نیز بوده است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۷- هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجّه به قلب

آن، یعنی احساس حضور است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِى»

- ۸- برپایی نماز به خاطر یاد اوست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و یاد او موجب آرامش دلهاست. «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ چنانکه یاد ما از خدا، سبب یاد خدا از ماست. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۲
- ۹- توجّه به قیامت، سبب برپایی نماز می شود. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ» در قیامت از نماز می پرسند.

مسئولیت و پشتکار

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾

و خانواده ها را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است. (طه، ۱۳۲)

نکته ها:

✦ در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر ﷺ تا چندین ماه در خانه ی حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را می زدند و در آستانه در یادآور نماز شده و می فرمودند: «الصلاة» آنگاه به قرائت آیه

۱. رعد، ۲۸.

۲. بقره، ۱۵۲.

تطهیر می پرداختند.^۱

♦ هرگاه وضع زندگی رسول خدا ﷺ تنگ می شد، این آیه را تلاوت می فرمود، آنگاه به افراد خانه دستور می دادند تا نماز بخوانند.^۲

♦ «اَصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی هم در انجام نماز وهم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

پیام ها:

۱- امر به معروفی مانند نماز، در خانواده و نزدیکان، وظیفه بزرگان. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ

۲- رهبر جامعه ی اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»

۳- مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ

۴- از مهم ترین زمینه های تربیت عبادی و امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ...» (دایره ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه ی افراد خاندان را شامل می شود.)

۵- مبلّغ و مربیان و شخصیت ها باید در مرحله ی اوّل به تبلیغ و تربیت نمازی خانواده خود بپردازند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ

۶- اوّلین مرحله ی تربیت، کانون خانواده و اهتمام آنان به نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است.

۱. تفسیر الکبیر و دال المنثور و مجمع البیان.

۲. تفسیر المیزان، ذیل آیه.

- ۷- زرق و برق دنیا فریبنده است، راهکار عدم وابستگی به آن حتی برای شخص پیامبر ﷺ، پناه بردن به نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (وآیه قبل).
- ۸- یکی از مصادیق روشن و بلند معروف، نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»
- ۹- موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (در تحقیقاتی که از جامعه‌ی دانش‌آموزی و نوجوان و جوان شده است، درصد بالایی از آنان علت توجه به نماز خود را توجه خانواده‌های خویش به آن دانسته‌اند).
- ۱۰- امر به معروف و تربیت عبادی خانواده و فرزندان، مداومت و پایداری لازم دارد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»
- ۱۱- خداوند از نماز و عبادت ما سودی نمی‌برد، ثمره‌ی آن به خود ما باز می‌گردد. «لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا»
- ۱۲- سفارش به نیکی‌ها و نماز باید جدی و همراه بیان آثار باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ ... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
- ۱۳- نماز، زمینه‌ساز پاکدامنی و تقواست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ ... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» و حسن عاقبت در سایه‌ی تقوای الهی است، نه مادیات.

— ♦ — ماموریت پیشوایان — ♦ —



وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَ
إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکات را وحی کردیم و آنان فقط ما را عبادت می کردند. (انبیاء، ۷۳)



:: پیام ها:

۱- نماز و زکات در میان کارهای خیر، جایگاه ویژه ای دارند. «فِعِلْ الْحَيْرَاتِ وَاقِمِ

الصَّلَاةَ وَآتِ الزَّكَاةَ»

۲- نماز و زکات، دو رکن اساسی در همه ادیان بوده است. «اقِمِ الصَّلَاةَ وَ

آتِ الزَّكَاةَ»

۳- بدون نماز و زکات، انسان به درجه بندگی خدا نمی رسد. «اقِمِ الصَّلَاةَ وَآتِ

الزَّكَاةَ وَكُنْ لَنَا عَابِدِينَ»

۴- رهبران الهی، عابدان و بندگان مخلص خدا هستند. «كُنُوا لَنَا عَابِدِينَ»

۵- نعمت های الهی، ما را از بندگی خدا غافل نسازد. انبیا با اینکه به

مقام رهبری «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً» نائل آمدند، اما با این وجود، باز بنده ی خدا

هستند. «وَكُنُوا لَنَا عَابِدِينَ»

۶- دین و عبادت از سیاست جدا نیست. «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...

كُنُوا لَنَا عَابِدِينَ»

نشانه بندگان مخلص



الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي
الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾

(مُخَبَّتِينَ) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان از خوف (خلوند) می‌لرزد و بر آنچه (از سختی‌ها) به آنان می‌رسد مقاومند و بر پاک‌کنندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (حج، ۳۵)



نکته‌ها:

♦ آیه سیمای محبتین یعنی بندگان متواضع مخلصی که پیامبر ﷺ به آنان بشارت داده را توضیح می‌دهد که دل‌هایشان مملو از خوف پروردگار و در برابر حوادث دردناک زندگیشان شکمیا و در عمل اهل نماز و انفاق می‌باشند.

♦ یاد خدا هم آرام‌بخش و هم برای اهل ایمان مخلص، خوف‌آور است، همانند کودکی که با یاد والدین، هم آرام می‌گیرد و هم از آنان پروا می‌کند و حساب می‌برد.

پیام‌ها:

۱- ترس از خدا و پروای درونی، ارزشی که با صبر و نماز و انفاق تکمیل

می‌شود. «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ... الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»

۲- زیربنای انجام وظیفه بعد از تقوا، مقاومت و صبر، اهل نماز و انفاق

بودن است. «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمُ وَالصَّابِرِينَ... الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»

۳- سیره و نشانه بندگان خالص خداوند، اهل نماز و انفاق بودن است.

«الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ» (آیه در توصیف محبتین آیه قبل است)

۴- رابطه با خدا (نماز)، از رابطه با محرومان (انفاق) جدا نیست. «وَالْمُقِيمِي

الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»

—: ♦ اولین وظیفه حاکمان ♦—



الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپا می‌دارند
و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز
می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست. (حج، ۴۱)



:: نکته‌ها:

♦ اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح
می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین
دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است

و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۱ و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»^۲ و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشانند. «أَيُّمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۳

۰: پیام‌ها:

- ۱- پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. «إِنْ مَكَتَاهُمْ...»
- ۲- برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان پیدا کنند، برپایی نماز را اولین هدف و برنامه عملی خود پیاده می‌کنند. «فِي الْأَرْضِ»
- ۳- اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. «إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...»
- ۴- رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...»
- ۵- اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. «أَقَامُوا» نه «یقیمون»
- ۶- حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی و عبادی

۱. علق، ۶.

۲. بقره، ۲۰۵.

۳. قصص، ۴۱.

هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...»

۷- جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» و آیه قبل: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»

۸- امر و نهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اول به وظایف فردی خود بخصوص نماز عمل کنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ»

۹- اقامه‌ی نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. «إِن مَكَّنَّاهُمْ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱۰- زکات، همتای ناگسستنی نماز است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (در

۲۸ آیه‌ی قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).

راه رستگاری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۷۷﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید. (حج، ۷۷)

:: نکته‌ها:

✦ با اینکه رکوع و سجود از مصادیق عبادت هستند ولی در این آیه نام آن

دو در کنار «وَاعْبُدُوا» آمده که نشانه‌ی اهمیت نماز و این دورکن نماز است. ♦ برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:

الف: برنامه‌های ثابت مانند رکوع و سجود و عبادت‌های دیگر.
ب: برنامه‌های متغیّر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصی دارد. «آمَنُوا ارْكَعُوا... وَافْعَلُوا الْخَيْرَ»

۰: پیام‌ها:

- ۱- کار خیر (و ابتکارات و اختراعات و خدمات)، زمانی مؤثر است که در سایه‌ی ایمان و بندگی خدا باشد. «آمَنُوا ارْكَعُوا... وَافْعَلُوا الْخَيْرَ»
- ۲- حتّی با رکوع و سجود و تعبد و کار خیر، رستگاری خود را قطعی ندانید، زیرا آفت غرور و حبط عمل در کار است. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»
- ۳- فلاح و رستگاری، آخرین مرحله‌ی تکامل است که بعد از انجام عبادات و نماز و کارهای خیر باید امید آن را داشت. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»



وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

— ♦ آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید — ۱۳۱ ♦ —

و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد (در راه) اوست، او شما را (بر همه امت‌ها) برگزید و در دین (اسلام) هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این (کتاب نیز مطلب چنین است) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید و به خدا تمسک جوئید، که او مولا و سرپرست شماست، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یاری. (حج، ۷۸)



♦ نکته‌ها:

♦ می‌دانیم که گواه بودن، به علم و عدالت نیاز دارد و همه‌ی مردم نه عادلند و نه آگاه که بتوانند بر دیگران شاهد باشند، بنابراین، مراد از گواه بودن مسلمانان که در این آیه عنوان شده است، بعضی از آنان هستند که هم به اعمال و رفتار مردم علم دارند و هم امین و عادلند و چنین افرادی همان گونه که در روایات می‌خوانیم، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هستند که اعمال و رفتار ما بر آنان عرضه می‌شود. ♦ خداوند در آغاز سوره حج، از زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی یاد کرد و در پایان سوره از جهاد و نماز و زکات سخن گفت و یادآور شد که او برای همه بندگان، مولا و سرپرست و یاری نیکوست، این نکته به ما می‌آموزد که برای نجات از خطرهای زلزله‌ی عظیم قیامت و عذاب شدید الهی، بنده‌ی او باشیم و به او پناه ببریم که «فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ». ♦ نفی «حَجَّ» به معنای سخت نبودن احکام الهی نیست، زیرا در همین

آیه که می‌فرماید: جهاد کنید آن گونه که حق جهاد است. و ناگفته پیداست که جهاد کار بس سختی است. پس مراد از نبودن حرج در دین آن است که اسلام بن‌بست ندارد. مثلاً در فرمان جهاد افراد بیمار، لنگ، نابینا، سالمند و زنان و کودکان و ناتوانان معافند، ولی دفاع با همه‌ی سختی آن وظیفه است یا درباره نماز به توان فرد در ایستاده و نشسته و خوابیده خواندن.

• پیام‌ها:

۱- اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف‌پذیر و طبق توان افراد است. در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. «**مَا جَعَلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ**»

۲- پیامبر اکرم ﷺ بر اعمال ما گواه است. «**لَیْکُونُ الرَّسُولُ شَهِیداً**» (توجه به این نکته بهترین انگیزه برای حضور در میدان‌های جهاد و اهتمام به نماز و کمک به دیگران است)

۳- نماز سیمای دین اسلام است. پس از معرفی دین اسلام به عنوان دین برگزیده و جایگاه پیامبر ﷺ، از میان تمام اعمال دینی نماز نام برده شده است.

۴- قرار گرفتن نماز در کنار جهاد و زکات، بیانگر اهمیت آن در میان تمام واجبات و عظمت آن در نگاه خدا و رسول است.

۵- نماز و زکات، تشکر از خداوند است. (باید به شکرانه‌ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امت اسلام، نماز به پا داشت.) «**فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ...**»

۶- تنها به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه نکنیم، با نماز و زکات و تمسک به خدا، این افتخارات را پاسداری کنیم. «**فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ**

وَأَتُوا الزَّكَاةَ»

رستگاری حتمی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾

قطعا مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

(مؤمنون، ۱-۲)

نکته‌ها:

♦ در قرآن، یازده مورد کلمه‌ی فلاح (رستگاری) با کلمه‌ی «لَعَلَّ» (شاید) همراه است: «لَعَلَّكُمْ تَقْلِحُونَ»^۱ لکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در همین سوره و یکی در سوره‌ی شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا» و دیگری در سوره‌ی اعلی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». از مقایسه این سه مورد بایکدیگر، روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.

♦ در هراذان و اقامه‌ی نمازهای یومیه جمله‌ی «حی علی الفلاح» را بیست بار بر زبان می‌آوریم و هدف نهائی را با فریاد رسا اعلام می‌کنیم، تاراه را گم نکنیم. اسلام می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^۱ کسانی رستگارند که ایمان و تزکیه‌ی نفس داشته باشند، ولی کفر می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»^۲ فرعون می‌گفت: امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است.

۱. اعلی، ۱۴.

۲. طه، ۶۴.

کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورز، «فَلَّاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند.
شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی‌خواند.^۱
امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از خشوع در نماز، فرونهادن چشم است.^۲

پیام‌ها:

- ۱- رستگاری مؤمنان اهل نماز، حتمی است. «قَدْ أَفْلَحَ»
- ۲- ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد و نماز خاشعانه، در رأس آن است. «الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ... فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»
- ۳- در نماز، حالت و کیفیت خاشعانه آن مهم است. «خَاشِعُونَ»

نشانه وارثان بهشت

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾
و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند. آنان وارثانند. (مؤمنون، ۹-۱۰)

پیام‌ها:

- ۱- در معرفی سیمای مؤمنان، نماز هم در ابتدا مطرح شد: «فِي صَلَاتِهِمْ

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۴.

خَاشِعُونَ» هم در پایان «عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» این تکرار و تأکید، نشان اهمیت آن است.

تاجران نمونه

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ
يَحَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، به خود مشغول نمی‌سازد، آنها از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود، بیمناکند. (نور، ۳۷)

نکته‌ها:

♦ کلمه «رِجَالٌ» در این آیه شامل همه بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن.
♦ «تِجَارَتٌ»، داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است.^۱
♦ در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^۲

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نور الثقلین.

تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم کند و از یاد خدا بازدارد، عوامل دیگری نیز در قرآن ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

۰: پیام‌ها:

۱- مردان و زنانی که تجارت آنان را غافل نکند، بزرگ مردانی با عظمت نزد خدا هستند. («رِجَالٌ» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)

۲- اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری در غفلت انسان از یاد خدا ندارند. «لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ»

۳- بازار اسلامی، هنگام نماز باید تعطیل شود. «لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ»

۴- حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ»

۵- ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ ... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ...» (مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند.)

۶- ایمان به آخرت، دنیا را نزد نمازگزار کوچک می‌کند. «لَا تُلْهِیْهُمْ ... يَخَافُونَ يَوْمًا»

۷- با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت، جداگانه مطرح شده است. «ذِكْرُ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ»

۸- نماز و زکات، در کنار یکدیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»

نماز همه موجودات

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ
عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾

آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در
حال پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌داند؟
و خلدوند به آنچه می‌کنند، داناست. (نور، ۴۱)

نکته‌ها:

✽ قرآن، بارها مسأله‌ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با
صراحت بیان کرده و فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.^۱ از این
آیات به دست می‌آید که علم و شعور، مخصوص انسان‌ها نیست. گرچه
بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال
آفرینش دانسته‌اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.
✽ خداوند، در آیه چند مرتبه به صورت غیرمستقیم، به انسان هشدار
داده است:

الف: موجودات آسمان و زمین در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟!
ب: تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟!

ج: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می‌برند! در روایات می‌خوانیم: امام صادق علیه السلام هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.^۱

♦ پیام‌ها:

- ۱- تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید و ببینید همه‌ی موجودات، شعور دارند و نماز و تسبیح آنها، آگاهانه است. «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ»
- ۲- در میان موجودات هستی، پرندگان، آن هم در حال پرواز، توجه خاصی به خدا دارند. «وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ»
- ۴- نماز، در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می‌گوید و چه می‌کند. «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ»
- ۵- نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. «صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»
- ۶- توجه به علم خداوند بر جزئیات تمام اعمال، زمینه اتمام به نماز است. «عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»



وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۶﴾

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید. شاید مورد رحمت
قرار گیرید. (نور، ۵۶)



:: نکته ها:

✽ امام صادق علیه السلام با تلاوت این آیه فرمود: زکاتِ فطره، مصداق زکات در آیه و پرداخت آن واجب است.^۱

:: پیام ها:

- ۱- اقامه نماز و ادای زکات، نمونه بارز عمل صالحی است که در حاکمیت مؤمنان انجام می شود. «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَ...» و آیه قبل «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۲- در اسلام، مسائل عبادی «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ» و مسائل مالی «آتُوا الزَّكَاةَ» و مسائل سیاسی و حکومتی «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» از یکدیگر جدا نیستند.
- ۳- شرط رسیدن به رحمت خداوند، اقامه نماز، پرداخت زکات و پیروی از رسول است. «لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ»

نشانه مؤمنان



الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۳﴾
(مؤمنان) کسانی هستند که نماز برپای می دارند و زکات می پردازند و تنها

ایشانند که به آخرت یقین دارند. (نمل، ۳)



• نکته‌ها:

♦ خداوند در توصیف مؤمنان، آنان را اهل نماز و کمک به نیازمندان که به آخرت یقین دارند معرفی کرده است.

♦ «زکات» در اینجا به معنای کمک به نیازمندان به هر شکل است. زیرا این سوره در مکه نازل شده و دستور زکات رسمی در مدینه صادر شده است.

• پیام‌ها:

- ۱- برای ترویج خوبی‌هایی مثل نماز و انفاق، از خوبان تجلیل کنیم. «الَّذِينَ...»
- ۲- در تجلیل، محور کردار مردم است، نه نام و عنوان آنها. «يُقِيمُونَ... يُوْتُونَ»
- ۳- نماز و زکات، نشانه ایمان است. (در ادامه آیه قبل) «لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ»

«يُقِيمُونَ»

- ۴- نمازی ارزش دارد که با شرایط صحت و کمال انجام گیرد. «يُقِيمُونَ» (معنای اقامه‌ی نماز، انجام دادن آن با شرایط است)

- ۵- رابطه با خداوند بر رابطه با مردم مقدم است. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُوْتُونَ الزَّكَاةَ» (نماز، قبل از زکات آمده است)

- ۶- چون نماز و رابطه با خدا، زمینه‌ساز سایر کارهای خیر است، نام آن در ابتدا آمده است. «الصَّلَاةَ»

- ۷- تداوم عمل، به عمل ارزش می‌دهد. «يُقِيمُونَ - يُوْتُونَ» (فعل مضارع نشانه‌ی استمرار و تداوم است)

۸- یکی از امتیازات اسلام این است که مسایل الهی و مردمی، معنوی و مادی، این جهانی و آن جهانی را در کنار هم قرار داده است. «الصَّلَاةُ - الزَّكَاةُ»
۹- در تبلیغ، اول کارهایی را مطرح کنید که برای مردم خرج ندارد. (اول نماز، بعد زکات) «الصَّلَاةُ - الزَّكَاةُ»

۱۰- مؤمن علاوه بر نماز، در برابر مسایل اجتماعی و نیاز محرومان و گرسنگان، احساس مسئولیت می کند. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»

۱۱- نماز و زکاتی ارزش دارد که با ایمان به معاد همراه باشد. «وَهُم بِالْآخِرَةِ»
۱۲- مؤمنین برنده هستند؛ با نماز خودسازی می کنند و با زکات مشکلات جامعه را حل و با یقین به معاد، آینده ی خود را تأمین می کنند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ... الزَّكَاةَ ... يُؤْتُونَ»

۱۳- اهل یقین به قیامت، تنها گروه خاصی از نمازگزاران و زکات دهندگان هستند. «وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» تکرار کلمه ی «هُمْ» نشانه ی این است که این گروه، گروه خاصی هستند.

بازدارنده از زشتی ها

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۲۵﴾

آنچه را از کتاب (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر بازمی دارد و البته یاد خدا بزرگ تر است و خدوند

آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (عنکبوت، ۴۵)



نکته‌ها:

✦ در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیروبخش می‌باشند. خداوند که به پیامبرش از یک مسئولیت سنگین خبر می‌دهد، «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»^۱ به او می‌فرماید: برای انجام این مسئولیت سنگین، از دو منبع نیروبخش کمک بگیر: یکی تلاوت قرآن. «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۲ و دیگری نماز شب. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا»^۳ البته علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است؛ از جمله: «يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴ و «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۵ برای جمله «لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» چند معنا بیان شده است: الف: نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهی است. به دلیل آیه‌ی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي»^۶ که نماز را ذکر خداوند می‌داند.

ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است.

ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است.

د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر اهرم دیگر است.

۱. مزمل، ۵.

۲. مزمل، ۴.

۳. مزمل، ۶.

۴. فاطر، ۲۹.

۵. اعراف، ۱۷۰.

۶. طه، ۱۴.

ه: یاد خدا از شما، بزرگتر از یاد شما از خدا است. (البته این معنا با توجه به روایات در ذیل آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۱ برداشت شده است.^۲)
به پیامبر اکرم ﷺ گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: «ان صلاته تنها یوما»^۳ بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام فرمود: «فبقدر ما منعه قبلت منه»^۴ به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۲- قرآن و نماز، در رأس برنامه‌های تربیتی است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۳- رابطه پیامبر با مردم از طریق تلاوت آیات قرآن و ابلاغ اوامر خداوند به آنان و رابطه او با خدا از طریق عبادت و نماز است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۴- در تبلیغ و ارشاد، حکمت و آثار واجبات و دستورات دینی را بیان کنیم. «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»
- ۵- در پیشگاه خداوند، نماز از عظمت و جایگاه خاصی برخوردار است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ» (تکرار کلمه‌ی «صلاة»)
- ۶- نقش اصلاحی نماز در فرد و جامعه حدسی و پیشنهادی نیست، بلکه

۱. بقره، ۱۵۲.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. تفسیر مجمع البیان.

۴. تفسیر مجمع البیان.

- قطعی است. «إِنَّ الصَّلَاةَ» (کلمه‌ی «ان» و جمله‌ی اسمیه)
- ۷- اگر نماز انسان، او را از فحشا و منکر باز نداشت، باید در قبولی نماز خود شک کند. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى»
- ۸- گسترش کارهای نیک و معروف بخصوص اقامه نماز، به طور طبیعی مانع رشد منکر است. «الصَّلَاةُ تَنْهَى»
- ۹- در نماز، انواع راز و رمزها، هنرها و سلیقه‌ها نهفته است. «مَا تَصْنَعُونَ»

نماز و بازدارندگی از منکرات

- سؤال: چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟
- پاسخ: ۱- ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. «أُولَئِكَ كَانُوا لِنِعْمِ بَلٍّ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و نماز چون یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت‌زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می‌برد.
- ۲- اقامه‌ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنانکه کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.
- ۳- در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی‌تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه‌ی رویکرد به منکرات است، رها می‌سازد.
- ۴- نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هریک از آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:
- ♦ شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق

دیگران باز می‌دارد.

♦ رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

♦ شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و سُمعه باز می‌دارد.

♦ شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن باز می‌دارد.

♦ رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

♦ توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند.

♦ توجّه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می‌شود.

♦ نماز جماعت، انسان را از گوشه‌گیری نابجا نجات می‌دهد.

♦ احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش‌ها را زنده می‌کند از جمله:

مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حقّ امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش‌گذاری نسبت به انسان‌های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش‌های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هریک از آنها، منکر است.

♦ لزوم تلاوت سوره حمد در هر نماز، رابطه‌ی انسان را با آفریننده‌ی جهان،

«رَبِّ الْعَالَمِينَ»، با تشکر، تعبد و خضوع در برابر او، «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با توکل و

استمداد از او، «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، با توجّه و یادآوری معاد، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» با

رهبران معصوم و اولیای الهی، «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، با برائت از رهبران فاسد، «غَيْرِ

الْمَغْضُوبِ» و رابطه‌ی انسان را با دیگر مردم جامعه «نَعْبُدُ وَنَسْتَعِينُ» بیان

می‌کند که غفلت از هریک از آنها منکر، یا زمینه‌ساز منکری بزرگ است.

نشانه نیکوکاران

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ
عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

(نیکوکاران) آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و تنها آنان به آخرت یقین دارند. آنان بر هدایتی از پروردگارشان هستند و هم آنانند رستگاران. (لقمان، ۴-۵)

نکته‌ها:

✦ این آیه نیکوکاران («محسنین» آیه قبل) را چنین توصیف می‌کند: نیکوکار کسی است که هم به مسائل معنوی (نماز) توجه دارد و هم به مسائل اقتصادی (زکات). نماز، جامع همه‌ی کمالات معنوی است مانند: طهارت، تلاوت قرآن، اقرار به توحید و نبوت و ولایت، ذکر و دعا، سلام، قیام، رکوع، سجود و توجه به حق؛ و زکات جبران همه‌ی کاستی‌های مادی است.

پیام‌ها:

- ۱- نماز و زکات، از یکدیگر جدا شدنی نیستند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»
- ۲- اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات باید سیره‌ی دائمی باشد. («يُقِيمُونَ» و

- «يُؤْتُونَ»، در قالب مضارع آمده که نشان استمرار است.)
- ۳- چون اسلام دین جامعی است، تکلیف‌های آن نیز جامع و همه جانبه است. تکلیف بدنی: «نماز»، مالی: «زکات» و قلبی: «یقین». «الصَّلَاةُ الزَّكَاةُ يُوقِنُونَ»
- ۴- ارتباط با خدا (اقامه‌ی نماز) و ارتباط با مردم (پرداختن زکات)، همراه با ایمان به قیامت ارزشمند است. «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»
- ۵- اقامه نماز و پرداخت زکات، زمینه‌ی بهره‌گیری از هدایت قرآن را فراهم می‌سازد. «الَّذِينَ يَقِيمُونَ ... وَيُؤْتُونَ ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى»
- ۶- رستگاری، مخصوص کسانی است که اهل نماز، زکات و یقین به آخرت باشند. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

سفرارشی حکیمانه

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾

فرزندم! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است. (لقمان، ۱۷)

:: نکته‌ها:

✦ مراد از «عَزَمَ» در اینجا، یا عزم و اراده‌ی قطعی خداوند بر انجام این

امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آنها.

♦ با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده؛ اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. **«أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»**

♦ حضرت علی علیه السلام می فرماید: در مشقت و سختی هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می رسد، صبر کن.^۱

♦ صبر، گاهی در برابر مصیبت است، **«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا هَذَا الَّذِي كُنَّا نَعْتَقِدُ أَنَّ اللَّهَ وَعَدَنَا وَإِنَّا لَمُصْبِرُونَ»** و گاهی در برابر گناه، چنانکه یوسف در زندان گفت: **«رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ...»** پروردگار! زندان نزد من بهتر از ارتکاب گناهی است که مرا به آن می خوانند، تا آنجا که فرمود: **«إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»**^۲

۰: پیام ها:

۱- یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «یا

بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۲- پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم.

«لَا تُشْرِكْ... أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۳- وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام

۱. تفسیر مجمع البیان.

۲. بقره، ۱۵۵-۱۵۶.

۳. یوسف، ۹۰.

نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است) «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۴- فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۵- آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. «يَا بُنَيَّ - وَأْمُرْ - وَانَّهُ»

۶- بعد از توجّه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
۷- کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند.

«أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۸- فرزندان خود را علاوه بر اقامه کننده نماز، امر به معروف و ناهی از منکر بار آوریم. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ...»

۹- در مسیر حق بودن کافی نیست، لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» چنانکه در سوره عصر می‌خوانیم: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ»

سیمایی از نماز

به مناسبت سفارش به نماز در آیه، مختصری پیرامون این فریضه توضیح می‌دهیم:

♦ نماز، ساده‌ترین، عمیق‌ترین و زیباترین رابطه‌ی انسان با خداوند است که در تمام ادیان آسمانی بوده است.

♦ نماز، تنها عبادتی است که سفارش شده قبل از آن، خوش صداترین

افراد بر بالای بلندی رفته و با صدای بلند، شعار «**حی علی الصلاة، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل**» را سر دهند، با اذان خود سکوت را بشکنند و یک دوره اندیشه‌های ناب اسلامی را اعلام و غافلان را بیدار کنند.

♦ نماز به قدری مهم است که حضرت ابراهیم علیه السلام هدف خود را از اسکان زن و فرزندش در صحرای بی‌آب و گیاه مگه، اقامه‌ی نماز معرفی می‌کند، نه انجام مراسم حج.

♦ امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا برای اقامه‌ی دو رکعت نماز، سینه‌ی خود را سپر تیرهای دشمن قرارداد.

♦ قرآن، به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام دستور می‌دهد که مسجد الحرام را برای نمازگزاران آماده و تطهیر نمایند. آری، نماز به قدری مهم است که زکریا و مریم و ابراهیم و اسماعیل علیه السلام خادم مسجد و محل برپایی نماز بوده‌اند.

♦ نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیرالمؤمنین علیه السلام به استاندارش می‌فرماید: بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می‌شود.^۱

♦ نماز، یاد خداست و یاد خدا، تنها آرام‌بخش دلهاست.

♦ نماز، در بیشتر سوره‌های قرآن، از بزرگ‌ترین سوره (بقره) تا کوچک‌ترین آن (کوثر) مطرح است.

♦ نماز، از هنگام تولّد در زایشگاه که در گوش نوزاد اذان و اقامه می‌گویند تا پس از مرگ که در گورستان بر مرده نماز می‌خوانند، جلوه می‌کند.

♦ هم برای حوادث زمینی مانند زلزله و بادهای ترس‌آور آمده و هم برای حوادث آسمانی مانند خسوف و کسوف، نماز آیات واجب گشته و حتی برای طلب باران، نماز باران آمده است.

♦ نماز، انسان را از انجام بسیاری منکرات و زشتی‌ها باز می‌دارد.^۱ در نماز، تمام کمالات به چشم می‌خورد که ما چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم: ♦ نظافت و بهداشت را در مسواک زدن، وضو، غسل و پاک بودن بدن و لباس می‌بینیم.

♦ جرأت، جسارت و فریاد زدن را از اذان می‌آموزیم. ♦ حضور در صحنه را از اجتماع در مساجد یاد می‌گیریم. ♦ توجّه به عدالت را در انتخاب امام جماعت عادل می‌یابیم. ♦ توجّه به ارزشها و کمالات را از کسانی که در صف اوّل می‌ایستند، به دست می‌آوریم.

♦ جهت‌گیری مستقل را در قبله احساس می‌کنیم. آری، یهودیان به سویی و مسیحیان به سوی دیگر مراسم عبادی خود را انجام می‌دهند و مسلمانان باید مستقل باشند و لذا به فرمان قرآن، کعبه، قبله‌ی مستقل مسلمانان می‌شود، تا استقلال در جهت‌گیری آنان حفظ شود. ♦ مراعات حقوق دیگران را در این می‌بینیم که حتی یک نخ غصبی، نباید در لباس نمازگزار باشد.

♦ توجّه به سیاست را آنجا احساس می‌کنیم که در روایات می‌خوانیم: نمازی که همراه با پذیرش ولایت امام معصوم نباشد، قبول نیست.

♦ توجّه به نظم را در صف‌های منظم نماز جماعت و توجّه به شهدا را در تربت کربلا و توجّه به بهداشت محیط را در سفارش‌هایی که برای پاکی و نظافت مسجد و مسجدی‌ها داده شده است، می‌بینیم.

♦ توجّه به خدا را در تمام نماز، توجّه به معاد را در «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، انتخاب راه را در «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، انتخاب همراهان خوب را در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، پرهیز از منحرفان و غضب شدگان را در «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، توجّه به نبوّت و اهل بیت پیامبر ﷺ را در تشهّد و توجّه به پاکان و صالحان را در «السلام علينا و على عباد الله الصالحين» می‌بینیم.

♦ توجّه به تغذیه‌ی سالم را آنجا می‌بینیم که در حدیث آمده است: اگر کسی مشروبات الکلی مصرف کند، تا چهل روز نمازش قبول نیست.

♦ آراستگی ظاهر را آنجا می‌بینیم که سفارش شده از بهترین لباس، عطر و زینت در نماز استفاده کنیم و حتّی زن‌ها وسایل زینتی خود را در نماز همراه داشته باشند.

♦ توجّه به همسر را آنجا می‌بینیم که در حدیث می‌خوانیم: اگر میان زن و شوهری کدورت باشد و یا یکدیگر را بیازارند و بد زبانی کنند، نماز هیچ کدام پذیرفته نیست.

امام خمینی قدس سره فرمود: «نماز، کارخانه‌ی انسان‌سازی است».

تجارتی پایدار

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ
عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ﴿٢٩﴾

همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز برپا می‌دارند و از آن چه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد. (فاطر، ۲۹)

نکته‌ها:

♦ در آیه قبل سخن از این بود که تنها علما خشیت الهی دارند، گویا این آیه سیمای علمای واقعی را شرح می‌دهد که آنان: انس با قرآن دارند. نماز به پا می‌دارند و انفاق آنان خالصانه است زیرا هم علنی انفاق می‌کنند و هم پنهانی و اگر ریاکار بودند تنها علنی انفاق می‌کردند.

♦ «تَبُورَ» از «بوار» به معنای کساد می‌باشد در تجارت است. از آنجا که این امر موجب فساد و نابودی است به هلاکت هم بوار گفته می‌شود.

♦ در قرآن بارها نماز و قرآن، در کنار هم مطرح شده‌اند: «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۱ به کتاب آسمانی تمسک می‌کنند و نماز به پا می‌دارند.

«يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» کتاب خداوند را تلاوت می‌کنند و نماز به پا می‌دارند.

«أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»^۲ آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده تلاوت کن و نماز به پا دار.

امتیازات تجارت با خدا

۱- آنچه از سرمایه داریم، (سلامتی، علم، عمر، آبرو، مال و ...) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود، عقل و وجدان می‌گوید خانه را به پدر بفروشد، زیرا خود فرزند و تمام دارایی‌هایش از اوست و فروش به بیگانه جوانمردی نیست. فرزند و خداوند به بهای بهشت ابدی می‌خرد، ولی دیگران هر چه بخرند، ضرر و خسارت است، چون ارزان می‌خرند و زودگذر است.

۳- خداوند کم‌رامی پذیرد، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» ولی دیگران کم‌رانمی‌پذیرند.

۴- او با عفو و اغماض، عیب جنس را می‌پوشاند و با همان نواقص می‌خرد. در دعای تعقیب نماز می‌خوانیم: خداوندا! اگر در رکوع و سجود نمازم خلل و نقصی است نادیده بگیر و نمازم را قبول فرما. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ»، باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی که به سراغ دیگران رفتند.

۱. فاطر، ۲۹.

۲. عنکبوت، ۴۵.

♦: پیام‌ها:

- ۱- تلاوت قرآن (گرچه مستحب است)، اما قبل از واجباتی همچون نماز و زکات آمده است. «يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا»
- ۲- فکر و فرهنگ، مقدمه عمل و توجه به نماز است. «يَتْلُونَ كِتَابَ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۳- کسی که عاشقانه مکتب را بپذیرد، نماز و انفاقش قطعی است. (تلاوت کتاب به صورت مضارع آمده که نشانه تداوم عمل و علاقه به تلاوت است، «يَتْلُونَ» ولی نماز و انفاق به صورت ماضی آمده که نشانه قطعی بودن انجام آن است.) «أَقَامُوا - أَنْفَقُوا»
- ۴- نماز، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. «أَقَامُوا - أَنْفَقُوا»
- ۵- مورد انفاق، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»
- ۶- امید به رستگاری، باید با فکر و عمل و نماز و انفاق همراه باشد وگرنه امید بدون کار، پنداری بیش نیست. «يَتْلُونَ، أَقَامُوا، أَنْفَقُوا، يَرْجُونَ»
- ۷- با داشتن علم و خشیت الهی (که در آیه قبل بود) و با تلاوت قرآن و اقامه نماز و کمک به محرومان، باز هم خود را مستحق ندانید، تنها امیدوار باشید. «يَرْجُونَ»
- ۸- در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت‌های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می‌تواند با خدا معامله کند و می‌تواند غیر خدا را انتخاب کند.

نماز و مشورت

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ



و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می‌گیرد و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. (شوری، ۳۸)

نکته‌ها:

♦ مشورت در مسائلی است که مربوط به مردم باشد، ولی در اموری که مربوط به خداوند است نظیر بعثت، امامت و عبادت، جای مشورت نیست. نماز پیمان الهی است، «**الصلاة عهد الله**» عهد خدا را باید انجام داد و نیازی به مشورت ندارد. امامت و رهبری امت نیز عهد الهی است، زیرا همین که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که نسل او رهبر جامعه شود، خداوند فرمود: رهبری و امامت پیمان و عهد من است و سپردن آن مربوط به گزینش من است نه دعای تو و اگر از شخصی ظلمی سربرزند لایق رهبری نیست، «**لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**» پس در رهبری امت، باید تسلیم او باشیم، چنانکه قرآن می‌فرماید: «**إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا**» امامت به انتخاب من است.

•: پیام‌ها:

- ۱- شیفتگان نماز و انفاق، از نعمت‌های برتر و ابدی قیامت برخوردارند.
(به دنبال آیه قبل فرمود:) «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا...»
- ۲- توجّه به ربوبیت خداوند سبب شیفتگی انسان نسبت به انجام دستورات الهی بخصوص نماز است. «اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ»
- ۳- اجابت دعوت خدا، باید با عمل باشد نه ادّعا. «اسْتَجَابُوا... أَقَامُوا»
- ۴- مؤمن اهل عبادت و نماز، استبداد ندارد، اهل انزوا نیست و به رأی دیگران احترام می‌گذارد. «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»
- ۵- آنچه مورد سفارش است، اقامه نماز است نه فقط خواندن نماز.
(یعنی انجام باشکوه نماز با تمام شرایط) «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۶- حساب نماز از سایر عبادات جداست. (با اینکه نماز جزو امور موجب استجاب ربّ است، ولی نام آن جداگانه آمده است.) «اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۷- نماز، تکبّر را؛ مشورت، استبداد را و انفاق، بخل را در جامعه محو می‌کند. «الصَّلَاةُ، شُورَى، يَنْفِقُونَ» (انفاق مخصوص مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به دیگران کمک کرد.)

اهمیت نماز جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا
الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد،
پس به سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این
برای شما بهتر است، اگر بدانید. (جمعه، ۹)

نکته‌ها:

✦ رسول گرامی اسلام در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای کسانی که
روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند، طلب مغفرت
می‌نمایند.^۱

✦ در اسلام، در میان روزها، روز جمعه از اهمیت خاصی برخوردار است:
جمعه، عید مسلمانان است.^۲

جمعه روز ظهور امام زمان (عجله الله تعالی فرجه) و پایان غیبت است: «يُخْرِجُ قَائِمًا يَوْمَ الْجُمُعَةِ»^۳
هرکس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آنها برود، گناهانش

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۹۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶۶.

۳. کمال الدین، ص ۱۶۴.

بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می شود.^۱
 برای کسی که در روز جمعه به نظافت پردازد و ناخن و موی سر و صورت
 خود را کوتاه کند و مسواک زند ... و به سوی نماز جمعه برود، هفتاد هزار
 فرشته او را بدرقه کنند و برای او استغفار و شفاعت نمایند.^۲

جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.
 نمازی که دعوت به آن با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است.
 نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده اند.
 نمازی که فرمان ترک داد و ستد را به همراه دارد.
 نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است. «فانها حج المساکین»^۳
 نمازی که بعد از خطبه اش دعا مستجاب می شود.^۴
 نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می شود.
 نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه ی نفاق شمرده شده است.
 نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.
 نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می شوند.
 نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی توان آن را فردی خواند.
 نمازی که سفارش شده تسهیلاتی برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.^۵
 نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد. حضرت علی علیه السلام

۱. صلاة الجمعة، ص ۲۴۵.

۲. مستدرک، ج ۶، ص ۴۶.

۱. تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

در نامه به حارث همدانی می‌فرماید: روز جمعه مسافرت مکن تا در نماز حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا کاری که به انجام آن معذوری.^۱ نمازی که سفارش شده از روز قبل، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی علیه السلام از اینکه روز پنج شنبه دارویی مصرف کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت در نماز) در روز جمعه شود، مردم را نهی می‌فرمودند^۲ و امام باقر علیه السلام در وصف یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آنان از روز پنج شنبه خود را برای نماز جمعه آماده می‌کردند.^۳ نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند.^۴ نمازی که یک شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه تلاوت شود که به نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه برمی‌دارد، خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می‌کند.^۵ نماز جمعه کفاره گناهانی است که انسان در طول هفته انجام می‌دهد، البته مادامی که گناهان کبیره را رها کند.^۶ کسی که کارگری را دارد او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناه می‌کند.^۷

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲.

۶. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۷. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷.

هرکس سه جمعه پی در پی بدون عذر موجه نماز جمعه را ترک نماید، نام او به عنوان منافق ثبت می شود. «من ترک الجمعة ثلاثة متتابعة لغير علة كتب منافقا»^۱

و در روایت دیگری می خوانیم هرکس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر می زند.^۲ هرکس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد (تا کفّاره‌ی عدم حضور او در نماز جمعه باشد).^۳

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: هرکس در زمان حیات و یا پس از مرگ من، نماز جمعه را از روی انکار یا استخفاف و سبک شمردن ترک کند، خداوند کارش را جمع نمی کند، در امورش برکت قرار نمی دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه کند.^۴

هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند^۵ و نماز نخوانند^۶ و با ادب بنشینند.^۷

پیام‌ها:

۱- برای دعوت مردم به عبادت و نماز باید بسترسازی کرد. (در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه، سخن از تسبیح موجودات است.) «يُسَبِّحُ لِلَّهِ ... فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»

۱. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۷.

۲. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۴۷.

۳. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۳۹.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰.

۵. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.

۷. کنز العمال، ج ۷، ص ۷۴۶.

- ۲- حضور در نماز جمعه، نشانه ایمان است. «الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ...»
- ۳- نماز، مایه‌ی ذکر خدا است. «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»
- ۴- برای حضور در نماز جمعه، شتاب کنید. «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا»
- ۵- برای حضور در نماز جمعه، باید موانع موجود را برطرف کرد. «وَذَرُوا الْبَيْعَ» (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است و گرنه همه کارها را باید در هنگام نماز، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت.)
- ۶- در تربیت دینی، هم تشویق لازم است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» هم فرمان لازم است، «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» هم نهی لازم است، «وَذَرُوا الْبَيْعَ» هم استدلال لازم است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ»

♦ — مداومت بر نماز — ♦



إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾

مگر نمازگزاران. آنان که بر نمازشان مداومت دارند. (معارج، ۲۲-۲۳)



• نکته‌ها:

✦ در آفرینش انسان، امور متضادّ قرار داده شده و این رمز تکامل است. نفس، انسان را به بدی سوق می‌دهد: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»^۱ ولی

— ♦ آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید — ۱۶۳ ♦ —

عقل، انسان را از آن باز می‌دارد: «نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ»^۱ و رشد انسان در انتخاب میان این تقابل‌هاست که به تربیت و تزکیه انسان می‌انجامد. ♦ براساس روایات، بهترین عمل آن است که تداوم داشته باشد.^۲ «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

♦: پیام‌ها:

- ۱- راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ»
- ۲- طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می‌کند. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» و آیات قبل «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»^۳.
- ۳- انسان بدون نماز مضطرب است. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» و آیات قبل.
- ۴- آثار نماز در گرو مداومت بر آن است. «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

مراقبت ویژه

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿۳۵﴾
و آنان که بر نمازشان مراقبت دارند. اینان در بهشت‌ها گرامی داشته می‌شوند. (معارج، ۳۴-۳۵)

۲. نازعات، ۴۰.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. معارج، ۲۲.

• نکته‌ها:

♦ در آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج، سیمای اُمت اسلامی و جامعه ایده‌آل ترسیم شده است:

♦ رابطه دائمی و کامل با خداوند از طریق نماز دارند.

♦ به مشکلات محرومان توجّه دارند و بخشی از مال خود را حق آنان می‌دانند.

♦ به خاطر ایمان به معاد و ترس از حساب، بر افکار و گفتار و رفتارشان تقوا حاکم است.

♦ به امانت‌ها و تعهداتشان پایبندند.

♦ نسبت به حقوق مردم قیام می‌کنند و اگر برای شهادت و گواهی دعوت شوند ردّ نمی‌کنند.

♦ در ارضای غریزه جنسی، به دنبال راه حلال و تشکیل خانواده و نسل پاک هستند.

♦ نسبت به نمازشان، به شدت مراقب و مواظب هستند.

این آغاز و پایان نشان می‌دهد که در میان تمام این اوصاف توجه به نماز برترین و مهمترین آنها است.

♦ شاید مراد از عبارت «**عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ**»^۱ ترک نکردن و مراد از «**عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ**» جدّی گرفتن نماز باشد. همچون انتظار نماز، وضو گرفتن قبل از رسیدن وقت، با جماعت و در مسجد خواندن نماز و مراعات شرایط صحت و قبولی و کمال نماز.^۲

۱. معارج، ۲۳.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی.

پیام‌ها:

- ۱- نشانه ایمان، تنها نماز و انفاق نیست، رعایت عهد و پیمان‌های اجتماعی نیز شرط ایمان است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»
- ۲- آغاز و پایان تمام کمالات، توجّه به نماز است. در آغاز فرمود: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» و در پایان فرمود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»



وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝۱۸

و اینکه مساجد برای خداوند است پس (در آنها) با خداوند احدی را
نخوانید. (جن، ۱۸)



نکته‌ها:

- ♦ «مساجد» جمع «مسجد» به معنای محل سجده است.
- ♦ امام صادق علیه السلام فرمود: چون یهود و نصاری در مراکز عبادت خود به خدا شرک می‌ورزیدند، خداوند فرمود: در مساجد اسلامی با خداوند احدی را نخوانید و خدا لعنت کند کسی که به مسجد احترام نگذارد.^۱
- ♦ در جمله «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» دعا به معنای عبادت است، به دلیل

آیه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي»^۱ بنابراین خواندن غیر خدا به عنوان عبادت او حرام است، اما خواندن عادی شرک نیست.

نکاتی چند پیرامون مسجد

۱- اول بنای روی کره زمین مسجد بود. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»^۲

۲- جایگاه مسجد باید از قداستی برخوردار باشد. چنانکه مؤمنان گفتند:

بر مزار اصحاب کهف مسجدی بنا می‌کنیم: «لَنَنْشُدَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۳

۳- اولین کار پیامبر در مدینه، ساختن مسجد بود. «لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ»^۴

۴- بیش از ده مرتبه نام مسجدالحرام در قرآن آمده است.

۵- خداوند، مسجد را خانه خود دانسته و برترین مردم، یعنی ابراهیم و

اسماعیل، دو پیامبر بزرگ را خادم آن قرار داده است. «طَهَّرَا بَيْتِي»^۵

۶- برای حضور در مسجد، سفارش زینت شده است. «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۶

۷- اگر ساخت مسجد بر اساس تقوا نباشد، و مسجد، عامل تفرقه گردد،

باید خراب شود. «مَسْجِدًا ضَرَارًا»^۷

۸- قداست مسجد تا آنجاست که هر کسی حق ساخت و تعمیر مسجد را

۲. غافر، ۶۰.

۲. آل عمران، ۹۶.

۱. کهف، ۲۱.

۲. توبه، ۱۰۸.

۵. بقره، ۱۲۵.

۶. اعراف، ۳۱.

۷. توبه، ۱۰۷.

ندارد. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ»^۱ و این امر، مخصوص مؤمنان متقی است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ»^۲

۹- مسجد و سایر مراکز عبادت یهود و نصاری (دیرها و صومعه‌ها و معابد) به قدری ارزش دارد که برای حفظ آنها، باید خون داد «لِهَدْمَتِ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ»^۳

۱۰- مسجد آدابی دارد از جمله این که با صدای بلند در آن گفتگو نشود، سخنان باطل مطرح نشود، از خرید و فروش صحبتی نشود و از مطالب لغو دوری گردد.

۱۱- برای هر گامی که به سوی مسجد برداشته شود، پاداش است.

۱۲- نشستن در مسجد به انتظار نماز پاداش دارد.

۱۳- مسجدی که در آن نماز خوانده نشود، نزد خدا شکایت می‌کند.

۱۴- همسایه مسجد اگر نمازش را در مسجد نخواند، ارزشی ندارد.

۱۵- خداوند به خاطر اهل مسجد، عذاب را از دیگران برطرف می‌کند.^۴

۱۶- امام جواد (علیه السلام) در پاسخ به چگونگی حکم حدّ سرقت فرمود: فقط چهار انگشت قطع شود. زیرا قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» و آنچه در سجده روی زمین قرار گیرد، نباید قطع شود.^۵

•: پیام‌ها:

۱- مسجد مکان‌های عبادت برای خداست. «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»

۱. توبه، ۱۷.

۲. توبه، ۱۸.

۳. حج، ۴۱.

۱. موارد ۱۰ تا ۱۵ براساس روایاتی است که در میزان الحکمه باب مسجد آمده است.

۲. وسائل الشیعه، کتاب حدود، حدّ سرقت.

- ۲- هفت موضعی که هنگام سجده بر زمین نهاده می‌شود مخصوص خداست و سجده برای غیر خدا ممنوع است. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»
- ۳- جایی که به قصد مسجد ساخته شد و در آن نماز خوانده شد، احکام ویژه‌ای پیدا می‌کند. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»
- ۴- از نظر قرآن، برخی مکان‌ها مانند مسجد و محل عبادت می‌تواند قداسست مخصوص داشته باشد. «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا...»
- ۵- احدی را در کنار خدا و هم ردیف خدا نخوانید. «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»

عقاب تارکان نماز

ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

(اهل بهشت از مجرمان جهنمی می‌پرسند:) چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. (مدثر، ۴۲-۴۳)

نکته‌ها:

✦ علت دوزخی شدن جهنمیان از زبان خودشان: زیرا ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی‌کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم. و پیوسته روز قیامت را تکذیب می‌کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد و در آن حالت جان دادیم.

✦ نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار

نمی‌دهد. «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد. «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۲ و این همان حدیث معروف امام صادق علیه السلام است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: کسی که به نماز اهمیت نمی‌دهد، مشمول شفاعت ما نمی‌شود. «لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»^۳

♦ پیام‌ها:

۱- کسی با یک بار گناه به دوزخ نمی‌رود اصرار و مداومت به گناه و فساد، سبب رفتن به دوزخ است. (عبارت «لَمْ نَكُ» و «كُنَّا» نشانه استمرار فعل است.)

♦ رستگاری واقعی ♦



قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی‌ها) پاک گردانید.
نامر پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. (اعلی، ۱۴-۱۵)



۱. ماعون، ۵ و ۶.
۲. مدثر، ۴۳ و ۴۸.
۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

• نکته‌ها:

♦ تزکیه، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضا و جوارح از رفتار فاسد، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.

♦ در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنان آمده: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده و اهل نماز باشند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده و اهل نماز باشند.

• پیام‌ها:

- ۱- قرآن در پایان برخی آیات می‌فرماید: امید است رستگار شوید. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده‌اند، با ریا و غرور و گناه و منت‌گذاری محو می‌شود. ولی درباره تزکیه شدگان نمازگزار می‌فرماید: قطعاً رستگارند. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»
- ۲- تزکیه بدون نماز و عبادت نمی‌شود. «تَزَكَّى، ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»

دشمنان نماز

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ۹ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ۱۰

آیا دیدی آن که منع می‌کند. بنده‌ای را که نماز می‌خواند. (علق، ۹ - ۱۰)

نکته‌ها:

♦ مراد از عبدی که نماز می‌خواند «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» چنانکه از آیات آخر سوره بر می‌آید، رسول خداست. از آنجا که این آیات، اولین آیاتی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده، پس آن حضرت قبل از رسیدن به مقام رسالت، نماز می‌خوانده است.^۱

♦ در احادیث می‌خوانیم: ابوجهل از اطرافیان خود پرسید: آیا پیامبر در میان شما نیز برای سجده صورت به خاک می‌گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به آنچه سوگند می‌خوریم، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می‌کنم. زمانی که متوجه شد پیامبر در حال نماز است، تصمیم گرفت با لگد بر سر مبارک آن حضرت در سجده بکوبد، همین که نزدیک شد، با حالتی عجیب عقب نشینی کرد و به مشرکان گفت: وقتی به او نزدیک شدم، در مقابل خود خندق و گودال بزرگی از آتش دیدم.^۲

۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه.

۲. تفسیر مجمع البیان و نمونه.

♦ با اینکه مراد از «عَبْدًا» شخص پیامبر ﷺ است، ولی نکره آوردن آن به خاطر تعظیم و بزرگداشت است. «عَبْدًا إِذَا صَلَّى»

• پیام‌ها:

- ۱- بازداشتن از نماز، روشن‌ترین نوع منکرات است. «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
 - ۲- طاغوتیان مخالف نمازند. «لَيُطْفِئَ - يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (رفتار ناروا زمانی مورد سرزنش قرار می‌گیرد که دوام داشته باشد).
 - ۳- نشانه بندگی خدا، نماز است. «عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
 - ۴- طاغوت‌ها از بندگی خدا ناراحتند. (نه از افراد بی تفاوت و یا بنده هوسهای خود یا دیگران) «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
 - ۵- نام و نشان مهم نیست، عملکردها مهم است. (نام نهی کننده و نمازگزار نیامده است). «يَنْهَى - صَلَّى»
 - ۶- در برابر نهی و منع دیگران، شما اصرار بر انجام کارهای عبادی داشته باشید. «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (از اوجهل‌هائی که از نماز نهی می‌کنند پیروی نکن و به عبادت و سجده بپرداز).
- امام رضا علیه السلام به استناد آیه آخر سوره علق فرمودند: نزدیک‌ترین حالات انسان نسبت به خداوند حالت سجده است.^۱



وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا
الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آنکه خدا را بپرستند در حالی که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و نماز را بپا دارند و زکات بپردازند و این است دین استوار. (بینه، ۵)



نکته‌ها:

♦ «حُنَفَاءَ» جمع «حنیف» به معنای گرایش به حق است، در برابر کلمه «جنیف» که به معنای گرایش به باطل است.

♦ اگر آیه «ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» را در کنار آیه «فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ» بگذاریم می‌توان استفاده کرد که عبادت خالص و بی‌پیرایه و رابطه با خدا (نماز) و کمک به دیگران (زکات)، از امور فطری هر انسانی است.

پیام‌ها:

- ۱- سلیقه‌ها و هوسهای دیگران متغیر است. دین پایدار و ثابت، سرسپردگی خالصانه به خدای ثابت است. «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ... ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ»
- ۲- ایمان بدون نماز و زکات استوار نیست. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ»
- ۳- پیامبران، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کردند نه خود. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ»
- ۴- خالص و بی‌پیرایه بودن، رمز بقا و جاودانگی است. «مُخْلِصِينَ ... الْقَيِّمَةِ»

۵- فرمان توحید و نماز و زکات در تمام ادیان آسمانی بوده است. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ...»

سپاسگزاری ویژه

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿٢﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٣﴾
همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و
(شتر) قربانی کن.

نکته‌ها:

✦ در روایات، برای کسی که این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، سیراب شدن از حوض کوثر در قیامت، وعده داده شده است.^۱
✦ کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می‌تواند مصادیق متعددی همچون وحی، نبوت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می‌تواند شاهی برای این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم است. زیرا دشمن کینه‌توز با جسارت به پیامبر، او را ابتر می‌نامید و خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» دشمن تو، خود ابتر است.

✦ هدیه کننده خداوند، هدیه گیرنده پیامبر و هدیه شده فاطمه عليها السلام

۱. تفسیر نور الثقلین.

است. لذا عبارت «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» به کار رفته که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.

✽ نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین نوع عبادت و سپاسگزاری است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روزی سی و چهار بار بر زمین ساییده می‌شود تا در انسان تکبری باقی نماند. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. «تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ»

✽ در قرآن سوره‌ای به نام کوثر داریم و سوره‌ای به نام تکاثر. اما کوثر ارزش است و تکاثر ضد ارزش، زیرا اولی عطیه الهی است که دنباله‌اش ذکر خداست: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ» و دومی یک رقابت منفی که دنباله‌اش غفلت از خداست. «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»

کوثر ما را به مسجد می‌برد برای نماز: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» و تکاثر ما را به گورستان می‌برد برای سرشماری مردگان. «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»

در عطای کوثر بشارت است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» و در تکاثر تهدیدهای پی در پی. «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»

کوثر، عامل رابطه با خالق است: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ» و تکاثر، وسیله‌ای برای سرگرمی با مخلوق. «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»

✽ در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می‌شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می‌دهد: «رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

أَفْوَاجًا فَسَبَّحَ ولی برای عطا کردن کوثر می فرماید: **«فَصَلِّ لِرَبِّكَ»** نماز بگذار. گویا اهمیت کوثر از اسلام آوردن مشرکان بیش تر است.

♦ عطا ی استثنایی در سوره استثنایی با الفاظ استثنایی:
عطا بی نظیر است، چون کوثر است؛

سوره بی نظیر است، چون کوچک ترین سوره قرآن است؛
والفاظ بی نظیرند، چون کلمات **«اعطینا»**، **«الکوثر»**، **«صلی»**، **«انحر»**، **«شائئک»** و **«ابتر»** تنها در این سوره به کار رفته و در هیچ کجای قرآن شبیه ندارد.
♦ بر اساس روایات، مراد از **«وَانْحَرُ»** آن است که به هنگام گفتن تکبیرها در نماز، دستان تا مقابل گودی زیر گلو که محلّ نحراست، بالا آورده شود که این زینت نماز است.^۱

۰: پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. **«أَعْطَيْنَاكَ ... فَصَلِّ»**
- ۲- در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. **«فَصَلِّ»**
- ۳- تشکر باید فوری باشد. **«فَصَلِّ»** (حرف فاء برای تسریع است)
- ۴- نوع تشکر را باید از خدا بیاموزیم. **«فَصَلِّ»**
- ۵- در نعمت‌ها و شادی‌ها خداوند را فراموش نکنیم. **«أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ»**
- ۶- آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. **«فَصَلِّ»**
- ۷- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان فرمان می‌دهد. **«فَصَلِّ لِرَبِّكَ»**
- ۸- چون عطا از اوست: **«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ»** تشکر هم باید برای او باشد. **«فَصَلِّ لِرَبِّكَ»**

۱. تفسیر مجمع البیان.

- ۹- نماز و قربانی کردن، یکی از راههای تشکر از نعمت‌های الهی است. (زیرا محرومان به نوایی می‌رسند.) «وَأَخْرَ»
- ۱۰- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، قربانی گوسفند کافی نیست باید شتر قربانی کند و بزرگ‌ترین حیوان اهلی را فدا کند. «وَأَخْرَ»
- ۱۱- رابطه با خداوند (نماز)، بر رابطه با خلق مقدم است. فَصَّلَ... وَأَخْرَ
- ۱۲- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت و نماز باشد. «فَصَّلَ لِرَبِّكَ وَأَخْرَ»
- ۱۳- شکر عطا گرفتن از خدا، علاوه بر نماز، عطا کردن به مردم است. «أَعْطَيْتَكَ الْكَوْثَرَ... وَأَخْرَ»
- ۱۴- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، «لِرَبِّكَ» و انفاقی ارزش دارد که سخاوت‌مندانه باشد. «وَأَخْرَ»

سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿٢﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٣﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَى
طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٤﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٦﴾
الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ ﴿٧﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٨﴾

آیا کسی که قیامت را انکار می‌کند دیده‌ای؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند. و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافلند. آنان که پیوسته

ریا می‌کنند. و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می‌دارند.



• نکته‌ها:

- ✦ این سوره سیمای افراد منفی را معرفی می‌کند:
- ✦ کسانی که نسبت به دین، دیدگاه منفی دارند. «يُكَذِّبُ بِاللَّيْنِ»
- ✦ نسبت به یتیم و مسکین منفی هستند و آنان را طرد می‌کنند. «يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَخُصُّ»
- ✦ در عبادت و نماز منفی هستند و اخلاص ندارند. «سَاهُونَ - يُرَاؤُونَ»
- ✦ در خدمت به مردم منفی هستند. «يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»
- ✦ مراد از «دین» در اینجا روز قیامت است، مانند «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
- ✦ «دع» راندن همراه با خشونت و «حَصَّ» تشویق و ترغیب دیگران است.
- ✦ مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره، تکذیب قلبی است، نه قولی؛ زیرا مخاطب سوره، کسانی هستند که نماز می‌خوانند ولی نمازشان همراه با ریا و خودنمایی و سهو و غفلت است.
- ✦ «ماعون» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می‌دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها.
- ✦ دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدانیست.
- ✦ در روایات، «سَاهُونَ» به معنای سستی، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.^۱

۱. تفسیر نورالثقلین.

♦ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمائی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

♦ در حدیث می‌خوانیم: کسی که از دادن لوازم منزل خود به همسایگان دریغ ورزد، خدا روز قیامت لطف خود را نسبت به او دریغ خواهد کرد.^۱ البته ♦ در حدیث دیگری می‌خوانیم که پرسیدند: ما همسایگانی داریم که هرگاه وسائلی به آنان عاریه می‌دهیم، می‌شکنند یا خراب می‌کنند، آیا گناه است که به آنان ندهیم؟ حضرت فرمود: در این صورت مانعی ندارد.^۲

♦ در حدیث می‌خوانیم: هر کس به اوقات نماز بی‌اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد.^۳

♦ امام صادق (ع) فرمودند: ماعون، شامل قرض الحسنه و هر کار نیک درباره دیگران و در اختیار قرار دادن وسائل خانه و از جمله زکات است.^۴ ♦ سنگدلی انسان به جائی می‌رسد که:

♦ نسبت به سخت‌ترین نوع فقر که مسکین است.

♦ نسبت به ضروری‌ترین نیاز که خوراک است.

♦ آن هم به مقدار مصرف نه ذخیره.

♦ نه خود اقدامی می‌کند و نه دیگران را تشویق می‌کند.

نگاهی به مسئله ریا

ریا و شمه‌ه دو خطر و آفت بزرگ هستند که افراد مؤمن را تهدید می‌کند. ریا

۱. تفسیر کنزالدقائق.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

آن است که انسان کاری را برای دیدن مردم انجام دهد و شُمعهِ آن است که کاری را بجا آورد و هدفش آن باشد که کارش به گوش مردم برسد. این دو کار از نشانه‌های نفاق است. چنانکه قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالٍ يُرَآؤُنَ النَّاسَ»^۱ چون به نماز می‌ایستند، نمازشان با کسالت و ریاکاری است، همان گونه که به دیگران کمک نمی‌کنند مگر در حال کراهت و نارضایتی. «وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهْمًا كَرْهُونَ»^۲ بر اساس روایات، ریاکار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد؛ در ظاهر اهل خشوع و تواضع است، ولی در باطن دست از گناه بر نمی‌دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آنکه از دنیا آخرت را بدست آورد، از آخرت به سراغ دنیا می‌رود و از پرده‌پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: سخت‌ترین عذاب‌ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان‌ها را بالا می‌برند، ولی خطاب می‌رسد: هدفش خدا نبوده است، آن را برگردانید.

در فرهنگ اسلامی، ریا، نوعی شرک است و امام صادق (ع) درباره کسی که عمل نیکی انجام دهد، اما نه برای خدا، بلکه برای اینکه مردم بشنوند و او را ستایش کنند، فرمود: او مشرک است، سپس آیه «لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۳ را تلاوت فرمود.^۴

علامت ریاکار آن است که اگر ستایش شود کار نیکش را توسعه می‌دهد

۱. نساء، ۱۴۳.

۲. توبه، ۵۴.

۳. کهف، ۱۱۰.

۴. روایات، از میزان الحکمه بحث ریا.

و اگر ستایش نشود از کار خود می‌کاهد. ناگفته نماند که این همه توبیخ و انتقاد برای کسانی است که از ابتدا، کار را برای غیر خداوند انجام می‌دهند، ولی اگر انسان از آغاز هدفی جز خداوند نداشت، و مردم از کار او آگاه شدند، مانعی ندارد. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ کس نیست مگر آنکه دوست دارد خوبی‌هایش در مردم ظاهر شود، به شرط آنکه از ابتدا نیت او مردم نباشد. «اذا لم یکن صنع ذلك لذلك»^۱

اخلاص

در برابر ریا و سمعه، اخلاص است که در حدیث می‌خوانیم: خداوند جز خالصان را نمی‌پذیرد «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۲ و هر کس چهل روز خود را خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب او به زبانش جاری می‌شود. «من اخلص لله اربعین صباحا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه الى لسانه»^۳ و نشانه ایمان کامل آن است که حُب و بغض و بخشیدن و نبخشیدن برای خدا باشد و افضل عبادت اخلاص است و از فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که فرمود: «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله عز وجل افضل مصلحته»^۴ هر کس عبادت خالص به درگاه خداوند فرستاد، خداوند بهترین مصلحت او را برایش نازل می‌کند.

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. زمر، ۳.

۳. جامع الاخبار، ص ۹۴.

۴. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

• پیام‌ها:

۱- تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان، امری شگفت‌آور و جای سؤال است. «أَرَأَيْتَ الَّذِي»

۲- طرد یتیم انسان را از خدا دور می‌کند. «يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۳- نشانه ایمان، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هرکس بی توجه باشد بی دین است. «يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۴- میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. (مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می‌دهد). «يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۵- نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) «يَدْعُ الْيَتِيمَ ... طَعَامِ الْمَسْكِينِ»

۶- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»

۷- سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی‌اعتنائی باشد، سرزنش دارد. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۸- سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. «عَنْ صَلَاتِهِمْ» (نه «فِي صَلَاتِهِمْ»)

۹- خطر آنجاست که کار زشت سیره دائمی انسان شود. «يُكَذِّبُ ... يَدْعُ ... لَا يَحْضُ» (قالب فعل مضارع بیانگر استمرار کار است)

۱۰- اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ ... يُرَاؤُونَ»

۱۱- اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گرچه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. «لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»

۱۲- کسی که گاهی از نماز غافل می‌شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱۳- بی‌تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کيفر دارد. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۱۴- خدمت به مردم در کنار نماز است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۱۵- غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۱۶- بی‌اعتنائی به گرسنگان، نشانه بی‌اعتقادی به قیامت است. «يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ ... وَلَا يَخُصُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»

۱۷- سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می‌شود و قابل جبران است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱۸- افرادی که از خدا جدا شوند، به دنبال کسب جایگاهی در نزد دیگران با ریا کاری هستند. «يُكَذِّبُ ... يَرَاؤُنَ»

۱۹- بخل، ویژگی منکران معاد است، که حتی از عاریه دادن چیزهای کوچک و ناچیز بخل می‌ورزند. «يُكَذِّبُ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

سوره توحید

برخی از اهل کتاب و مشرکان، از پیامبر خواستند که خدایت را برای ما معرفی کن؛ این سوره که به منزله شناسنامه خداوند است، نازل شد و خداوند را از داشتن پدر و مادر یا فرزند و همسر و یا شیه و شریک، پاک و منزه دانست.

این سوره شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است، از این رو سوره توحید و اخلاص نام گرفته است.

در فضیلت این سوره، روایات بسیاری وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود^۱:

در هر شبانه روز، لااقل یکبار این سوره را در نمازهای خود بخوانید و پس از آن بگویید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي: پروردگار من چنین است.»

به گفته روایات، این سوره در اهمیت، به منزله یک سوم قرآن است. یک بار تلاوت آن، برابر تلاوت یک سوم قرآن و دوبار تلاوت آن، معادل دو سوم و سه بار تلاوت آن برابر تلاوت کل قرآن است.

رسول خدا ﷺ فرمود: سوره توحید مثل علی بن ابی‌طالب است که هر کس او را قلباً دوست دارد یک سوم ایمان را داراست و هر کس با قلب و زبان دوست بدارد دو سوم ایمان را دارد و هر کس با قلب و زبان و اطاعت در عمل، همراه او باشد ایمانش کامل است.

۱. مجموع روایات در تفسیر نورالثقلین، (ج ۵، ص ۶۹۹-۷۱۵) آمده است.

تلاوت این سوره به عنوان یکی از تعقیبات نماز به شمار آمده و در روایات می‌خوانیم: هرکس تلاوت آن را بعد از هر نماز ترک نکند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می‌دهد و او و والدین و فرزندان را می‌آمرزد. امام سجاد علیه السلام فرمود: چون خداوند می‌دانست که در دوره آخر الزمان گروهی دقیق و عمیق خواهند آمد، سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل فرمود. تلاوت این سوره به شش سمت، سبب حفظ شدن انسان از خطرات و ایمن شدن از حوادث می‌گردد.^۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان



قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو: او خداوند یگانه است.



:: نکته‌ها:

❧ کلمه «اللَّهُ» از «وله» به معنای تحیر است، یعنی آفریده‌ها از درک حقیقت او عاجز و در شناخت ذات او واله و متحیرند. چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: معنای الله آن است که او معبودی است که آفریده‌ها در او حیرانند، زیرا او از درک دیدگان مستور و از دسترس افکار و

عقول، محجوب است.^۱

♦ میان کلمه «واحد» و «أَحَدٌ» تفاوت است. «واحد» در جایی به کار می رود که ثانی و ثالث برای آن فرض شود، برخلاف «احد» که در مورد یکتا و یگانه استعمال می شود. چنانکه اگر گفتی: یک نفر حریف او نیست، یعنی چند نفر حریف او می شوند، اما اگر گفتی: احدی حریف او نیست، یعنی هیچ حریفی ندارد.

♦ توحید، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعه ایمان بدون اقرار به توحید ممکن نیست. اولین سخن پیامبر کلمه توحید بود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». شعار توحیدی «لا اله الا الله» از سه حرف (الف، لام و ها) ترکیب شده و ذکری است که در گفتنش حتی لب تکان نمی خورد ولی عملش تا اطاعت از رهبری معصوم و جانشینان آنان ادامه دارد؛ زیرا شرط توحید طبق فرمایش امام رضا علیه السلام ایمان به امام معصوم و اطاعت از اوست.

♦ در سفری که امام رضا علیه السلام با اجبار مأمون وادار به هجرت از مدینه به مرو شد، در مسیر راه وقتی به نیشابور رسید، مردم دور آن حضرت جمع شدند و از او هدیه و رهنمود خواستند.

امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش و او از اجدادش و آنان از پیامبر خدا نقل کردند که خداوند فرموده است: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی: توحید، قلعه من است و هر کس داخل این قلعه شود از قهر من در امان است.» آنگاه امام رضا علیه السلام فرمود:

البتّه توحید شروطی دارد و من (که امام حاضر هستم) شرط آن هستم،

یعنی توحید بی ولایت پذیرفته نیست. در زمان غیبت امام معصوم نیز، بنا بر فرمان خودشان باید به سراغ فقهای عادل که از هوی و هوس دورند، برویم. بنابراین توحید کامل، ایمان به یکتایی خداوند، دور کردن فکر و عمل از هر نوع شرک و پیروی از رهبران معصوم در زمان حضور و فقهای عادل در زمان غیبت است.

✽ حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌نویسد: «لو كان لريك شريك لأنتك رسله» اگر پروردگارت شریکی داشت، او نیز پیامبرانی می‌فرستاد تا مردم او را بشناسند و بندگی اش کنند.^۱

دلیل یکتایی او، هماهنگی میان آفریده‌هاست. چنانکه امام صادق علیه السلام «اتصال التدبیر» را نشانه یکتایی آفریدگار می‌شمارد.^۲ هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین و آب و باد و خاک و کوه و دشت و دریا با یکدیگر و هماهنگی همه آنها با نیاز انسان، نشانه یکپارچگی تدبیر در نظام هستی است. انسان اکسیژن می‌گیرد و کربن پس می‌دهد ولی گیاهان کربن می‌گیرند و اکسیژن پس می‌دهند. نیازهای طفل با محبت والدین و خستگی روز با خواب شب تأمین می‌شود. چشم که از پی ساخته شده با آب شور حفظ می‌شود و دهان که راه ورودی غذا به معده است، با آب شیرین که در هضم غذا مؤثر است، مرطوب می‌شود.

✽ در جنگ جمل، یک صحرائشینی درباره معنای توحید از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد. دیگر رزمندگان از او ناراحت شدند که اکنون این چه سؤال نابجایی است، اما آن حضرت فرمود: جنگ ما برای توحید است و

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. تفسیر نورالثقلین ج ۳، ص ۴۱۸.

آنگاه معنای صحیح توحید را برای او بیان فرمود.^۱

✦ خداوند، نه فقط در ذات، بلکه در صفات نیز یکتاست. او مثل ما نیست که صفاتش از ذاتش جدا باشد. ما علم و قدرت داریم ولی در کودکی نداشتیم و در پیری نیز از دست می‌دهیم.

خداوند علم و قدرت دارد ولی این صفات برای او پیدا نشده، بلکه همراه ذات او بوده است، چنانکه صفت مخلوق بودن، عاجز بودن و فقیر بودن هیچ‌گاه از ما جدا نبوده و جدا نخواهد شد.

• پیام‌ها:

- ۱- پیامبران امین وحی‌اند؛ خدا به پیامبر فرمود: «قُلْ...» او نیز می‌گوید: «قُلْ...»
- ۲- خداوند، در عین حضور، از دیدگان غایب است و قابل مشاهده نیست. «هُوَ» (اهل توحید عقیده دارند که «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»^۲ چشم‌ها او را درک نمی‌کند ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد).
- ۳- به سؤالات اعتقادی باید پاسخ داد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ...»
- ۴- عقاید حق را باید به دیگران اعلام کرد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ...»
- ۵- خداوند در همه چیز یکتاست. در ذات و صفات، در علم و قدرت و حیات و حکمت، در آفرینش و هستی بخشی. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»



خداوندی که مقصود همگان است.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. انعام، ۱۰۳.



نکته‌ها:

♦ «صمد» به معنای قصد کردن است. خداوند صمد است، یعنی همه موجودات در امورشان او را قصد می‌کنند و او مقصود همگان است. چنانکه امام جواد علیه السلام در معنای «صمد» فرمود: «او بزرگی است که موجودات به او رجوع می‌کنند و محتاج اویند.» نظیر آیه «أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُتَّي»^۱.

امام حسین علیه السلام در پاسخ اهل بصره که از معنای صمد سؤال کرده بودند، فرمود: معنای صمد همان جملات پس از آن یعنی «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» است.^۲ ♦ حضرت علی علیه السلام در تفسیر صمد فرمود: «هو الله الصمد الذي لا من شيء ولا في شيء ولا على شيء، مبدع الأشياء وخالقها ومنشئ الأشياء بقدرته، يتلاشى ما خلق للفناء بمشيئته ويبقى ما خلق للبقاء بعلمه»^۳ خداوند صمد است، یعنی از چیزی به وجود نیامده، در چیزی فرو نرفته، و بر چیزی قرار نگرفته است، آفریننده اشیاء و خالق آنها است، همه چیز را به قدرتش پدید آورده، آنچه برای فنا آفریده به اراده‌اش از هم متلاشی می‌شود و آنچه برای بقاء خلق کرده به علمش باقی می‌ماند.

♦ امام صادق علیه السلام فرمود: اگر اهلش را پیدا می‌کردم از همین کلمه «صمد» توحید و اسلام و ایمان را استخراج می‌کردم.^۴

۱. نجم، ۴۲.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. تفسیر نورالثقلین.

پیام‌ها:

- ۱- توجّه تمام موجودات، خواسته یا ناخواسته به سوی اوست. «اللَّهُ الصَّمَدُ»
- ۲- تنها او غنی است و همه به او محتاجند. «اللَّهُ الصَّمَدُ»
- ۳- تنها خداوند است که سزاوار قصد کردن است. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (حرف الف و لام در الصمد برای حصر است.)
- ۴- موجودات، در همه امورشان محتاج اویند. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (کلمه صمد مطلق است و شامل تمام احتیاجات مادی و معنوی مخلوقات می‌شود.)



لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست.



نکته‌ها:

- ♦ رابطه خداوند با موجودات، رابطه آفرینش است نه زایش. او موجودات را می‌آفریند، یعنی از نیستی به هستی می‌آورد، نه آنکه خود بزاید. زیرا نوزاد از جنس والدین و در واقع جزئی از آنهاست، در حالی که هیچ چیز از جنس خداوند و یا جزئی از او نیست.
- ♦ چون بیشتر مشرکان و اهل کتاب برای خداوند فرزند قائل بودند، لذا «لَمْ يَلِدْ» که به معنای نداشتن فرزند است، مقدّم بر «لَمْ يُولَدْ» آمده است.^۱ موجودات، نه فقط از او زاده نشوند، بلکه حتی از او خارج نشوند، آن گونه

۱. تفسیر نوین.

که میوه از گل، درخت از هسته، آب از ابر و چشمه، آتش از چوب، کلام از دهان، نوشته از قلم، بو از گل، مزه از غذا، فکر از عقل، گرما از آتش، سرما از یخ، خواب و خیال از ذهن، اندوه و شادی و بیم و امید از دل، صادر و خارج می‌شوند.^۱

✿ این آیه، هم عقیده مسیحیت که عیسی را فرزند خدا می‌دانند و هم عقیده یهود که عَزیر را فرزند خدا می‌دانستند و هم عقیده مشرکان جاهلی که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند، رد می‌کند.

❖ پیام‌ها:

- ۱- صَمَدِیَّت و بی‌نیازی خداوند از همه چیز، دلیل آن است که او نیاز به فرزند و والدین ندارد. «اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»
- ۲- خداوند علّتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. «وَلَمْ يُولَدْ»
- ۳- مولود، معلول است و نمی‌تواند خدا باشد. «وَلَمْ يُولَدْ» (چگونه مسیحیان عیسی را مولود مریم، ولی باز هم او را خدا می‌دانند؟)



وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

و هیچ همتایی برای او نباشد.



۱. بخشهایی از پاسخ امام حسین (علیه السلام) به مردم بصره است. تفسیر نورالثقلین

• نکته‌ها:

♦ «کفو» به معنای شبیه و نظیر و مانند است.^۱ چنانکه در بحث ازدواج، توصیه شده همسری انتخاب کنید که «کفو» شما باشد. یعنی در دین و اخلاق شبیه و مانند شما باشد.

♦ خدا صمد است، یعنی او از دیگران بی‌نیاز و همه به او نیازمندند. بنابراین نمی‌تواند همتایی داشته باشد، زیرا همتای او باید بی‌نیاز از او باشد که این با صمد بودن خدا سازگار نیست.

♦ آیه قبل، فرزند بودن و فرزند داشتن را از خدا نفی کرد، این آیه وجود هرگونه همسر را از او نفی می‌کند. چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «مَا اخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا»^۲ او نه همسری انتخاب کرده و نه فرزندی دارد.

• پیام‌ها:

- ۱- نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال، هیچ کس و هیچ چیز شبیه و مانند خداوند نیست. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»
- ۲- خداوند شبیه ندارد تا بتواند شریک او در امور هستی گردد. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

نماز مطلوب از نگاه قرآن

نمازی که قرآن از ما می‌خواهد چنین است:

— دائمی باشد: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^۳

۱. نه‌ایة ابن اثیر.

۲. جن، ۳.

۳. معارج: ۲۳.

- نمازی که از آن حفاظت شود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛^۱
 - نمازی که در آن خشوع باشد: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛^۲
 - نمازی که بازدارنده از فحشا و منکر باشد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛^۳
 - نمازی که به دلیل ذکرالله بودنش، آرامبخش دل ها باشد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛^۴
 - نمازی که در آن نشاط باشد، نه کسالت: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالً»؛^۵
 - نمازی که نسبت به آن، فرزندان و خانواده فراموش نشوند: «وَأُمِرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»؛^۶
 - نمازی که اولویت آن همیشه بر سایر کارهای دیگر رعایت شود؛ حتی در میدان جنگ.^۷
- «والحمد لله رب العالمين»

۱. معارج: ۳۴.

۲. مؤمنون: ۲.

۳. عنکبوت: ۴۵.

۴. رعد: ۲۸.

۵. نساء: ۱۴۲.

۶. طه: ۱۳۲.

۷. نساء: ۱۰۲.

